



تهیه شده در:
مرکز پژوهش های
اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران
دی ماه ۱۳۹۸

بررسی مسائل روز اقتصادی

نقش بخش خدمات در رشد و توسعه اقتصادی

همکاران این شماره:

ناظر: نصیبه خیری

مجری: بهنام نیک‌بین

نقش بخش خدمات در رشد و توسعه اقتصادی

خلاصه مدیریتی

در ادبیات علم اقتصاد از بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) به عنوان موتور رشد و توسعه اقتصادی نام برده می‌شود. (لیندن و محمود، ۲۰۰۷) بخش خدمات اقتصاد که به عنوان فاز سوم از توسعه در اقتصاد کشورهای توسعه یافته، بعد از بخش کشاورزی و صنعت (فازهای اول و دوم توسعه در گذر زمان)، جایگاه مناسبی در دهه‌های اخیر به خود اختصاص داده، سهم قابل توجهی در رشد، توسعه و همچنین اشتغالزایی در اقتصاد کشورهای مذکور دارد.

تعریف بخش خدمات به دلیل پیچیدگی‌های موجود در انواع فعالیت‌های این بخش و تنوع بالای فعالیت‌ها و ستانده‌های آن کاملاً دقیق و جامع نبوده و در طی تاریخ تعاریف متعددی از آن ارائه شده است. اولین دسته از تعاریف مرتبط با فعالیت‌های خدماتی به آن‌ها به عنوان پسماندی نگاه می‌کردند که تمامی چیزها به غیر از مواد اولیه (استخراجی) و بخش صنعت را که به ترتیب به آن‌ها بخش‌های اولیه و ثانویه در اقتصاد اطلاق می‌شد در بر می‌گرفت. بعدها فعالیت‌های اقتصادی بر اساس تئوری سه‌بخشی، به سه بخش مواد خام (بخش اول)، تولیدی (بخش دوم) و خدمات (بخش سوم) تقسیم شدند که این نوع دسته‌بندی توسط دانشمندی همچون آلن فیشر، کالین کلارک و جین فوراستیه در اواسط قرن بیستم توسعه یافته بود. اما به نوعی تعریف

نوبین خدمات را می‌توان به استفان وارگو و رابرت لوش نسبت داد؛ آن‌ها خدمات را به صورت "به‌کارگیری قابلیت‌ها از طریق فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردها برای سود خود یا دیگری" تعریف می‌کنند.

تلاش برای طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی از موضوعات چالش برانگیز در تاریخ تحولات اندیشه‌های اقتصادی بوده است. تا قبل از ۱۹۳۵ تقریباً موضوعی تحت عنوان بخش خدمات وجود نداشت و فعالیت‌ها بر اساس مولد یا نامولد بودن، قابلیت ثروت آفرینی، قابلیت اخذ مالیات از آن‌ها، میزان مشارکت در انباشت سرمایه و مواردی از این دست، تفکیک می‌شدند. اما از ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۵ شاهد ظهور اصطلاحی جدید تحت عنوان "بخش سوم" در اقتصاد بودیم که مهمترین و برجسته‌ترین مطالعات در خصوص معرفی و توسعه مفهوم این بخش را می‌توان به آلن جی. بی. فیشر، کالین کلارک و ژان فوراستیه نسبت داد.

اما از سال ۱۹۶۵ به بعد با توجه به ناهمگنی فعالیت‌های موجود در بخش سوم و مباحث مربوط به گذار از یک جامعه صنعتی به سوی جامعه ای پسا صنعتی، مفهومی نوین تحت عنوان "خدمات" شکل گرفت. در این دوره و به ویژه پس از سال ۱۹۷۰، شاهد طبقه بندی فعالیت‌های خدماتی نیز هستیم که در این رابطه می‌توان به مطالعات اقتصاددانانی همچون کاتوزیان (۱۹۷۰)، گرشانی و مایلز (۱۹۸۳)، پارک و چان (۱۹۸۹)، مایلز و بدن (۲۰۰۰) و ایچن گرین و گوپتا (۲۰۰۹) اشاره نمود.

یکی از مباحث حائز اهمیت در خصوص بخش‌های عمده اقتصادی و به ویژه بخش خدمات که موضوع این گزارش نیز هست، رابطه سهم بخش خدمات با رشد و توسعه اقتصادی است. شرط حداقلی برای اینکه بخش‌های اقتصادی و تغییرات آن‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی یک کشور مؤثر واقع شوند، این است که منابع از بخش با بهره‌وری پایین‌تر به سمت بخش با بهره‌وری بالاتر حرکت کنند که به این مفهوم است که بخشی که دارای رشد بهره‌وری بالاتر هست باید با رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری داشته باشد.

همچنین شایان ذکر است که خدمات کارآمد برای توسعه اقتصادی حیاتی و ضروری هستند. چرا که بسیاری از خدمات به نوعی نهاده‌ها و ورودی‌های تولید کالاها و خدمات دیگر هستند. در نتیجه، کیفیت و هزینه‌های آن‌ها بر عملکرد اقتصاد و رشد اقتصادی تأثیرگذار است.

بر اساس آمارهای جهانی در سال‌های اخیر حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از ارزش افزوده کل در کشورهای توسعه‌یافته‌ای همانند ژاپن، فرانسه، انگلستان و ایالات متحده آمریکا در بخش خدمات بوده و همچنین سهم قابل ملاحظه‌ای در حدود ۷۰ تا ۷۵ درصد از کل شاغلان را در کشورهای مذکور در بر دارد. بخش خدمات در ایران حدود ۵۰ درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود که البته هنوز هم از متوسط جهانی (حدود ۶۴ درصد بر اساس آمار بانک جهانی) کمتر هست.

با این حال مطالعات در زمینه رابطه سهم بخش‌های اقتصادی با رشد و توسعه اقتصادی در جهان همانند لیندن و محمود (۲۰۰۷) رابطه‌ای مشخص، مثبت و معنادار بین رشد سهم بخش صنعت و رشد اقتصادی را

تأیید کرده اما در خصوص بخش کشاورزی و خدمات به جمع‌بندی یکسان و یکپارچه دست پیدا نکرده‌اند. با این وجود نقش سازنده رشد بخش خدمات در پیشرفت و ترقی اقتصاد قابل انکار نخواهد بود. در بخش پایانی گزارش حاضر، ابتدا به بررسی رابطه سهم بخش خدمات با رشد اقتصادی در بین کشورهای منتخب که شامل ژاپن، اسپانیا، ایالات متحده آمریکا و ترکیه می‌باشد، خواهیم پرداخت و سپس زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ترکیه را به عنوان الگویی مناسب جهت مقایسه با اقتصاد ایران مورد بررسی دقیق‌تر قرار خواهیم داد.

بررسی رابطه میان سهم ارزش‌افزوده بخش خدمات در کشورهای منتخب با رشد ارزش‌افزوده کل در آن‌ها حاکی از وجود رابطه معکوس می‌باشد که البته با توجه به مقدار کم R^2 نمی‌توان نتیجه را قابل اتکا دانست. هر چند برخی از مطالعات داخلی و خارجی مؤید وجود چنین رابطه‌ای هستند اما با یک بررسی ساده و بدون لحاظ متغیرهای مؤثر دیگر نمی‌توان نتیجه را با قاطعیت اعلام نمود. از طرفی بخش خدمات پیوندهای بسیاری با بخش‌های دیگر داشته به گونه‌ای که در سایر بخش‌ها نیز اثرگذار بوده و همچنین پذیرش بی‌قید و شرط چنین نتیجه‌ای توجیه‌کننده روند افزایشی سهم این بخش از کل ارزش‌افزوده در جهان نخواهد بود.

همچنین شایان ذکر است، در فعالیتهای خدماتی که از بررسی اقتصاد ترکیه به دست آمده، به غیر از فعالیتهای مرتبط با املاک و مستغلات و فعالیتهای اداری و خدمات پشتیبانی، باقی موارد ذکر شده همانند آموزش، فعالیتهای حرفه‌ای، علمی و فنی و فعالیتهای مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، هر یک به نوعی "سرمایه انسانی" را هدف قرار داده‌اند که همانطور که در تاریخچه خدمات و نقش آن در اقتصاد بیان شد یک جنبه انباشت سرمایه و ایجاد ثروت در جامعه به خصوص با دید بلندمدت، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است.

در رابطه با اقتصاد ایران نیز نتایج حاصل شده از باب رابطه میان سهم ارزش‌افزوده بخش خدمات و رشد اقتصاد همانند سایر کشورهای مورد بررسی در گزارش حاضر بوده است. اما با بررسی زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ایران در بازه‌های زمانی گوناگون و مقایسه آن‌ها با نتایج بدست آمده از اقتصاد ترکیه، نشانه‌ای از توجه ویژه به خدمات مرتبط با "دانش، مهارت و تخصص"، "آموزش و بهداشت" و خدمات حوزه "فناوری اطلاعات و ارتباطات" آنگونه که در اقتصاد ترکیه دیده می‌شود وجود نداشته و بیشتر گرایش‌های معطوف به خدمات توزیعی و واسطه‌گری‌های مالی است که جنبه تولیدی و مولد بودن ندارند. لذا توصیه می‌شود سیاست‌گذاری‌ها در اقتصاد به سمت تشویق خدمات مولد که دارای خصوصیات همچون توجه به دانش و مهارت، سرمایه انسانی و حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات هستند، سوق داده شوند.

۱- مقدمه

خدمات یکی از بخش‌های مهم اقتصادی بوده و در برگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و زیربخش‌هاست. این بخش همانند سایر بخش‌های اقتصادی شاهد تغییر و تحولات بسیاری در طی زمان بوده است. این بخش در اقتصاد ایران حدود ۵۰ درصد از ارزش افزوده کل اقتصاد را شامل می‌شود و از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۷ که دوره مورد بررسی مطالعه حاضر است، سهم این بخش افزایش قابل توجهی را تجربه کرده ولی سایر بخش‌های اقتصادی به نسبت کاهش یافته‌اند؛ لذا نمی‌توان نقش و تأثیر آن را در اقتصاد، به خصوص با توجه به پیشرفت‌های فناورانه و ارتباطات متعدد بین بخش‌های اقتصادی نادیده گرفت.

لذا در این مطالعه ضمن بیان تاریخچه تغییر و تحولات بخش خدمات و دیدگاه‌های نسبت به آن از گذشته تا کنون، به بررسی رابطه رشد اقتصادی و توسعه پایدار با سهم بخش خدمات در اقتصاد ایران خواهیم پرداخت و در نهایت با بررسی زیربخش‌های خدمات در کشورهای منتخب و به خصوص ترکیه به عنوان نمونه‌ای که می‌تواند تطابق بهتری با اقتصاد ایران داشته باشد نوع فعالیت‌های خدماتی آن‌ها را با اقتصاد ایران مقایسه کرده و در نهایت توصیه‌های لازم را ارائه خواهیم نمود.

لازم به ذکر است در این بررسی از آمار و اطلاعات مرکز آمار ایران و همچنین سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) استفاده شده است.

۲- مفاهیم

۲-۱- ماهیت و مفهوم خدمات

در ابتدا طبقه‌بندی خدمات به عنوان پسماندی لحاظ می‌شود که تمامی چیزها به غیر از مواد اولیه (استخراجی) و بخش صنعت را که به ترتیب به آن‌ها بخش‌های اولیه و ثانویه در اقتصاد اطلاق می‌شود در بر می‌گرفت. این موضوع تلاش‌ها جهت ارائه تعریفی برای بخش خدمات بر پایه خصوصیات اصلی آن که خدمات را از دو بخش دیگر متمایز می‌ساخت بیش از پیش تقویت نمود. اول آنکه، ستانده خدمات عموماً بی‌دوام یا غیرمادی است. در ثانی، تولید و مصرف خدمات به طور همزمان اتفاق رخ می‌دهد. البته شایان ذکر است که ایرادات آشکاری به این نوع از نگاه وجود دارد چرا که برخی از خدمات ماهیت بی‌دوام یا غیرمادی ندارند همانند یک نرم‌افزار یا مواردی از این دست و از طرف دیگر برخی دیگر از ستانده مربوط به فعالیت‌های خدماتی قابلیت انبار شدن و ذخیره‌سازی را دارند.

همانطور که مطرح شد تعریف بخش خدمات به دلیل پیچیدگی‌های موجود در انواع فعالیت‌های این بخش و تنوع بالای فعالیت‌ها و ستانده‌های آن کاملاً دقیق و جامع نبوده ولی یک طبقه‌بندی ساده آن می‌تواند ما را به سمت پنج مورد زیر هدایت کند:

۱. خدمات مصرف‌کننده که برای مصرف‌کننده نهایی تهیه و تولید می‌شود.
 ۲. خدمات تولیدکننده و مشاغل که فراهم‌کننده نهاده‌های واسطه‌ای برای تولیدات بخش‌های خصوصی و عمومی است.
 ۳. خدمات عمومی که مستقیماً از طریق بخش دولتی یا به صورت غیرمستقیم از بخش خصوصی یا سازمان‌های غیرانتفاعی تأمین می‌شوند.
 ۴. خدمات اجتماعی نهادهای غیرانتفاعی که منفک از فعالیت‌های بخش دولتی صورت می‌گیرد.
 ۵. و در نهایت، خدمات غیررسمی یا مشاغل بدون مزد که اغلب توسط بانوان و عموماً به صورت خانگی تهیه می‌شود و برای زندگی روزانه لازم و ضروری هستند.
- بعدها فعالیت‌های اقتصادی بر اساس تئوری سه‌بخشی^۱، به سه بخش مواد خام (بخش اول)، تولیدی (بخش دوم) و خدمات (بخش سوم) تقسیم شدند که این نوع دسته‌بندی توسط دانشمندانی همچون آلن فیشر^۲، کالین کلارک^۳ و جین فوراستیه^۴ در اواسط قرن بیستم توسعه‌یافته است. بخش مواد خام به فعالیت‌هایی اشاره دارد که به موجب آن مواد خام استحصال می‌گردند. به عنوان نمونه، مشاغلی همچون استخراج مواد معدنی و کشاورزی را می‌توان در این دسته طبقه‌بندی نمود. دسته‌ای دیگر از فعالیت‌ها شامل آن‌هایی هستند که خروجی ملموس و قابل مشاهده دارند که آن‌ها را فعالیت‌های تولیدی می‌نامیم. بخش خدمات که از آن تحت عنوان بخش سوم در اقتصاد یاد می‌شود را می‌توان به فعالیت‌هایی نظیر حمل و نقل، خدمات شهری، خدمات وابسته به فناوری اطلاعات، خدمات مالی، بازرگانی و ... نسبت داد که البته این دسته یعنی بخش سوم در اقتصاد گستره وسیعی از فعالیت‌ها را شامل می‌شود. به طور کلی می‌توان موارد زیر را در خصوص ویژگی‌های متمایز کننده فعالیت‌های خدماتی از سایر فعالیت‌ها که خروجی فیزیکی دارند ارائه نمود:

¹ Three-sector theory

² Allan Fisher

³ Collin Clark

⁴ Jean Fourastie

- ۱- محصول معامله شده در بخش خدمات غیرقابل لمس و غیر فیزیکی است
 - ۲- قابلیت ذخیره و انبار شدن ندارند
 - ۳- از ذینفع خود جدا نبوده و قابلیت معامله مجدد (داد و ستد جدید) را ندارد
 - ۴- ارائه خدمت و مصرف آن در یک زمان انجام می‌گیرد (به عبارت دیگری فاصله زمانی میان ارائه خدمت تا مصرف آن وجود ندارد)
 - ۵- خدمت به عنوان یک محصول از فرآیند شکل‌گیری آن منفک نیست
- اما تعریف نوین خدمات در سال ۲۰۰۴ با معرفی پارادایم جدیدی به نام "منطق چیرگی" در جهان اراده شد. استفان وارگو و رابرت لوش خدمات را به صورت "به‌کارگیری قابلیت‌ها از طریق فعالیت‌ها، فرآیندها و عملکردها برای سود خود یا دیگری" تعریف می‌کنند. در این دیدگاه، ارزش در قالب فیزیک محصولات نمود پیدا نمی‌کند، بلکه در استفاده از خدمت به صورت اشتراکی میان ارائه‌کننده و مصرف‌کننده شکل می‌گیرد.

۲-۲- تاریخچه بخش خدمات در اقتصاد و حساب‌های ملی

۱-۲-۲- نگاه ثروت‌آفرینی به فعالیت‌ها

در میان سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۷۵۰ میلادی، خدمات و فعالیت‌های خدماتی که امروزه تحت این عنوان از آن‌ها یاد می‌کنیم نه تنها به صورت خاص و دقیق تعریف و شناسایی نشده بودند، بلکه به طور مستقیم نیز مورد توجه بحث‌های اقتصادی و تجاری نیز نبودند. علی‌رغم استفاده از روش‌های تحلیلی که به ذات وجود خدمات را انکار می‌کردند، اقتصاددانان کلاسیک و تجار^۱ از خدمات به عنوان "فعالیت‌های سودمند اجتماعی"^۲ نام می‌بردند.

فی‌نفسه هیچ تئوری‌ای در زمینه خدمات در فعالیت‌های تجار که مشغول به تجارت خارجی و حمل و نقل دریایی بودند که از سودآورترین فعالیت‌های آن دوران تجار به حساب می‌آمدند، وجود ندارد. لذا اگر بخواهیم تمرکز مرکانتلیست‌ها بر تجارت خارجی و حمل و نقل دریایی را به عنوان آغاز تئوری خدمات تلقی کنیم که از آن به عنوان دسته سوم^۳ در طبقه‌بندی عمده فعالیت‌های اقتصادی یا همان بخش خدمات^۱ یاد می‌شود، در حقیقت تفسیری نادرست از تئوری مرکانتلیست‌ها ارائه کرده‌ایم.

¹ Mercantilists

² Socially useful activities

³ Tertiary

مرکانتلیست‌ها بر این باور بودند که ثروت هر ملت در گرو صادرات آن است و طلا منبع اصلی ثروت است. پول، به عنوان مثال شمش طلا، معیار، نتیجه و عصاره تمامی فعالیت‌های اقتصادی بود. در نتیجه، فعالیت‌های سودمند اجتماعی به وسیله میزان مشارکت آن‌ها در کسب کالای مشخص (طلا) تعریف می‌شدند نه با نوع کارکرد یا استفاده از آن‌ها.

۲-۲-۲- اولین طبقه بندی فعالیت‌ها در حساب‌های ملی

اولین حساب‌های ملی را می‌توان به گرگوری کینگ (۱۶۴۸-۱۷۱۲) یا ویلیام پتی (۱۶۲۳-۱۶۸۷) نسبت داد. هرچند هیچ یک از آن‌ها از خدمات به صراحت نام نبرده‌اند اما هر دو فهرستی از تمامی فعالیت‌ها که بر ثروت سلطنتی افزوده یا از آن می‌کاهیدند را تهیه کرده بودند. کینگ در بخش اول لیست خود افراد زیر را جای داد که به عقیده وی به ثروت پادشاهی اضافه می‌کردند:

"اربابان، بارونت‌ها^۱، شوالیه‌ها، اسکوایرها، اشراف و افراد متشخص، افراد در اداره‌جات، تجار، وکلا، روحانیون، زمین‌داران، عالمان، مغازه‌داران، صنعتگران و تولیدکنندگان صنایع دستی، افسران نیروی دریایی و افسران ارتش"

وی در بخش دوم لیست افرادی را که سبب کاهش ثروت سلطنتی می‌شدند به شکل زیر بیان نمود:

"دربانوردان معمولی، کارگران ساده و خدمتگزاران، کلبه نشینان با درآمدهای بسیار اندک، سربازان عادی، افراد خیلی فقیر، کولی‌ها، دزدان، گدایان و بی‌خانمان‌ها"

۲-۲-۳- توانایی ثروت آفرینی فعالیت‌های خدماتی

پاول استودنسکی^۴ در کتاب خود با عنوان "درآمد ملت‌ها"^۵ به این موضوع اشاره می‌کند که از لیست ارائه شده توسط کینگ می‌توان این‌گونه برداشت نمود که وی مفهوم گسترده‌ای از خدمات را در ذهن داشت و به خدماتی که قابلیت خلق ثروت را داشتند توجه می‌نمود. کینگ جامعه را به صورت دو دسته کلی می‌دید که در آن یا افراد پول دارند و از این طریق می‌توانند مجدد خلق ثروت کرده یا درآمد ایجاد کنند یا افرادی هستند که باعث هزینه شدن درآمد ملی از طریق خیریه‌ها یا عوامل و نهادهای بازتوزیعی دیگر می‌شوند.

¹ Service sector

² Bullion

³ Baronets:

بارونت لقبی بود که ملکه یا پادشاه انگلستان به افرادی اعطا می‌کردند که از بارون کمتر و از شوالیه بالاتر بود

⁴ Paul Studenski

⁵ The Income of Nations, 1958

البته پتی که خود یک بازرس مالیاتی نیز بود همانند کینگ جامعه را به دو دسته تقسیم می‌نمود که البته تفاوت‌هایی در دسته‌بندی آن دو وجود داشت ولی به هر حال او افرادی همچون "زمین‌داران مستقل، سربازان، بازرگانان و امثال آن‌ها" را به عنوان ستون‌های ثروت جامعه تلقی می‌کرد و باقی حرفه‌ها را برخاسته از نقصان‌ها و کمبودهای موجود در دسته‌های فوق می‌دانست.

اما بواگیلبرت^۱ (۱۶۴۶-۱۷۲۴) بر خلاف کینگ و پتی معتقد بود که خدمات به افزایش ثروت ملی کمک می‌کند. او در این راستا به پزشکان، وکلا، افراد فعال در سیرک و افرادی از این دست و پادشاه، ارتش و خدمات شهری و ... اشاره می‌کند.

بواگیلبرت همچنین به همبستگی درونی فعالیت‌های اقتصادی^۲ اشاره می‌کند و بیان می‌کند که این همبستگی درونی از طریق مصرف قابل تشخیص است. وی اینگونه مطرح می‌کند که هر چیزی که توسط فردی مصرف می‌شود، قطعاً توسط فرد دیگری تولید و یا ارائه شده است و این برای خدمات نیز صدق می‌کند که در آن‌ها افراد برای خدمتی حاضر به پرداخت پول هستند که بنابراین از منظر اقتصادی مفید و ارزش آفرین بوده و لذا به ثروت ملی افزوده می‌شود. در حقیقت با فرض تشابه کارکردی میان خدمات با کشاورزی و صنعت، تا آنجا که به مصرف مربوط می‌شود، می‌توان آن‌ها را از بعد مالی و مادی نیز مشابه در نظر گرفت.

این نگاه با تأکید بر مصرف، خدمات و کالاها را به نوعی یکسان در نظر می‌گرفت اما با توسعه هرچه بیشتر اقتصاد سرمایه داری در قرن ۱۸ ام، به خصوص در بخش‌های کشاورزی و صنعت، پرسش همیشگی در خصوص شفاف تر سازی مرز میان کالاها و خدمات در بستر مفاهیم سرمایه مجدداً مطرح گردید.

۲-۲-۴- تغییر نگرش از دیدگاه مالی به نگاه انباشت سرمایه

اولین تغییر جهت از نگرش مالی به سمت دیدگاه انباشت سرمایه در تئوری‌های اقتصادی را می‌توان در کارهای فرانسوا کنه^۳ جست و جو کرد. اگر چه هدف وی تحلیل و توضیح تأمین مالی مرتبط با مخارج پادشاه فرانسه بود، ولی توانست طرحی کلی را در خصوص تولید و گردش ثروت در جامعه ارائه دهد. در دیدگاه کنه، بر خلاف افراد قبل از او، تمامی درآمدها فارغ از اینکه به چه صنعت و فعالیتی مربوط می‌شوند، به عنوان ثروت جامعه تلقی می‌شود.

¹ Pierre Lepasant de Boisguilbert

² Interdependence of economic activities

³ Francois Quesnay

فرانسوا کنه همانند آدام اسمیت به موضوع نیروی کار مولد و نامولد (بهره‌ور و غیر بهره‌ور) توجه ویژه‌ای دارد. وی چرخه تولید و ثروت در جامعه را همانند گردش خون در بدن می‌داند و اعتقاد دارد که جامعه به طور کلی از زمین‌داران، کشاورزان، صنعتگران و تجار تشکیل شده است که در میان آن‌ها تنها کشاورزان بخش مولد جامعه هستند. اون در این راستا "جدول اقتصاد"^۱ را مطرح می‌کند که به طور خلاصه کشاورزان را منشاء اصلی تولید و نقطه آغازین خلق ارزش می‌داند که خالص تولید (مازاد) داشته و بخشی از ارزش تولید شده وارد چرخه گردش ثروت نشده و برای سرمایه‌گذاری مجدد در آینده استفاده خواهد شد و بخش دیگر آن چرخ تولید صنعتگران و تجار را به چرخش در خواهد آورد. از طرفی اینگونه فرض میکند که صنعتگران مازاد یا خالص تولید نداشته چرا که درآمد حاصله از فروش خود را می‌بایست برای خرید مواد خام جهت تولید در آینده هزینه کنند. همچنین، کنه فرض می‌کند تجار نیز مبالغ دریافتی از صنعتگران را بابت فروش بخشی از کالاهای مورد نیاز آن‌ها، جهت خرید محصولات کشاورزی صرف می‌کنند و در ضمن این محصولات را صادر می‌کند تا در ازای آن‌ها کالاهای خارجی مورد نیاز صنعتگران را تأمین کند؛ لذا تجار نیز مازادی ایجاد نمی‌کنند. فرانسوا کنه در خصوص زمین‌داران اینگونه بیان می‌کند که آن‌ها تنها مصرف‌کننده بوده و صرفاً مسئول توزیع اجاره دریافتی از کشاورزان در جامعه جهت خرید انواع محصولات کشاورزی، صنعتی و تجاری هستند (اشپیگل، ۱۹۸۳)

بنابراین می‌توان اینگونه بیان کرد که هم کنه و هم اسمیت بر اندازه‌گیری مازاد (خالص تولید) و نیروی کار مولد و نامولد تمرکز داشتند که از تحلیل ساده جریان مخارجها و درآمدها که پیش از آن‌ها مطرح بود، متفاوت بود و در واقع به "ارزش تولید"^۲ توجه ویژه‌ای داشتند. این موضوع، به تدریج مسئله اساسی "انباشت سرمایه"^۳ را بوجود آورد؛ سوالی که ستون فقرات تغییر و تحول مفاهیم مرتبط با خدمات در نیمه دوم قرن هجدهم را شکل داد.

۲-۲-۵- آغاز نگاهی نوین به فعالیت‌های خدماتی

طی قرن هجدهم میلادی، پرسش اصلی اقتصاددانان این بود که کدام فعالیت‌ها مشمول مالیات می‌شوند و کدامیک قابلیت اخذ مالیات از آن‌ها وجود ندارد و بر مبنای پاسخ به این پرسش طبقه‌بندی میان فعالیت‌ها صورت می‌گرفت. پیروان رویه فکری آدام اسمیت نیز دسته‌بندی فعالیت‌ها را بر اساس توانایی آن‌ها در خلق ارزش می‌دانستند. با این وجود، تغییرات اجتماعی و اقتصادی قرن نوزدهم میلادی همه چیز را تحت تأثیر

¹ Tableau économique

² Value of Production

³ Capital Accumulation

خود قرار داد. با پیشرفت صنعت، طبقه‌بندی پیچیده‌تر شد. قدرتمندتر شدن سرمایه داری و تلفیق تدریجی گروه‌های اجتماعی رژیم گذشته با بورژوازی جدید و همانطور که مطرح شد تحول و توسعه هر چه بیشتر صنایع، برداشت آدام اسمیت از فعالیت‌های غیربهره‌ور (نامولد) را کم‌رنگ‌تر و کم اهمیت‌تر جلوه می‌داد. افزون بر این، شکل‌های نوینی از مصرف نهایی و تولیدات (کالاها) ظهور نمود که بدون خدمات قابلیت اجرا و ارائه شدن را نداشتند. این تغییرات تلنگری بود برای توجه بیشتر به فعالیت‌های خدماتی.

۲-۲-۶- نگاه مارکس به خدمات

اگر نظرات مارکس را مورد بررسی و تفسیر قرار دهیم، می‌توان به مجموعه‌ای از فعالیت‌های خدماتی دست پیدا کرد هرچند که طبقه‌بندی ساده و مشخصی را نمی‌توان ارائه نمود. با این حال، وی چنین بیان می‌کند که، خدمات بازرگانی در ارتباط با فعالیت‌ها و تبادلات مالی بازرگانان هست؛ خدمات شخصی به افراد مربوط می‌شود؛ خدمات عمومی را گاهی به افراد، گاهی به کالاها و برخی مواقع به شرایط کلی اقتصاد نسبت می‌داد؛ خدمات خانگی نیز یا با فرد به طور مستقیم در ارتباط بود یا به چیزهایی مربوط می‌شد که بدون آنکه خریداری شوند مورد استفاده قرار می‌گرفتند. بر مبنای بیانات مارکس می‌توان عناصر کلیدی و اصلی تئوری اقتصادی وی در رابطه با خدمات را اینگونه مطرح نمود:

۱- خدمات به فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که ارزش مستقلی جدای از خود آن کار ندارد. بر این مبنا کاری که در جایی انجام می‌گیرد به خودی خود ارزش آن تلقی می‌شود. البته این بدان معنا نیست که فعالیت‌های خدماتی نتیجه و خروجی ندارند و نتیجه آن‌ها از خود کار قابل تمایز نیست، بلکه این عبارت به مفهوم آن هست که ارزش اثر و نتیجه یک فعالیت خدماتی همان ارزش خود آن فعالیت به حساب می‌آید.

۲- عدم توانایی در تفکیک ارزش خروجی خدمات از خود فعالیت ناشی از دلایل مختلفی است، اما همگی آن علل را می‌توان در روابط اقتصادی، به خصوص حقوق مالکیت ردگیری نمود:

۲-۱- افراد قابلیت معامله شدن (خرید و فروش) را ندارند (خدمات فردی (شخصی) و برخی از انواع خدمات دولتی)

۲-۲- نتایج و خروجی‌های برخی خدمات خارج از بازار هستند یا به عبارتی بازاریاب‌پذیر نیستند (خدمات مشخص دولتی) یا به ذات تجاری نیستند (خدمات خانگی)

۲-۳- خروجی‌ها یا نتایج مرتبط با مواردی که اخیراً تحت عنوان مصرف نهایی به فروش رسیده و مجدداً وارد بازار خواهند شد (تعمیرات و نگهداری)

۲-۴- خروجی‌هایی که به موازات فعالیت‌های تجاری و بازرگانی انجام می‌شود (خدمات مالی)

همانطور که مشخص است، در موارد فوق بحثی از مادی یا غیرمادی بودن یک فعالیت یا در حقیقت نتیجه آن وجود ندارد و صرفاً روابط اقتصادی هستند که خدمات را از سایر محصولات بازرگانی متمایز می‌سازند.

۳- بهره‌ور بودن یک فعالیت انجام شده، در بافت اجتماعی‌ای که آن کار در آن ارائه شده‌است معنا پیدا می‌کند نه با شکل مادی یا حتی منفعت اجتماعی آن.

۲-۲-۷- ظهور و بلوغ اصطلاح بخش سوم^۱

طی سال‌های ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۵ با آغاز استفاده از اصطلاح "بخش سوم"، تحلیل‌ها در خصوص فعالیت‌های خدماتی دستخوش تغییر شد. مهمترین و برجسته‌ترین مطالعات در خصوص معرفی و توسعه مفهوم بخش سوم توسط آلن جی. بی. فیشر، کالین کلارک و ژان فوراستیه صورت گرفت. رهیافت آن‌ها به بحث خدمات کاربردی‌تر بود و لزوم وجود مشاهدات آماری شدیداً در کانون توجه آنان قرار داشت. لازم به ذکر است که در جوامعی که از منظر صنعتی توسعه‌یافته به حساب می‌آمدند، اندازه‌گیری بهره‌وری در راستای رشد هرچه بیشتر بسیار مورد توجه بود و از این منظر می‌توان اینگونه بیان کرد که دهه ۱۹۳۰ به خصوص به دلیل بیکاری بالای موجود در آن دوره بستری مناسب برای بررسی و تحلیل بخش سوم چه از منظر عملی و چه از نگاه تئوریک به موضوع بود، چراکه فعالیت‌های خدماتی می‌توانست هم اثر مثبت بر اشتغال داشته باشد و هم به سودآوری بیشتر بخش صنعت که تا آن زمان موتور رشد و توسعه بود بیانجامد.

۲-۲-۷-۱- آلن جی. بی. فیشر

در سال ۱۹۳۵، فیشر با انتشار کار اصلی خود تحت عنوان "تقابل پیشرفت و امنیت"^۲ به این موضوع پرداخت که مشکل اصلی کشورهای توسعه‌یافته عدم انطباق سریع و مناسب آن‌ها با پدیده تغییر در ترکیب تقاضا و توزیع بخشی مرتبط با آن است. وی در تحلیل خود فعالیت‌های اقتصادی را به سه دسته (بخش‌های) اول، دوم و سوم تقسیم‌بندی کرد که نه تنها از منظر فیزیکی و آماری در استرالیا و نیوزیلند مورد پذیرش بود، بلکه از آن به عنوان چارچوبی برای توصیف تغییرات تاریخی و سطوح توسعه استفاده نمود. بخش اول شامل کشاورزی و استخراج‌های معدنی بود؛ بخش دوم صنایعی را که مواد خام را به

¹ Tertiary Sector

² The Clash of Progress and Security

محصولات تبدیل می‌کردند در خود جای داده بود؛ و در نهایت بخش سوم گستره وسیعی از فعالیت‌های خدماتی از حمل و نقل و تجارت تا فعالیت‌های تفریحی، آموزش و ... را در برمی‌گیرد.

۲-۲-۷-۲-۲- کالین کلارک

در تئوری رشد و توسعه کلارک، تأکیدات اصلی معطوف به درآمد ملی، بهره‌وری و ترکیب ساختاری مصرف‌نمایی می‌باشد. یکی از معروف‌ترین کارهای وی تحت عنوان "شرایط پیشرفت اقتصاد"^۱ که نسخه اول آن در سال ۱۹۴۰ به چاپ رسید، به علل و محاسبه رشد تولید ملی حقیقی، درآمد و مصرف می‌پردازد. کلارک نتایج این کار خود را در سه بخش گسترده به شرح زیر بیان می‌کند:

- فعالیت‌های "اولیه"^۲ که شامل کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری است.
 - فعالیت‌های "ثانویه"^۳ یا به عبارت دیگر فعالیت‌های صنعتی که در مقیاس بزرگ، مواد خام را به محصولات قابل معامله تبدیل می‌کند.
 - فعالیت‌های "ثالثیه"^۴ یا فعالیت‌های خدماتی که شامل تولیدات کوچک مقیاس صنعتگران مستقل، ساختمان، گاز، آب، برق (که کالا و خدمات عمومی هستند)، حمل و نقل، تجارت و به طور کلی تمامی خدمات فارغ از اینکه در بازار مبادله می‌شوند یا خیر.
- کلارک حرکت نیروی کار از دو بخش اول به بخش خدمات را ناشی از تغییر در ترکیب تقاضای مصرف‌کننده می‌داند. او با استفاده از تئوری سطح اشباع تقاضای^۵ انگل که بیان می‌کند خانوارها با درآمدهای نسبی بالاتر، مخارج خود بر روی محصولات بخش اولیه و ثانویه را به نسبت بخش سوم (ثالثیه) کم خواهند کرد، این انتقال نیروی کار را توجیه می‌کند. البته شایان ذکر است که کلارک بعداً در سال ۱۹۴۲ در مقاله خود تحت عنوان "اقتصاد سال ۱۹۶۰"^۶ که در مجله پیش‌بینی اقتصاد به چاپ رسیده بود، تغییری در طبقه‌بندی خود ایجاد می‌کند و تولید نیرو (انرژی)، معدن و ساختمان را در بخش صنعت لحاظ می‌کند و مابقی فعالیت‌های بخش سوم را به عنوان خدمات در نظر می‌گیرد.

¹ The Conditions of Economic Progress

² Primary

³ Secondary

⁴ Tertiary

⁵ Theory of The Level of Demand Saturation

ژان فوراستیه در کتاب خود تحت عنوان "امید بزرگ آینده" در سال ۱۹۴۹ به نکاتی در زمینه طبقه‌بندی فعالیت‌ها اشاره می‌کند که در مقایسه با کارهای فیشر و کلارک بسیار نوآورانه و جدید تلقی می‌شد. او معیاری مشخص و شفاف برای دسته‌بندی فعالیت‌ها ارائه می‌کند؛ به این صورت که، در هر دوره‌ای، فعالیت‌های دسته اول شامل مواردی است که رشد بهره‌وری آن‌ها تقریباً متوسط هست؛ در طبقه دوم، رشد بهره‌وری فعالیت‌ها سریع‌تر هست و در نهایت در دسته سوم که همان بخش خدمات است، افزایش بهره‌وری یا کند بوده و یا اصلاً رشدی ندارد. فارغ از دشواری‌های موجود در جنبه کاربردی این تعاریف، معیار فوراستیه روشن و دقیق بود.

فوراستیه همچنین در تبیین افزایش تقاضا برای خدمات علاوه بر عللی که فیشر و کلارک بیان می‌کردند، با بیان اینکه در خدمات دو دسته کلی تقاضا وجود دارد که یکی تقاضای خدمات دولتی همگانی^۲ (بر اساس دسته‌بندی کارکردهای دولت^۳ که توسط کمیسیون آماری سازمان ملل^۴ ارائه شده است، این نوع خدمات توسط دولت برای استفاده عموم افراد جامعه ارائه می‌شود) و دیگری تقاضای خدمات برای تولید (همانند خدمات فکری و مشاوره‌ای، مدیریتی، خدمات درون بنگاهی و ...) است، به موضوع فوق به شکل دقیق‌تری نگاه کرد. وی همچنین به این موضوع اشاره داشت که استفاده از تولیدات صنعتی نیازمند صرف زمان قابل توجه است، حال آنکه در خدمات این زمان‌بری بسیار کم هست و افراد گاهاً می‌توانند برای کسب مطلوبیت یکسان خدمات را جایگزین محصولات کنند. ژان فوراستیه به این نکته مهم نیز اشاره کرد که رابطه‌ای میان سطح توسعه و مقدار فعالیت‌های خدماتی وجود دارد که البته نقش فناوری را نیز باید در این رابطه مدنظر قرار داد چرا که سرعت رشد تکنولوژی می‌تواند تأثیر فزاینده قابل توجهی بر فعالیت‌های خدماتی داشته باشد.

دسته‌بندی‌های صورت گرفته از فعالیت‌های اقتصادی ۱۹۳۵ تا ۱۹۶۶ را می‌توان در جدول ۱ خلاصه نمود:

¹ The Great White Hope of the XXth Century

² Collective Services

³ COFOG 98 (Classification of the Functions of Government)

⁴ UNSD (United Nations Statistical Division)

جدول ۱- مهم‌ترین طبقه‌بندی‌های فعالیت‌های اقتصادی طی دوره ۱۹۳۵-۱۹۶۶

بخش‌ها	فیشر ۱۹۳۵	کلارک ۱۹۴۱	کلارک ۱۹۵۷	فورااستیه ۱۹۵۹	کوزنتس ۱۹۵۷	کوزنتس ۱۹۶۶	ساوی ۱۹۴۹
صنعت	ثانویه ^۱ (شامل معادن)	ثانویه	صنعت ^۲	ثانویه	صنعت	صنعت	
ساختمان	ثانویه	ثانویه	خدمات ^۳	ثانویه	صنعت	صنعت	
خدمات رفاهی همگانی (آب و فاضلاب، برق و گاز)	ثانویه	ثانویه	خدمات	ثانویه	صنعت	صنعت	طبقه‌بندی بر اساس شغل (نوع شغل بیانگر نوع فعالیت اقتصادی است)
حمل و نقل	ثالثیه ^۴	ثالثیه	خدمات	ثالثیه	خدمات	صنعت	
ارتباطات	ثالثیه	ثالثیه	خدمات	ثالثیه	خدمات	صنعت	
تجارت و بازرگانی	ثالثیه	ثالثیه	خدمات	ثالثیه	خدمات	خدمات	
خدمات	ثالثیه	ثالثیه	خدمات	ثالثیه	خدمات	خدمات	
دولت	ثالثیه	ثالثیه	خدمات	ثالثیه	خدمات	خدمات	

۲-۲-۸- گذار از بخش سوم (ثالثیه) به بخش خدمات

در مطالب منتشره طی دوره زمانی ۱۹۶۵-۱۹۷۵ ویژگی‌های بخصوص و منحصر به فردی نمایان هست. اول آنکه، هر چقدر اهمیت بخش سوم افزایش پیدا می‌کرد و توجهات به آن بیشتر می‌شد، ناهمگنی فعالیت‌های آن بیش از پیش مشخص می‌شد (در حقیقت خیلی از فعالیت‌های موجود در خدمات که تا آن زمان به آن ثالثیه یا بخش سوم گفته می‌شد، با یکدیگر همگن نبودند). ثانیاً، تأکید اکثر تحلیل‌های آن دوران بر اساس گذار از یک جامعه صنعتی به سوی یک جامعه "پسا صنعتی" بود که ویژگی‌های خاص خود را داشت. (دلاونی و گادری، ۱۹۹۲) در حقیقت در دوره مذکور افزایش سهم بخش خدمات در تولید به یک پدیده متداول تبدیل شده بود و این افزایش فراتر از ابعاد توسعه صرفاً اقتصادی توسط دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسان و حتی جغرافی‌دانان مطرح شد که سرآغازی بود برای ورود به عصر پسا صنعتی (بانویی و

¹ Secondary

² Industry

³ Service

⁴ Tertiary

دیگران، ۱۳۸۷). یکی از جامعه‌شناسان معروف آن دوره به نام دنیل بل^۱ در اوایل دهه ۱۹۷۰ این چهار ویژگی را برای جامعه پسا صنعتی بیان می‌کند:

- ۱- جامعه پسا صنعتی یک جامعه خدمات محور است
 - ۲- حاکمیت علم، دانش و فناوری در آن مشهود است
 - ۳- برتری حرفه، مهارت و فن در آن وجود دارد
 - ۴- تغییر در نظام ارزش‌گذاری
- در حقیقت می‌توان اینگونه بیان کرد که از این دوره به بعد خدمات به عنوان بخشی مستقل از کشاورزی و صنعت و به شکلی قدرتمند اعلام وجود نمود و نگرش به آن در حساب‌های ملی به صورت بخشی خاص و مستقل تغییر یافت. اولین بار نیز اصطلاح "خدمات" به شکل بخشی مستقل و دارای ویژگی‌های منحصر به فرد خود در ایالات متحده آمریکا مورد استفاده قرار گرفت (دلاونی و گادری، ۱۹۹۲).

۲-۳- رویکردها و نگرش‌ها به بخش خدمات در اقتصاد از گذشته تا کنون

سیر تاریخی تحولات در نگرش به بخش سوم یا در حقیقت همان بخش خدمات و نقش آن در اقتصاد را می‌توان به صورت زیر دسته بندی نمود:

۲-۳-۱- از حدود سال ۱۷۰۰ تا ۱۹۳۰ میلادی

اگر دوره مذکور را به دقت مورد بررسی قرار دهیم خواهیم دید که در این دوره توجه چندانی به بخش خدمات نمی‌شد به گونه ای که در دوران مذکور تنها بخش‌های مولد اقتصاد بخش کشاورزی و صنعت بود و لذا جایگاهی برای بخش خدمات متصور نبودند. گادری و دلاونی (۱۹۹۲) در تفسیر جایگاه بخش خدمات در بازه زمانی ۱۷۰۰ تا ۱۹۳۰ میلادی این چنین بیان می‌کنند که: "از زمان انقلاب صنعتی در قرن هجدهم، نظریات اقتصادی بر اساس تولید کالاهای ملموس که محصول بخش‌های کشاورزی، معدن و صنعت بودند بنا شده بود و سخنی از خدمات به میان نمی‌آمد. بخش خدمات در آن دوران یا اصلاً مورد توجه نبود و یا با آن همانند بخشی نامولد برخورد می‌شد." یکی از نمونه‌های بارز در این دوران مختص آدام اسمیت (۱۷۷۶) هست (علی اصغرپور و دیگران، ۱۳۹۳). وی به صورت خاص بر انباشت سرمایه در بحث مولد یا نامولد بودن تأکید دارد و از آنجایی که در دیدگاه او پتانسیل انباشت سرمایه در بخش خدمات وجود ندارد بنابراین

¹ Daniel Bell

نمی‌تواند بخشی از انباره سرمایه را تشکیل دهد و لذا بخش خدمات را نامولد می‌خواند. (دلاونی و گادری، ۱۹۹۲)

البته در بازه زمانی ۱۷۰۰ تا حدود ۱۸۵۰ میلادی نظرات ارائه شده از سوی کلاسیک‌ها لزوماً در یک جهت نبوده که در این رابطه می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۲-۱-۳-۱- دیدگاه ژان باتیست سی (۱۷۶۷-۱۸۳۲)

دیدگاه سی را می‌توان در سه قسمت خلاصه نمود: (۱) ستانده فعالیت‌های خدماتی عموماً مادی (ملموس) نیستند، (۲) برخی فعالیت‌های خدماتی از برخی دیگر مولدتر هستند و نهایتاً (۳) سی ارتباطی میان خدمات و موضوعی که امروزه از آن تحت عنوان سرمایه انسانی یاد می‌کنیم، متصور است.

۲-۱-۳-۲- دیدگاه ژان چارلز سیمون دو سیسموندی (۱۷۷۳-۱۸۴۲)

دیدگاه سیسموندی معطوف به مولد یا نامولد بودن فعالیت‌های خدماتی است. وی با اشاره به خدمات عمومی و با ذکر مثال نگهبانان اینگونه بیان می‌کند که آن‌ها چیزی تولید نمی‌کنند و خدمات ارائه‌شده شکل مادی نداشته و لذا چیزی که مادی نیست قابل ذخیره و انباشت نیست و لذا بر اساس نظریات مرسوم کلاسیکی اینگونه فعالیت‌های خدماتی را نامولد تلقی می‌کرد. در خصوص خدمات عمومی، وی به این سه نکته اشاره می‌کند:

(۱) نتیجه و خروجی آن‌ها مادی و قابل رؤیت نبوده و اثر آن‌ها به روح و درون انسان اصابت می‌کند.

(۲) خدمات فردی توسط ماشین‌آلات نمی‌تواند تولید شود که این امر به نوع مؤید غیرمادی بودن آن‌هاست.

(۳) در نهایت در بحث چارچوب مالی خدمات تولید شده اینگونه مطرح می‌کند که خدمات عمومی مختص یک فرد نبوده و جامعه از آن‌ها منتفع می‌شود و لذا هزینه اجرای آن‌ها هم بر عهده همه افراد جامعه خواهد بود.

وی در رابطه با سایر خدمات غیر از خدمات عمومی بیان می‌کند که تفاوت میان مولد و نامولد واضح و روشن است؛ نتیجه و خروجی هر فعالیت اگر قابلیت انباشت و افزودن به سرمایه و ثروت یک ملت را داشته باشد مولد تلقی می‌شود.

نظر میل بر اساس اشکال گوناگون مطلوبیت استوار است به صورتی که وی برای مطلوبیت سه گونه متفاوت متصور است:

(۱) مطلوبیت در قالب ظاهر و جسم (نمود در ظاهر و فیزیک اشیا)

(۲) مطلوبیت ایجاد شده در فرد (مرتبط با درون و باطن انسان همانند آموزش)

(۳) مطلوبیت غیر ثابت به این مفهوم که خود نوع فعالیت و خدمت مورد نظر بوده و ایجاد مطلوبیت می‌کند همانند فعالیت یک قاضی یا ارتش یک کشور که به طبع در دو دسته فوق‌الذکر نمی‌گنجد.

میل در بیانات خود با تأسی از مشی فکری غالب کلاسیکی، فعالیت‌های خدماتی‌ای را مولد می‌دانست که نمود عینی و فیزیکی داشته و قابلیت انباشت و اضافه شدن به سرمایه و ثروت ملی را داشته باشد البته نقطه‌ای متمایز با نظرات اسمیت را نیز مطرح می‌کند و آن این است که مولد بودن یا نبودن می‌تواند مستقیم بوده و یا غیرمستقیم و واسطه‌ای باشد و چه بسا اگر خدماتی در مسیر ساخت و تولید محصولی فیزیکی کمک کننده باشند آن‌ها را نیز می‌توان مولد تلقی نمود.

۲-۳-۱-۴- دیدگاه هاینریش استورش (۱۷۶۶-۱۸۳۵)

استورش تمامی خدمات را مولد می‌دانست اما خصوصیات و ویژگی‌هایی را برای آن‌ها متصور بود. نگاه وی به خدمات معطوف به نتایج یا همان خروجی‌های حاصل از هر فعالیت خدماتی بود که از آن خروجی‌ها تحت عنوان کالا یا منافع درونی^۱ یاد می‌کرد که خود آن‌ها را در دو دسته طبقه‌بندی می‌کرد:

(۱) اولیه^۲ - که شامل بسیاری از توانمندی‌های انسان بوده که البته نیاز به پیشرفت و توسعه داشت.

(۲) ثانویه^۳ - که پیش نیازهای توسعه گروه اول به شمار می‌رفتند.

وی مطرح کرد که این کالا یا منافع درونی، قابل مبادله با پول نبوده و بر این اساس قابل خرید و فروش در بازار نیستند؛ لذا نتیجه و خروجی خدمات نیست که مورد مبادله قرار می‌گیرد بلکه خود فعالیت مبادله و معامله می‌شود همانند کاری که فردی برای شخص دیگر انجام می‌دهد. (دلاونی و گادری، ۱۹۹۲)

¹ Internal goods / benefits

² Primitive

³ Secondary

این تفکرات تا ظهور نظریه کینز در خصوص پر کردن ظرفیت‌های خالی تولید تداوم یافت. کینز معتقد بود که مشکل اصلی اقتصاد عدم وجود تقاضای کافی می‌باشد و می‌بایست با ایجاد تقاضا، به ظرفیت‌های خالی اقتصاد پاسخ داد. اما نقش و میزان اهمیت بخش‌های اقتصادی در این فرایند مورد توجه کینز قرار نگرفته بود. این امر بستر را برای متفکران بعدی از جمله فیشر، کلارک، کوزنتس و ... فراهم ساخت. (علی اصغری‌پور و دیگران، ۱۳۹۳)

۲-۳-۲- بین سال‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰

دوره مذکور با توسعه آمارهای درآمد ملی همراه بود. در این دوره بخش‌های کشاورزی و معدن را تحت عنوان بخش اول، صنعت را در ذیل عنوان بخش دوم و مواردی که اکنون از آن‌ها به عنوان خدمات یاد می‌کنیم را در بخش سوم طبقه‌بندی نمودند که این بخش در حقیقت به صورت جزء باقیمانده (پسماند) حاصل می‌شد. فیشر (۱۹۳۳) و کلارک (۱۹۴۰) اقتصاد را در چارچوب سه بخش مورد تحلیل و بررسی قرار دادند که نتیجه کار آن دو ارائه الگویی تحت عنوان "الگوی مرحله‌ای توسعه" بوده است (کاتوزیان، ۱۹۷۰). شایان ذکر است که الگوی مرحله‌ای توسعه بعدها در سال ۱۹۷۰ بستر و پایه تحلیل‌های رشد جدید اقتصادی توسط کوزنتس را تشکیل می‌داد (علی اصغری‌پور و دیگران، ۱۳۹۳).

البته ذکر این نکته حائز اهمیت خواهد بود که بررسی دقیق‌تر نقش بخش خدمات و به نوعی ورود اقتصاد به مرحله اقتصاد خدمات محور^۱ حاصل پژوهش‌های اولیه ویکتور آر فوجز هست. وی در سال ۱۹۶۵ در مقاله خود با عنوان "اهمیت روزافزون صنایع خدمات"، به ارزیابی و بررسی خدمات پرداخته است. او از شاخص‌هایی نظیر سهم بخش‌های مختلف از اشتغال و تولید ناخالص داخلی در می‌یابد که اقتصاد ایالات متحده آمریکا با در اختیار داشتن بیش از نیمی از فعالیت‌های اقتصادی در بخش خدمات اولین کشوری است که وارد مرحله سوم توسعه شده که فوجز از آن تحت عنوان "اقتصاد خدمات" یاد می‌کند (فوجز، ۱۹۶۵).

علاوه بر مطالعات فوجز، بروز شوک تکنولوژی در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی و همچنین شوک نفتی دهه ۱۹۷۰، بستر را جهت ورود به سیر جدید تفکرات در رابطه با خدمات آماده نمود. رشد فناوری در این دوران سبب شد تا بهره‌گیری از علوم و فناوری در چرخه تولید شکلی منسجم، برنامه‌ریزی شده و هدفمند به خود بگیرد. این امر سبب شد تا فعالیت‌های جدیدی در اقتصاد پا گرفته و بسیاری از فعالیت‌هایی که در گذشته

^۱ Service-oriented economy

نقش پررنگی در اقتصاد نداشتند، اکنون به مهم‌ترین آن‌ها بدل شوند. می‌توان اینگونه بیان نمود که پس از گسترش و توسعه نظام صنعتی و اشتغال در بخش مذکور، خدمات به عنوانی بخش مستقل از کشاورزی و صنعت ابتدا در جوامع پیشرفته و توسعه یافته و پس از آن در کشورهای در حال توسعه شکل و قدرت بیشتری پیدا کرد (رزاقی، ۱۳۷۵). در این برهه از زمان بود که پیوند میان بخش‌های اول و دوم (کشاورزی و معدن و صنعت) با بخش سوم که خدمات بود مطرح گردید که سیر جدید از اندیشه‌ها را در پی داشت.

۲-۳-۳- پس از سال ۱۹۷۰ میلادی

به علت تحولات اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۷۰ و به خصوص دهه ۱۹۸۰ میلادی همانند شوک نفتی و نیز پدید آمدن مفاهیمی از جمله اقتصاد خدمات، صنعت زدایی و اقتصاد اطلاعات، طبقه‌بندی‌های فعالیت‌های اقتصادی که در قالب بخش‌های اول تا سوم (به ترتیب کشاورزی و معدن/صنعت، ساختمان و تأمین آب، برق و گاز/خدمات) توسط افرادی نظیر کلارک، فیشر، چنری و البته پس از آن‌ها کوزنتس در اواخر دهه ۱۹۳۰ میلادی مطرح شده بود دستخوش تغییر گردید.

به عنوان مثال، اقتصاددانانی همانند کاتوزیان (۱۹۷۰)، گرشانی و مایلز (۱۹۸۳)، پارک و چان (۱۹۸۹)، مایلز و بدن (۲۰۰۰) و ایچن گرین و گوپتا (۲۰۰۹) سعی کردند، نقش و اهمیت بخش سوم را در طبقه‌بندی و تبیین زیربخش‌های بخش خدمات در قالب تعاریف مختلف مثل خدمات تولیدی، توزیعی، اجتماعی و شخصی و یا به صورت خدمات نوین، قدیم و مکمل و حتی خدمات دانش و خدمات اطلاعات بیان نمایند. هدف اصلی این نوع از طبقه‌بندی‌ها، تفکیک تمامی فعالیت‌هایی بود که تحت یک عنوان کلی "خدمات" مطرح می‌شد اما لزوماً کارکردهای یکسانی نداشته و از هم متمایز بودند و از سویی با توجه به تحولات اقتصاد جهانی عمل سنجش سطوح توسعه را دچار مشکل می‌ساختند. (بانوئی و دیگران، ۱۳۸۷) در ادامه به بیان برخی از دیدگاه‌های اقتصاددانان در سال‌های پس از ۱۹۷۰ خواهیم پرداخت:

کاتوزیان در سال ۱۹۷۰ میلادی نگاهی به بخش سوم می‌اندازد و از دیدگاه تاریخی خدمات را در سه گروه زیر طبقه بندی می‌کند:

۱- خدمات نوین^۱ که شامل: آموزش، فعالیت‌های مدرن دارویی و درمانی (بهداشت و سلامتی)، فعالیت‌های سرگرمی و فرهنگی و پذیرایی مانند سینما، رستوران، هتلداری و مراکز تفریحی و سرگرمی و دیگر خدمات حرفه‌ای. ۲- خدمات مکمل^۲ که شامل: امور بانکی و مالی، حمل و نقل، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی.

۳- خدمات سنتی^۳ که شامل: فعالیت‌های خدمات شخصی می‌باشند، تقسیم می‌کند. از دیدگاه تاریخی خدمات سنتی، خاص فعالیت‌های خدماتی قبل از قرن ۱۸ میلادی و زمانی که داشتن خدمتکار در خانوارهای امریکا رواج داشت، بوده است. این نوع از خدمات با روند توسعه‌یافتگی کشورها از میان رفته است و کم‌کم تقاضا برای این خدمات به سمت صفر میل کرد. خدمات مکمل که به شدت با روند صنعتی شدن بستگی دارد و براساس نظریه مراحل رشد روستو به دوره خیز، که با افزایش و ترقی تولیدات صنعتی همراه است، مربوط می‌شود. خدمات نوین نیز مربوط به دوره مصرف انبوه تولیدات صنعتی براساس نظریه مراحل رشد روستو می‌باشد. تقاضا برای خدمات نوین به رشد درآمد بسیار حساس است و همچنین تابع صعودی از زمان فراغت است. کاتوزیان براساس انتظارات آتی پیش‌بینی می‌کند که تقاضا برای این خدمات در آینده افزایش می‌یابد (کاتوزیان، ۱۹۷۰).

سینگلمن^۴ (۱۹۷۸) خدمات را در قالب ۴ زیربخش زیر ارائه می‌کند که عبارتند از:

۱- خدمات توزیعی: فروش، تعمیرات و نگهداری موتور و ماشین، خرده‌فروشی سوخت ماشین‌ها، خرده‌فروشی، تعمیر کالاهای شخصی و خانوار، انتقال هوا و آب.

۲- خدمات بازرگانی یا تجاری: واسطه‌گری مالی، بیمه و صندوق بازنشستگی به جز بیمه تأمین اجتماعی اجباری، فعالیت‌های مربوط به مستغلات، اجاره ماشین‌آلات و تجهیزات، کامپیوتر و فعالیت‌های مرتبط، تحقیق و توسعه، حقوق، خدمات تکنیکی، تبلیغات و سایر فعالیت‌های تجاری.

۳- خدمات اجتماعی: دفاع، تأمین اجتماعی اجباری، آموزش، بهداشت و کار اجتماعی.

۴- خدمات شخصی: خدمات مربوط به هتل، تهیه آذوقه و خانوارهای دارای مستخدم (سلطان^۵، ۲۰۰۸).

¹ The New Services
² Complementary Services
³ The Old Services
⁴ Singelmann (1978)
⁵ Sultan

گرشانی و مایلز^۱ (۱۹۸۳) نیز فعالیت‌های بخش خدمات را به چهار زیربخش طبقه‌بندی می‌کنند. هدف اصلی از این طبقه‌بندی سنجش سطوح توسعه با توجه به تحولات اقتصاد جهانی بوده است تا بتوانند ارتباطات و پیوندهای بخش خدمات و صنعت را در جریان صنعتی شدن تجزیه و تحلیل نمایند. برای این منظور آن‌ها طبقه‌بندی جدیدی از فعالیت‌های بخش خدمات به صورت زیر ارائه می‌کنند.

الف) خدمات تولیدی:^۲ ۱- امور مالی، بانکداری، اعتبارات و بیمه (خدمات واسطه‌گری‌های مالی)، ۲- خدمات حرفه‌ای: فعالیت‌های حقوقی، مهندسی و معماری (فعالیت‌های مستغلات و کرایه)، ۳- فعالیت‌های کسب و کار شامل فعالیت‌های مشاوره‌ای، خدمات کامپیوتر و فعالیت‌های وابسته به آن، ۴- سایر خدمات: محافظت، نظافت و نگهداری.

ب) خدمات توزیعی:^۳ ۱- حمل و نقل و انبارداری، ۲- ارتباطات، ۳- عمده‌فروشی و خرده‌فروشی.

ج) خدمات شخصی:^۴ ۱- خدمات داخلی (خشک‌شویی و آرایشگری)، ۲- هتل و رستوران و غذاخوری، ۳- تعمیرات، ۴- فعالیت‌های سرگرمی و تفریحی و پذیرایی.

د) خدمات اجتماعی:^۵ ۱- بیمارستان، درمان و سلامتی، ۲- آموزش، ۳- رفاهی (تأمین اجتماعی)، ۴- خدمات عمومی، قضایی و نظامی.

همچنین بیان می‌کنند که خدمات تولیدی، توزیعی و شخصی جزء خدمات بازاری و خدمات اجتماعی در دسته خدمات غیربازاری قرار دارند.

اینچن گرین و گوپتا^۶ (۲۰۰۹) بخش خدمات را به سه گروه خدمات سنتی، خدمات ترکیبی (سنتی و نوین) و خدمات مدرن طبقه‌بندی نمودند. براساس این طبقه‌بندی خدمات سنتی شامل خدمات عمومی و دفاعی، عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، حمل و نقل و انبارداری، خدمات ترکیبی شامل خدماتی چون بهداشت و رفاه اجتماعی، آموزش، فعالیت‌های اجتماعی، شخصی و عمومی، هتل و رستوران و در نهایت خدمات مدرن دربرگیرنده واسطه‌گری مالی، خدمات کامپیوتر، خدمات بازرگانی، ارتباطات، خدمات فنی و حقوقی

¹ Gershuny and Miles (1983)

² Producer Services

³ Distributive Services

⁴ Personal Services

⁵ Social Services

⁶ Eichengreen and Gupta (2009)

می‌باشند. براساس این تحقیق سهم ارزش افزوده خدمات نوین از تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا طی دو دهه اخیر رشد قابل توجهی را تجربه نموده است.

۲-۴- مکانیزم های کلی توسعه صنعت خدمات

براساس تاریخچه توسعه کشورها، سیر تکامل از یک اقتصاد مبتنی بر کشاورزی به انقلاب صنعتی و صنعتی شدن کشورها و در نهایت نیل به یک اقتصاد خدمات محور امری کاملاً طبیعی و غیرقابل اجتناب بوده است. بخش کشاورزی در بیشتر کشورهای جهان حداقل تا اواسط قرن هجدهم و حتی ابتدای قرن نوزدهم نیز ادامه داشته است. پس از آن، انقلاب صنعتی که خاستگاه آن در انگلستان و در حدود دهه ۱۸۶۰ بوده است رخ داد که بعد از آن در کشورهای نظیر فرانسه، آلمان و دیگر کشورهای اروپایی و حتی روسیه نیز تکرار شد و در قرن نوزدهم به آمریکا و ژاپن نیز سرایت کرد و کشاورزی به تدریج جای خود را به عنوان مهمترین بخش اقتصادی به بخش صنعت و فرآیندهای صنعتی شدن داد. اما بعد از این دوران نیل به بخش خدمات (صنعت خدمات)^۱ در اواسط قرن بیستم با کشور ایالات متحده آمریکا آغاز گردید که در گذار از صنعت به خدمات پیشرو بوده است و پس از آن سایر کشورها به خصوص کشورهای توسعه یافته به سمت اقتصاد مبتنی بر خدمات سوق داده شدند.

این گذار از کشاورزی به انقلاب صنعتی و نهایتاً خدمات هم از جوانب بسیاری حائز اهمیت و مورد توجه است چرا که بخش خدمات تفاوت‌های بسیاری با دو بخش صنعت و کشاورزی دارد. این تفاوت‌ها را می‌توان در ابعاد مختلف از جمله ساختار نهاده‌ها، ستانده‌ها، ساختار اشتغال و همچنین مبادلات بین‌المللی جست و جو نمود.

بنابراین، به طور کلی ۳ مکانیزم که سبب توسعه و نمو صنعت خدمات شده اند را می‌توان تصور نمود:

- تقسیم تخصصی کار^۲
- نوآوری^۳
- تحریک تقاضا^۴

¹ Service Industry

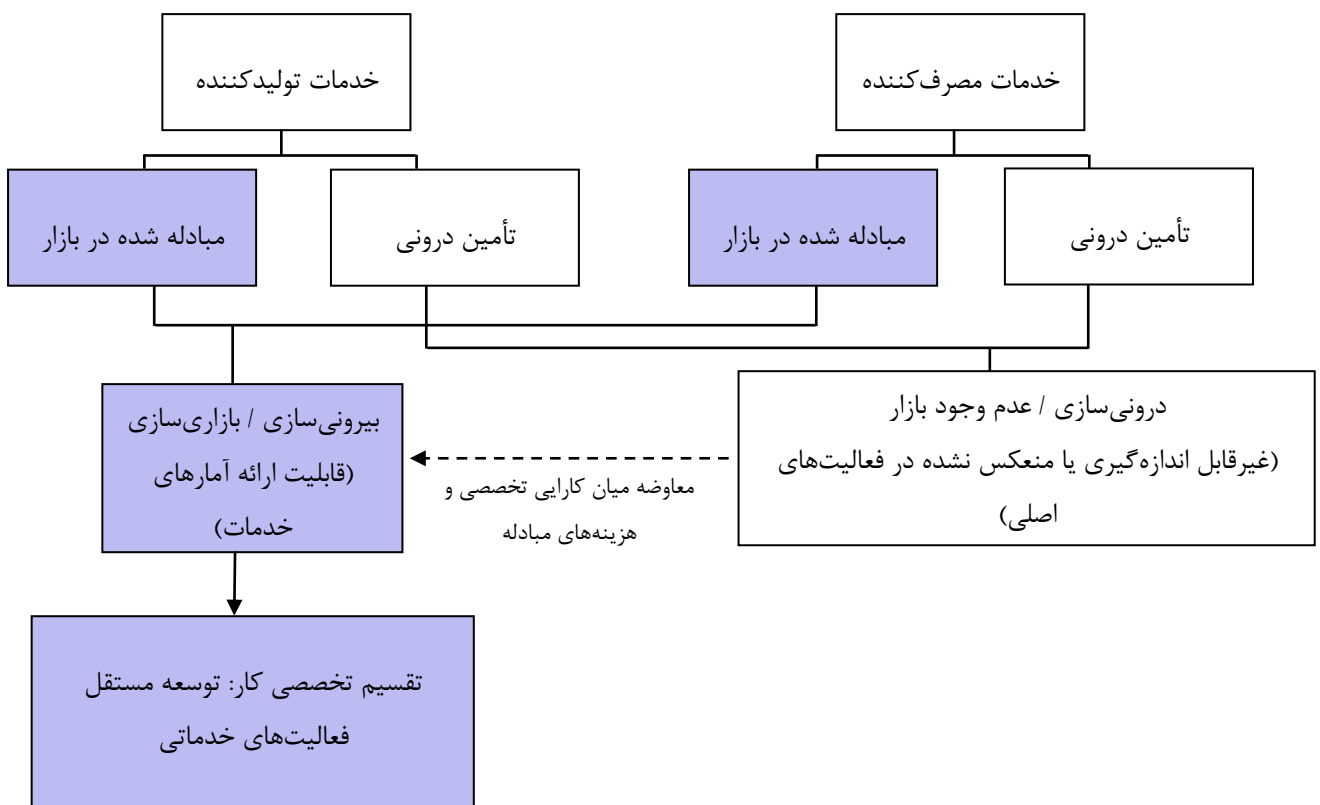
² Specialized Division of Labor

³ Innovation Mechanism

⁴ Demand-induced Mechanism

اولین مکانیزم توسعه صنعت خدمات روند کلی حرکت از درونی‌سازی^۱ به بیرونی‌سازی^۲ یا به عبارت دیگر حرکت به سوی بازاری‌سازی^۳ است. اما این روند منوط به معاوضه میان کارایی تخصصی^۴ (کارایی ناشی از تخصص‌گرایی) و هزینه‌های مبادله^۵ است. (یانگ و ان جی، ۱۹۹۳) بر این اساس اگر کارایی تخصصی بر هزینه‌های مبادله غلبه نماید، فرایند مذکور رخ خواهد داد و ادامه‌دار خواهد بود، در غیر این‌صورت متوقف شده یا حتی معکوس خواهد شد. در سطوح نخستین توسعه اقتصادی که از ویژگی‌های آن سطح پایین بازاری شدن محصولات و خدمات نیز هست، هزینه‌های مبادله بالا بود و بنابراین خدمات عموماً به صورت درونی^۶ بیشتر توسط خانوارها و بنگاه‌ها تأمین و عرضه می‌شدند. اما با گذر زمان و پیشرفت‌های بیشتر که با گسترش بازارها و بازاری‌سازی بیشتر نیز همراه بوده است، هزینه‌های مبادله کاهش چشمگیری پیدا کرد و بازیگران جدیدی در بازار نمایان شدند که خدمات تخصصی از قبیل حسابداری، مشاوره، لجستیک، خدمات منزل و ... را ارائه می‌دادند. (چنگ، ۲۰۱۳)

شکل ۱- توسعه صنعت خدمات: گذار از درونی‌سازی (عدم وجود بازار) به بیرونی‌سازی (بازاری‌سازی)



1 Internalization
 2 Externalization
 3 Marketization
 4 Specialization Efficiency
 5 Transaction costs
 6 In-house Services

در مسیر توسعه صنعت خدمات و فعالیت‌های خدماتی، روندی در درون خود فرایند توسعه این نوع از فعالیت‌ها به صورت توأمان در حال پیشرفت هست که به فعالیت‌های خدماتی تنوع و رضایتمندی بیشتری می‌بخشد که از آن به عنوان نوآوری یاد می‌شود. این نوآوری در صنعت خدمات به دو دسته کلی تقسیم می‌شود: - نوآوری تکنولوژیک و - نوآوری مدیریتی. اولی با تغییر تکنولوژی و بهبود آن در یک شرکت ارائه دهنده خدمات می‌تواند زیرساخت‌های نرم‌افزاری یا سخت‌افزاری را جهت ارائه بهتر خدمات با کیفیت بالاتر، ارتقا بخشیده و حتی ارائه آن‌ها را سریع‌تر نماید و دومی با اعمال تغییر در روش‌های اجرایی و ساختار سازمانی و فرآیندها می‌تواند نحوه ارائه و نوع خدمات را متحول سازد.

نوآوری و علی‌الخصوص عنصر تکنولوژی در آن می‌تواند به عنوان معیاری برای تفکیک خدمات مدرن از سنتی عمل نماید. بنگاه تولیدکننده خدماتی که پایه و اساس آن بیشتر بر تکنولوژی (همانند اینترنت) بنا نهاده شده است تحت عنوان بنگاه خدماتی مدرن شناخته می‌شود. (چنگ، ۲۰۱۳)

۲-۴-۳- تحریک تقاضا

دو مکانیزمی که پیش‌تر به آن‌ها پرداخته شد عموماً تحت عنوان عوامل طرف عرضه شناخته می‌شوند. اما در این میان طرف تقاضا نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. بدون شک توسعه بخش خدمات و محصولات آن در سایه تعادل میان عرضه و تقاضا و پویایی میان آن دو رخ خواهد داد. شایان ذکر است منظور از تقاضا در اینجا شامل تقاضای نهایی^۱ و تقاضای واسطه‌ای^۲ می‌باشد. به عنوان یک قاعده و قانون، یک افزایش در سطح درآمد قابل تصرف^۳ منجر به افزایش تقاضای نهایی برای خدمات همانند سلامت، تفریح و گردشگری و ... خواهد شد؛ در حالیکه تخصص‌گرایی بیشتر و تقسیم تخصصی صنایع می‌تواند منجر به افزایش تقاضای واسطه‌ای برای خدماتی نظیر خدمات مالی، مشاوره‌ای، حسابداری و مواردی از این دست گردد. بر اساس مطالعات انجام شده، عوامل مرتبط با تقاضای نهایی و واسطه‌ای، هر دو در رشد سهم بخش خدمات در اقتصاد شریک بوده و نقش مهمی را ایفا می‌کنند (فرانسوا و هکمن، ۲۰۱۰). بحث مربوط به تقاضای نهایی بازگو کننده ارتباط میان الگوی رشد قیمت خدمات نهایی یا مصرف‌کننده و مخارج نسبت به تفاوت بهره‌وری نسبی می‌باشد. در حالیکه طرف تقاضای واسطه‌ای به رابطه میان خدمات تولیدکننده یا واسطه‌ای و دیگر

¹ Final Demand

² Intermediate Demand

³ Disposable Income

بخش‌ها در اقتصاد تأکید دارد که برای خدمات در اقتصاد هم نقش مستقیم و هم غیرمستقیم را متصور است. در نهایت اگر اینگونه در نظر بگیریم که اغلب خدمات تولیدی به نوعی نهاده تولیدی در سایر بخش‌های اقتصادی خواهند بود، با افزایش بهره‌وری در این بخش، رشد اقتصادی نیز ارتقا خواهد یافت. (چنگ، ۲۰۱۳)

۲-۵- خدمات و زیربخش‌های آن در ایران

طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی ایران که از سوی مرکز آمار ایران منتشر شده‌است بر مبنای چهارمین بازنگری استاندارد بین‌المللی طبقه‌بندی تمامی فعالیت‌های اقتصادی^۱ صورت گرفته‌است که بر اساس کد دو رقمی، ۱۵ رسته فعالیت منسوب به بخش خدمات است که در جدول زیر قابل مشاهده خواهد بود:

جدول ۲- رسته‌های تکی طبقه‌بندی فعالیت‌های بخش خدمات در اقتصاد ایران (بر اساس کدهای دو رقمی ISIC)

شرح فعالیت	کد ISIC
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۴۵-۴۷
حمل و نقل و انبارداری	۴۹-۵۳
فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا	۵۵-۵۶
اطلاعات و ارتباطات	۵۸-۶۳
فعالیت‌های مالی و بیمه	۶۴-۶۶
فعالیت‌های املاک و مستغلات	۶۸
فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی	۶۹-۷۵
فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی	۷۷-۸۲
اداره امور عمومی و دفاع؛ تأمین اجتماعی اجباری	۸۴
آموزش	۸۵
فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی	۸۶-۸۸
هنر، سرگرمی و تفریح	۹۰-۹۳
سایر فعالیت‌های خدماتی	۹۴-۹۶
فعالیت خانوارها به عنوان کارفرما، فعالیت‌های تفکیک‌ناپذیر تولید کالاها و خدمات توسط خانوارهای معمولی برای خودمصرفی	۹۷-۹۸
فعالیت‌های سازمان‌ها و هیئت‌های برون‌مرزی	۹۹

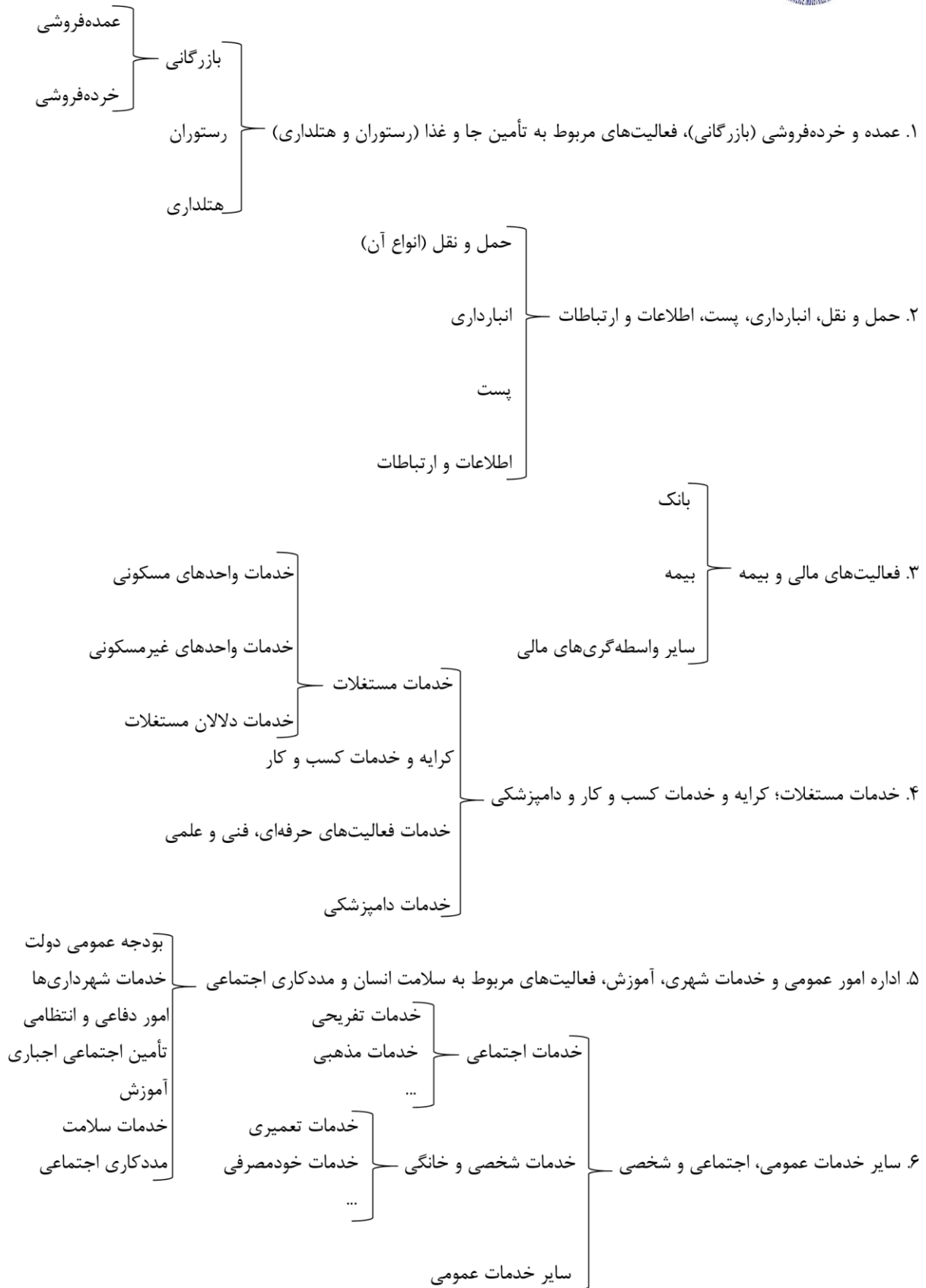
منبع: مرکز آمار ایران

^۱ ISIC rev.4

البته شایان ذکر است که در حساب‌های ملی منتشره از سوی مرکز آمار ایران که به روش تولید محاسبه می‌گردد، فعالیت‌های خدماتی در ۶ سطح انتشار می‌یابند که مبنای مطالعه و بررسی ما در این گزارش خواهد بود که در ادامه به معرفی آن‌ها و بیان زیربخش‌ها یا به عبارت دیگر سطوح برآوردی هر یک خواهیم پرداخت:

- ۱- اولین بخش مربوط به "عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا" هست که خود شامل عمده‌فروشی و خرده‌فروشی (بازرگانی)، هتل و خوابگاه و رستوران است.
- ۲- بخش دوم تحت عنوان "حمل و نقل؛ انبارداری؛ پست؛ اطلاعات و ارتباطات" بوده که زیربخش‌های آن در برگیرنده حمل و نقل ریلی، حمل و نقل جاده‌ای، حمل و نقل لوله‌ای، حمل و نقل آبی، حمل و نقل هوایی، پشتیبانی حمل و نقل، انبارداری، اطلاعات و ارتباطات و پست و پیک می‌باشد.
- ۳- سومین بخش مربوط به "فعالیت‌های مالی و بیمه" است که تحت عنوان واسطه‌گری‌های مالی و بیمه نیز مطرح می‌شوند، که خود متشکل از بانک، بیمه و فعالیت‌های مرتبط با سایر واسطه‌گری‌های مالی هست.
- ۴- بخش چهارم "خدمات مستغلات؛ کرایه و خدمات کسب و کار و دامپزشکی" می‌باشد که زیرشاخه‌های آن خدمات واحدهای مسکونی شخصی، خدمات واحدهای مسکونی اجاری، خدمات واحدهای غیرمسکونی، خدمات دلانان مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار و فعالیت‌های حرفه‌ای، فنی، علمی و دامپزشکی است.
- ۵- پنجمین دسته مربوط به "اداره امور عمومی و خدمات شهری، آموزش، فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی" است که مواردی نظیر امور عمومی و خدمات شهری، امور دفاعی و انتظامی، تأمین اجتماعی اجباری، آموزش ابتدایی، آموزش متوسطه، آموزش عالی، آموزش بزرگسالان، بهداشت و سلامت و مددکاری اجتماعی را شامل می‌شود.
- ۶- ششمین و آخرین بخش تحت عنوان "سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی" مطرح می‌شود که مواردی چون خدمات عمومی مرتبط با تفریح، فرهنگ و ورزش، فعالیت‌های مذهبی و سیاسی، خدمات شخصی و خانگی و سایر خدمات را پوشش می‌دهد.

بنابراین گروه خدمات و زیربخش‌های مرتبط با آن را می‌توان به صورت گراف صفحه بعد نمایش داد:



۳- ادبیات موضوع و مقایسه کشورهای منتخب با ایران

۳-۱- مراحل و سطوح توسعه

بررسی میزان نقش و تأثیرگذاری هر یک از بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) در رشد و توسعه اقتصادی نیازمند درک صحیح و شناخت سطوح توسعه اقتصادی است، لذا در این مرحله به بحث سطوح توسعه اقتصادی به صورت مختصر خواهیم پرداخت و سپس مفهوم توسعه پایدار و نقش کلی بخش خدمات در توسعه پایدار را بیان خواهیم کرد.

همانطور که بیان شد برای اینکه بخش‌های اقتصادی و تغییرات آن‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی یک کشور مؤثر واقع شوند، شرایطی باید برقرار باشد. شرط حداقلی در این زمینه این است که منابع از بخش با بهره‌وری پایین‌تر به سمت بخش با بهره‌وری بالاتر حرکت کنند. این موضوع تلویحاً به این نکته اشاره می‌کند که بخشی که دارای رشد بهره‌وری بالاتر هست باید با رشد اقتصادی رابطه مثبت و معناداری داشته باشد.

یک دیدگاه مهم در خصوص توسعه اقتصادی کلاسیکی بیانگر این موضوع است که رشد اقتصادی ذاتاً به تغییرات در ساختار تولید متصل بوده و به آن واکنش نشان می‌دهد. بر طبق این دیدگاه، صنعت و فرایند صنعتی شدن منبع اصلی تغییرات فنی و تکنولوژیکی است که می‌تواند رشد اقتصادی را تحریک کند. بنابراین، می‌توان اینگونه تبیین نمود که، در ابتدا، بخش کشاورزی مهم‌ترین بخش اقتصادی برای یک کشور در حال توسعه به شمار می‌رود. سپس، با بالا رفتن درآمد سرانه، این بخش (کشاورزی) به تدریج جایگاه خود را در برابر صنعت و در ادامه در مقابل خدمات از دست می‌دهد. به این دو انتقال پیاپی دوران‌های صنعتی و پسا صنعتی (صنعت‌زدایی)^۱ گفته می‌شود (لیندن و محمود، ۲۰۰۷)^۲. سوباتینا (۲۰۰۴)^۳، در این رابطه اینگونه بیان می‌کند که با افزایش درآمد افراد، تقاضای آن‌ها برای تولیدات غیر کشاورزی افزایش می‌یابد. در همین زمان، پیشرفت‌های تکنولوژی و فنی، ماشین‌آلات، ابزار و ادوات جدیدی را در اختیار مزارع جدید قرار می‌دهد که سبب می‌شود بهره‌وری نیروی کار با سرعت بیشتری در بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعت افزایش پیدا کند که سبب می‌شود بهای تمام شده محصولات کشاورزی به نسبت پایین بیاید. وی در ادامه بحث می‌کند که این موضوع تأثیر کاهنده‌ای بر سهم این بخش (کشاورزی) از تولید ناخالص داخلی خواهد داشت. چنین روندی در بهره‌وری نیروی کار این بخش سبب می‌شود نیاز به نیروی کار در

¹ Post-industrialization (deindustrialization)

² Linden & Mahmood (2007)

³ Soubbotina (2004)

کشاورزی به نسبت دوران قبل از صنعتی شدن کاهش یابد، در حالیکه فرصت‌های شغلی در بخش صنعت در حال افزایش است و در نهایت سهم بخش صنعت به نسبت بخش کشاورزی از کل تولید ناخالص داخلی افزایش پیدا خواهد کرد. سوباتینا همچنین بیان می‌کند که با ارتقاء بیشتر درآمد افراد، تقاضا برای خدمات، همانند سلامت، آموزش، تفریح و ... نسبت به سایر موارد (تولیدات صنعتی و کشاورزی) افزایش می‌یابد. از آنجایی که اکثر فرصت‌های شغلی در بخش خدمات بیشتر بر پایه سرمایه انسانی و نیروی کار استوار هستند تا سرمایه فیزیکی، بهره‌وری در این بخش به نسبت دو بخش دیگر با سرعت بسیار پایینی افزایش پیدا می‌کند و این سبب خواهد شد تا بهای تمام شده خدمات نسبت به کشاورزی و صنعت بالاتر باشد و این امر سبب افزایش سهم آن بخش (خدمات) نسبت به سایر بخش‌ها از تولید ناخالص داخلی می‌گردد. در واقع برای شفاف‌ترسازی این موضوع می‌توان اینگونه بیان نمود که عمده فعالیت‌ها در بخش خدمات بیشتر کاربر^۱ هستند تا سرمایه‌بر^۲ و شاید تنها بخش خدمات که سرمایه بری بیشتری دارد، خدمات مرتبط با حوزه ارتباطات باشد که البته سهم این بخش به نسبت کل خدمات ناچیز است؛ لذا، با توجه به اینکه ارزش افزوده (به روش هزینه (مصرف))، از مجموع جبران خدمات کارکنان، مازاد عملیاتی، خالص مالیات‌ها و استهلاک حاصل می‌شود، کاربرتر بودن فعالیت‌های خدماتی به نسبت سایر فعالیت‌ها اینگونه ایجاب می‌نماید که پرداختی به نیروی کار در این بخش بالاتر باشد و لذا سهم ارزش افزوده این بخش نیز در کل اقتصاد بیشتر خواهد بود.

جدول ۳ سطوح توسعه اقتصادی را به صورت خلاصه بیان می‌کند:

¹ Labor-Intensive

² Capital-Intensive

جدول ۳- سطوح توسعه اقتصادی (سوباتینا، ۲۰۰۴)

سطوح			ویژگی‌ها
عصر دانش‌بنیان (پسا صنعتی)	عصر صنعتی	عصر کشاورزی (پیش از صنعتی شدن)	
خدمات	صنعت	کشاورزی	بخش‌های اقتصادی پیشرو
دانش‌بر	سرمایه‌بر	متکی بر منابع طبیعی و کاربر	ماهیت تکنولوژی غالب
خدمات دانش و اطلاعات	کالاهای صنعتی	غذا و البسه دست‌دوز	عمده محصولات مصرف‌کننده
تعامل انسان‌ها با یکدیگر	تعامل انسان با ماشین	تعامل انسان با طبیعت	ماهیت فرایند اغلب تولیدات
بهره‌وری ذهنی و نوآوری	بهره‌وری نیروی کار	بهره‌وری طبیعت، منابع زیست محیطی، حاصلخیزی، شرایط اقلیمی و ...	دلیل اصلی رشد اقتصادی

۳-۲- خدمات و توسعه پایدار

خدمات کارآمد برای توسعه اقتصادی حیاتی و ضروری هستند. چرا که بسیاری از خدمات به نوعی نهاده‌ها و ورودی‌های تولید کالاها و خدمات دیگر هستند. در نتیجه، کیفیت و هزینه‌های آن‌ها بر عملکرد اقتصاد و رشد اقتصادی تأثیرگذار است (فرانسوا و هکمن، ۲۰۱۰).^۱

بنابراین قبل از اینکه به نحوه اثرگذاری بخش خدمات بر رشد و توسعه اقتصادی بپردازیم، می‌بایست تعریفی از توسعه پایدار ارائه دهیم. اگرچه تعریفی جهان شمول از مفهوم توسعه پایدار وجود ندارد، کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه^۲ که تحت عنوان کمیسیون برانتلند^۳ نیز از آن یاد می‌شود (۱۹۸۷)، تعریفی را به شکل زیر ارائه می‌دهد:

"توسعه پایدار توسعه‌ای است که احتیاجات نسل حاضر را بدون لطمه زدن به توانایی نسل‌های آتی در تأمین نیازهای خود، برآورده نماید."

¹ Francois and Hoekman, 2010

² World Commission on Environment and Development (WCED)

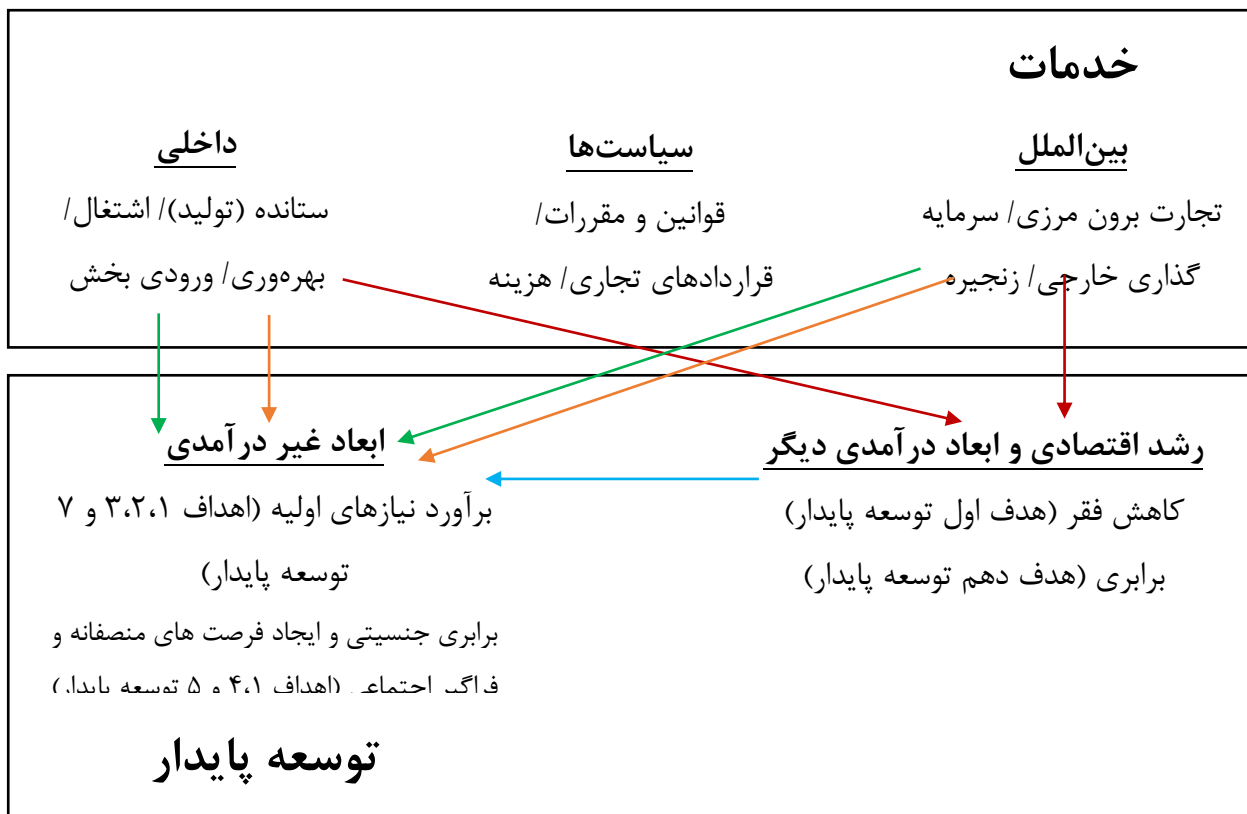
³ The Brundtland Commission

البته بعدها در سال ۲۰۰۲ میلادی طی نشست جهانی توسعه پایدار سه ستون و پایه اصلی برای توسعه پایدار مطرح گردید که هر سه ضمن اینکه به یکدیگر وابسته هستند، بر یکدیگر نیز تأثیر می‌گذارند. این سه وجه مهم عبارتند از توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی و حفاظت زیست محیطی.

خدمات می‌تواند تا حد زیادی به هر سه عنصر کلیدی توسعه پایدار کمک کند. همانطور که پیش‌تر بیان شد خدمات به عنوان نهاده برای بخش‌های صنعت و معدن، کشاورزی و سایر خدمات می‌تواند مورد استفاده واقع شود که از این طریق رشد اقتصادی را تحریک خواهد نمود. خدمات پایه همانند آموزش و سلامت نیز می‌تواند به افراد به خصوص بانوان و دیگر اقشار آسیب پذیر جامعه این فرصت را بدهد تا نقش پررنگ‌تری را در تولید ناخالص داخلی کشورشان ایفا کنند. همچنین خدمات مرتبط با حوزه اطلاعات و ارتباطات می‌تواند هم در زمینه اقتصاد و هم در رابطه با بهبود و توسعه سرمایه اجتماعی نقش آفرینی نماید. در نهایت، توسعه خدمات مرتبط با محیط زیست توانایی کاهش اثرات سوء سایر فعالیت‌ها که ناشی از افزایش تولید و مصرف است را خواهد داشت.

در حقیقت توسعه پایدار ۱۷ هدف^۱ را دنبال می‌کند که خدمات می‌تواند در جهت تحقق آن‌ها کمک‌کننده باشد. این اثرگذاری‌ها از دو نگاه اثر رشد^۲ و ابعاد غیر رشد^۳ چه به صورت مستقیم و غیرمستقیم قابل بحث و بررسی خواهد بود.

شکل ۲- چارچوب مفهومی اثرگذاری خدمات بر توسعه پایدار



اولین کانال اثرگذاری بخش خدمات در راستای تحقق اهداف توسعه پایدار، تأثیر مستقیم آن در رشد عملکرد اقتصاد است. این اثر در تصویر فوق با پیکان‌های قرمز رنگ نمایش داده شده است. این کانال شامل تأثیرات ناشی از تولید داخلی و عملکرد تجاری خدمات است که هر دو بر بهره‌وری و کارایی اقتصاد مؤثر هستند. اگرچه شایان ذکر است که اثرات یاد شده همگن نبوده و در میان خدمات طیف وسیعی از بهره‌وری، ستانده و کیفیت و میزان اشتغال وجود دارد.

ارتباطات با کیفیت و کم هزینه برای اقتصاد و تعاملات اقتصادی بسیار سودمند خواهد بود. به عنوان مثال، اینترنت توانسته هزینه انتقال اطلاعات را بسیار کاهش داده و سرعت آن را ارتقا بخشد و نیز از این طریق بستری را جهت ایجاد فعالیت‌های اقتصادی نوین چه در عرصه تنوع محصولات و چه در زمینه ارائه خدمات و محصولات ایجاد نماید. همچنین انتقال دانش به عنوان یکی از اصلی‌ترین پایه‌های جامعه مدرن که تبعات اقتصادی مثبت و شگرفی را به دنبال دارد نیز در بستر تکنولوژی ارتباطات و اینترنت، سریع‌تر گردید. همچنین خدمات مرتبط با حوزه حمل و نقل هزینه مبادلات را در اقتصاد به صورت چشمگیری کاهش داد که این کاهش هزینه چه در نقل و انتقال محصولات فیزیکی و چه در سهولت جابجایی کارگران بین کشورها و ... مشهود است. در زمینه کاهش هزینه‌های مبادله، نقش خدمات کسب و کار، انواع مشاوره‌ها و خدمات حقوقی و سایر خدمات از این دست را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. نوعی دیگر از خدمات که تحت عنوان خدمات عمده و خرده فروشی مطرح می‌شوند با برقراری رابطه میان تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان یکی از شاهرگ‌های حیاتی هر سیستم اقتصادی هستند. در نهایت خدمات آموزش و بهداشت نیز در راستای بهبود و تعالی سرمایه انسانی که یکی از مهمترین انواع سرمایه در هر جامعه ای هست، ایفای نقش می‌کنند. بنابراین، همانطور که مشاهده می‌شود نقش خدمات در تأثیر مستقیم آن‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی غیر قابل انکار است.

۳-۲-۲- ابعاد غیر رشد (غیر درآمدی)

عنصر دیگر در شکل دهی هر چه بهتر به چارچوب مفهومی نقش خدمات در اقتصاد، رابطه میان خدمات و ابعاد غیر رشد توسعه پایدار است. در این مورد می‌توان سه نوع تأثیرگذاری را از جانب بخش خدمات بر اقتصاد متصور گردید:

اثرات مستقیم زمانی مطرح می‌شوند که یکی از اهداف توسعه پایدار با عملکرد یا دسترسی به یک فعالیت خدماتی مشخص مرتبط باشد. همانطور که در تصویر مشخص است، خطوط نارنجی معرف این نوع اثرات هستند که از طریق تولید داخلی یا عرضه یک خدمت و یا از کانال تجارت عمل می‌کنند. اثر ارتقاء بهره‌وری و کارایی بخش دارویی بر پیامدهای سلامتی ناشی از آن در جامعه یا دسترسی بنگاه‌های خرد و کوچک به شبکه جهانی اینترنت و ارتباطات که به تولید و تجارت آن‌ها کمک خواهد کرد نمونه‌هایی از این نوع اثرات هستند.

۳-۲-۲-۲- اثر درآمدی (غیرمستقیم)

این اثرات، زمانی رخ می‌دهند که پیشرفت و حرکت در راستای نیل به اهداف توسعه پایدار با رشد اقتصادی که نشأت گرفته از عملکرد خدمات به صورت غیرمستقیم (نه آن گونه که در اثر رشد بیان شد) مرتبط باشد که در تصویر با ترکیب خطوط آبی و قرمز به تصویر کشیده شده است. برای شفاف‌تر نمودن این مورد مثال هدف اول توسعه پایدار یعنی تلاش برای ریشه‌کن کردن فقر در جوامع را در نظر می‌گیریم؛ تقویت و ارتقاء بخش خدمات می‌تواند اثری غیرمستقیم داشته باشد و آن این است که (با ثبات سایر شرایط)، رشد اقتصادی و نهایتاً درآمد سرانه بالاتر را در پی خواهد داشت که با فرض توزیع عادلانه درآمد در جامعه می‌تواند به کاهش فقر در جامعه کمک کند.

۳-۲-۲-۳- سایر اثرات غیرمستقیم

سایر اثرات غیر مستقیم در واقع به تأثیر رشد بخش خدمات بر دستیابی به اهداف توسعه پایدار فارغ از سطح رشد اقتصادی می‌پردازد. برای مثال، می‌توان به تأثیر مثبت افزایش دسترسی به خدمات آموزشی بر پیامدهای زیست محیطی که هدف چهارم توسعه پایدار است اشاره نمود.

۳-۳- رابطه سهم بخش خدمات با رشد و توسعه اقتصادی: مروری بر مطالعات انجام شده

مطالعات در خصوص تأثیر بخش‌های اقتصادی و رشد ارزش افزوده آن‌ها بر رشد و توسعه اقتصادی، تقریباً در خصوص تأثیر مثبت رشد بخش صنعت بر رشد و توسعه اقتصادی اتفاق نظر دارند اما در خصوص بخش کشاورزی و علی‌الخصوص بخش خدمات که موضوع بررسی این گزارش است، نتایج متفاوتی حاصل شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها خواهیم پرداخت:

متأسفانه مقالات و مطالعاتی که در داخل کشور انجام شده‌اند یا نقش سهم بخش‌هایی از جمله کشاورزی و یا صنعت را در رشد و توسعه اقتصادی ایران مورد بررسی قرار داده‌اند یا در خصوص تجارت بخش خدمات و نقش آن در رشد و توسعه اقتصادی، آن هم به صورت محدود پژوهش‌هایی را صورت داده‌اند. از مطالعات داخلی در خصوص بخش خدمات و رشد اقتصادی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۳-۳-۱- مطالعات داخلی

- اسفندیاری و دیگران (۱۳۹۵)، در مقاله خود اثرات متقابل بخش‌های کشاورزی، صنعت، خدمات، و نفت در اقتصاد ایران را با تأکید بر بخش کشاورزی در دوره زمانی ۱۳۸۶-۱۳۵۲ مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها از مدلی با ۱۳ معادله، ۶ اتحاد و ۷ معادله تصادفی استفاده نمودند. نتایج نشان داد که بخش صنعت، بر رشد تولید ناخالص داخلی بخش کشاورزی تأثیر مثبت و بخش خدمات اثر منفی دارد. همچنین بخش نفت و گاز تأثیری بر رشد تولید بخش کشاورزی ندارد و بخش صنعت از همه بخش‌های اقتصادی سود می‌برد. همچنین نتایج نشان داد که بین بخش‌های کشاورزی و صنعت و خدمات ارتباط وجود دارد. لذا در تدوین استراتژی توسعه اقتصادی، بایستی بر پیوند میان این بخش‌ها تأکید شود. رشد بخش خدمات همگام با رشد سایر بخش‌ها، می‌تواند در جهت رفع نیاز این بخش‌ها، از طریق تأمین نیروی کار متخصص و ماهر، سیستم حمل و نقل پیشرفته، بیمه، اعتبارات و ... قرار گیرد.
- صباغ کرمانی و دیگران (۱۳۸۷)، در مطالعه خود به بررسی اثر رشد سهم تجارت در تولیدات بخش خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی پرداختند. آن‌ها از داده‌های ۲۵ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی (به همراه ایران) طی دوره زمانی ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۵ استفاده کردند. نتایج بررسی‌های آن‌ها حاکی از آن است که رابطه مثبت و معناداری بین باز بودن خدمات و رشد اقتصادی تمامی کشورهای اسلامی مورد مطالعه وجود دارد.
- کورکی نژاد و نجفی (۱۳۸۷)، با بیان اینکه بخش‌های گوناگون به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر یکدیگر اثر می‌گذارند و سپس این اثرات در رشد اقتصادی تأثیرگذار خواهد بود، در قالب ۱۳ معادله که ترکیبی از ۶ اتحاد و ۸ معادله تصادفی بود به بررسی موضوع پرداختند و با وارد کردن شوک‌های درآمدی برون‌زا به هریک از بخش‌های اقتصاد ایران ضرایب رشد کلان را محاسبه نمودند. دوره زمانی مورد مطالعه آن‌ها در برگیرنده سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۲ می‌باشد. نتایج مطالعات آن‌ها نشان می‌دهد، ضرایب رشد کلان در نتیجه شوک‌های برون‌زای درآمدی برای بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات به ترتیب برابر ۱.۶، ۲.۶۸ و ۰.۶ محاسبه شده است. همچنین بخش‌های کشاورزی و صنعت بیشترین درآمد را به یکدیگر القا می‌کنند و لذا در تدوین استراتژی توسعه بایستی بیشتر بر پیوند میان بخش کشاورزی و صنعت تأکید کرد.

- اتیه^۱ (۲۰۱۹)، در مطالعه خود بر روی رابطه رشد سهم بخش‌های صنعت ساخت و خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه با استفاده از داده‌های سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۱۵ برای ۵۰ کشور، به این نتیجه دست یافته است که سهم بخش صنعت ساخت از تولید ناخالص داخلی رابطه مثبتی با رشد اقتصادی به خصوص برای کشورهای فقیرتر داشته که برای بخش خدمات چنین نتیجه‌ای حاصل نشد. وی همچنین به این نتیجه اشاره می‌کند که هر دو بخش صنعت ساخت و خدمات برای تسریع رشد اقتصادی اهمیت دارند، اما صنعت ساخت به نسبت خدمات از درجه اهمیت بالاتری برخوردار است.
- سیرمای و ورسپاگان (۲۰۱۵) رابطه سهم بخش‌های صنعت و خدمات از تولید ناخالص داخلی و رشد تولید ناخالص داخلی سرانه را با استفاده از روش پنل دیتا متشکل از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، طی سه دوره ۱۹۵۰-۱۹۷۰، ۱۹۷۰-۱۹۹۰ و ۱۹۹۰-۲۰۰۵ مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعات آن‌ها حاکی از آن است که، برای کشورهای با درآمد پایین و برخی از کشورهای با درآمد متوسط، صنعت موتور محرکه اقتصاد آن‌ها بوده که برای بخش خدمات چنین نتیجه‌ای یافت نشد. آن‌ها همچنین بیان کردند که برای اینکه بخش صنعت بتواند موتور رشد اقتصادی مؤثری در کشورهای در حال توسعه باشد، باید سطح مطلوبی از سرمایه انسانی را داشته باشند.
- سینگ (۲۰۱۵)، با بررسی بخش خدمات در اقتصاد هند بیان می‌کند که بخش مذکور نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصاد هند داشته اما بدون توجه به پیوندهای این بخش با بخش‌های کشاورزی و صنعت نمی‌توان در بلندمدت انتظار رشد این بخش و تأثیر قابل ملاحظه آن بر رشد اقتصادی را داشت.
- توماس (۲۰۰۹) در بررسی‌های خود بر روی اقتصاد هند با هدف تشخیص موتور رشد اقتصادی اینگونه نتیجه می‌گیرد که از دهه ۱۹۹۰ بخش خدمات ناجی رشد اقتصادی هند بوده است.
- کاتوربا و راج (۲۰۰۹) بر خلاف نتایج حاصله از مطالعه توماس (۲۰۰۹)، موتور رشد اقتصاد هند را بخش صنعت می‌دانند و اینگونه بیان می‌کنند که مناطقی که صنعتی‌تر بودند رشد بیشتری را تجربه کرده‌اند.
- ترگنا (۲۰۰۷) با بررسی نقش صنعت (به خصوص صنعت ساخت) در اقتصاد آفریقای جنوبی بیان می‌کند که هر چند بخش صنعت موتور اصلی رشد و توسعه اقتصاد آفریقای جنوبی است، اما این

¹ Eman Attiah

امر به واسطه پیوند قوی این بخش با سایر بخش‌های اقتصادی به ویژه بخش خدمات رخ داده است و لذا خدمات نقش مهمی را هرچند غیرمستقیم در رشد اقتصادی آفریقای جنوبی ایفا می‌کند.

- ویلبر (۲۰۰۲)، رابطه میان توسعه بخش خدمات و رشد اقتصادی را برای ۲۵ کشور عضو OECD به روش پنل دیتا طی دوره ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۴ مورد بررسی قرار داد. نتایج پژوهش وی حاکی از آن است که رشد بخش خدمات به صورت کلی تأثیر معکوس بر رشد اقتصادی دارد. اما او با بررسی زیربخش‌های کلی خدمات بیان کرد که همه اجزای خدمات اثر کاهنده بر رشد اقتصادی نداشته و خدماتی نظیر خدمات تولیدکننده بر رشد اثری مثبت داشته اما خدمات مصرف‌کننده و خدمات دولتی تأثیر منفی دارند.

همانطور که از پژوهش‌های ذکر شده مشخص است، نتایج برای بخش صنعت کاملاً روشن و واضح و حاکی از اثر مثبت این بخش بر رشد اقتصادی بوده ولی در خصوص بخش خدمات نتیجه‌گیری‌ها متناقض هستند. اکنون در ادامه با استفاده از داده‌های کشورهای منتخب به بررسی رابطه بخش خدمات با رشد اقتصادی آن‌ها خواهیم پرداخت.

۳-۴- مطالعه موردی کشورهای منتخب

قبل از بررسی رابطه بخش خدمات با رشد اقتصادی برخی از کشورهای منتخب ذکر چند نکته لازم و ضروری است که در ادامه به بیان آن‌ها خواهیم پرداخت:

- منبع اطلاعات ایران، مرکز آمار ایران است.

- از آن جهت که در مطالعه حاضر زیربخش‌های خدمات و نه صرفاً کل بخش مدنظر است، لذا داده‌ها و اطلاعات از پایگاه اطلاعاتی OECD جمع‌آوری شده است و در خصوص زیربخش‌ها، پایگاه داده مذکور، سهم ارزش افزوده آن‌ها را به جای تولید ناخالص داخلی به نسبت ارزش افزوده کل لحاظ کرده است که البته چون ما با روندها سر و کار داریم این موضوع خللی در کار ایجاد نکرده و البته تفاوت قابل ملاحظه‌ای هم میان موارد مطرح شده وجود ندارد.

- برای قابل مقایسه بودن داده‌های ایران و سایر کشورها، در خصوص آمار و اطلاعات اقتصاد ایران نیز به جای تولید ناخالص داخلی از ارزش افزوده کل اقتصاد استفاده شده است.

- به منظور مقایسه یک کشور با ایران در خصوص روند حرکت سهم ارزش افزوده هر زیربخش از کل ارزش افزوده اقتصاد، کشور ترکیه مورد استفاده قرار گرفته و زیربخش‌های بخش خدمات در سطح کد دو رقمی ISIC مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

- همچنین در سطح کد تک رقمی ISIC تمامی زیربخش‌های ارائه شده توسط OECD لزوماً نظیر به نظیر با آنچه در مرکز آمار ایران ارائه می‌شود، یکسان نیست. مثلاً بخش حمل و نقل در ایران با بخش ارتباطات و پست ترکیب شده اما در داده‌های OECD با عمده و خرده فروشی، بازرگانی، رستوران و هتلداری. همچنین در سطح کد تک رقمی بخش صنعت و صنعت ساختمان در آمار ارائه شده از سوی OECD از یکدیگر جدا هستند.

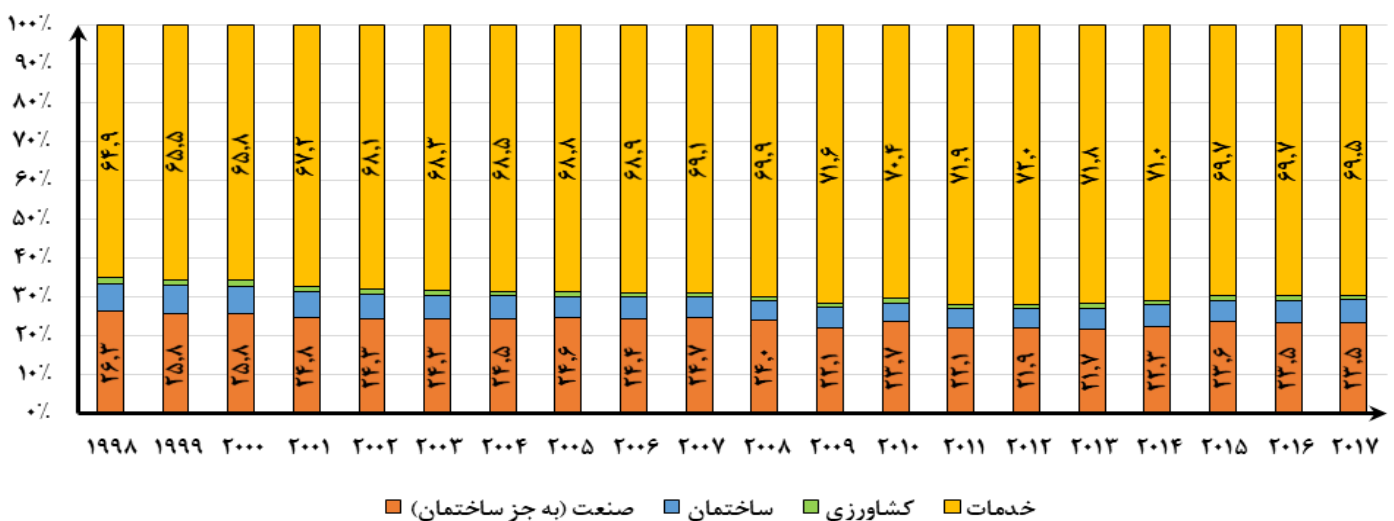
- از آخرین آمار و اطلاعات موجود برای هر کشور استفاده شده است؛ اما نقطه شروع برای کشورها از منظر قیاس بهتر یکسان در نظر گرفته شده و با توجه به همپوشانی زمانی آن‌ها انتخاب شده است.

- همچنین سعی شده از کشورهایی استفاده شود که آمار و اطلاعات آن‌ها برای خدمات در سطح کد تک رقمی ISIC کامل باشد.

۳-۴-۱- ژاپن

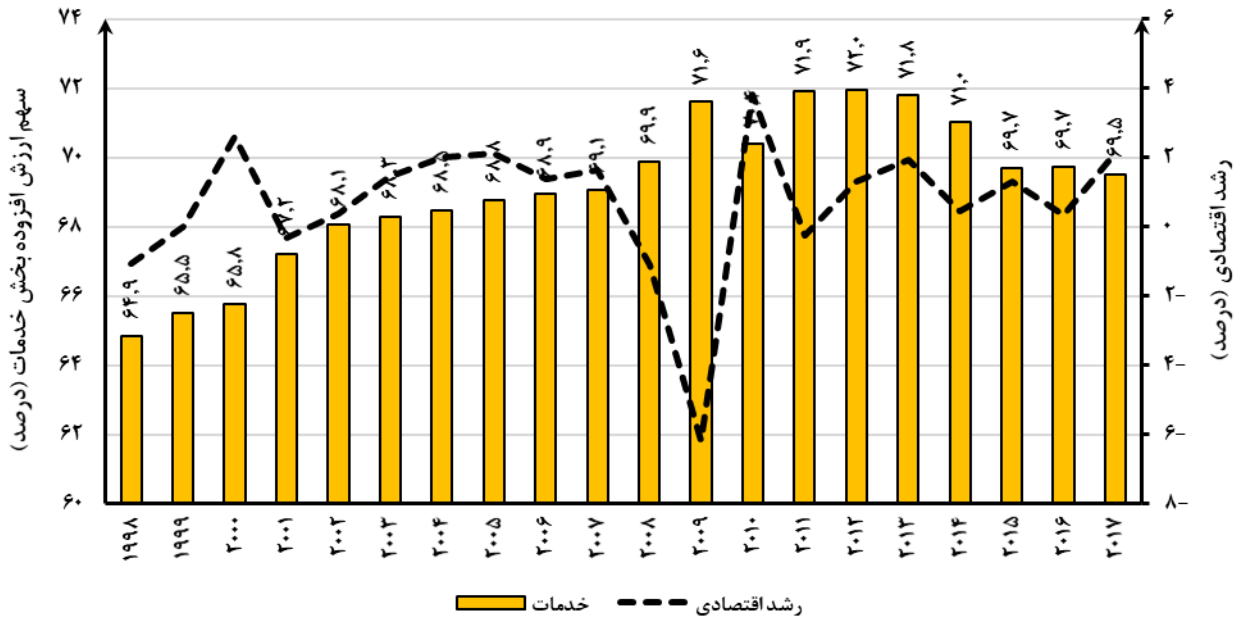
همانطور که در نمودار (۱) مشخص است طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷، سهم ارزش افزوده بخش خدمات در ژاپن از حدود ۶۵ درصد به مقدار تقریبی ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده که متوسط رشد بخش خدمات طی این دوره و از سویی دیگر سهم بخش‌های دیگر در اقتصاد کاهش را نشان می‌دهد.

نمودار ۱- سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در ژاپن طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



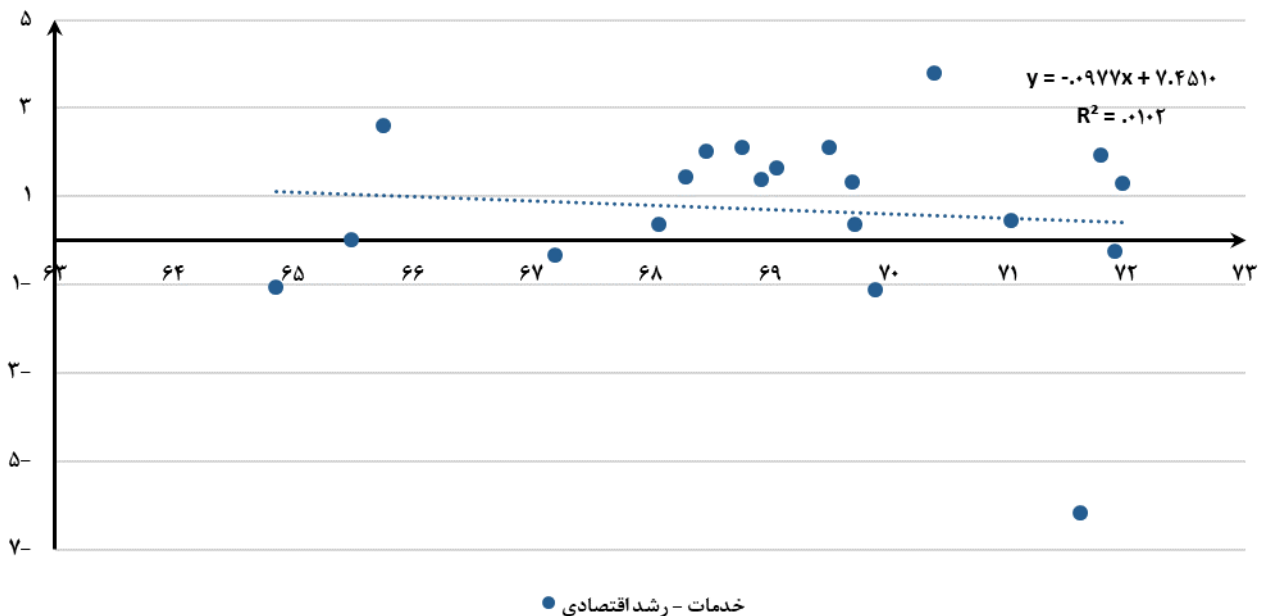
نمودار (۲) و (۳) رابطه سهم بخش خدمات و نرخ رشد اقتصادی را بیان می‌کنند. همانطور که مشخص است در بازه مورد بررسی ضریب زاویه منفی بوده و مؤید رابطه معکوس میان سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی می‌باشد. اما با توجه به مقدار R^2 نمی‌توان نتیجه را قابل اتکا دانست.

نمودار ۲- سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در ژاپن طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



با بررسی زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ژاپن طی دوره مذکور در نمودار (۱) مشاهده می‌شود که بیشترین سهم ارزش افزوده به ترتیب به زیربخش‌های "عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا"، "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی" و "خدمات مستغلات" تعلق دارد. اما در خصوص روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ژاپن می‌توان نتایج را در جدول (۴) مشاهده نمود:

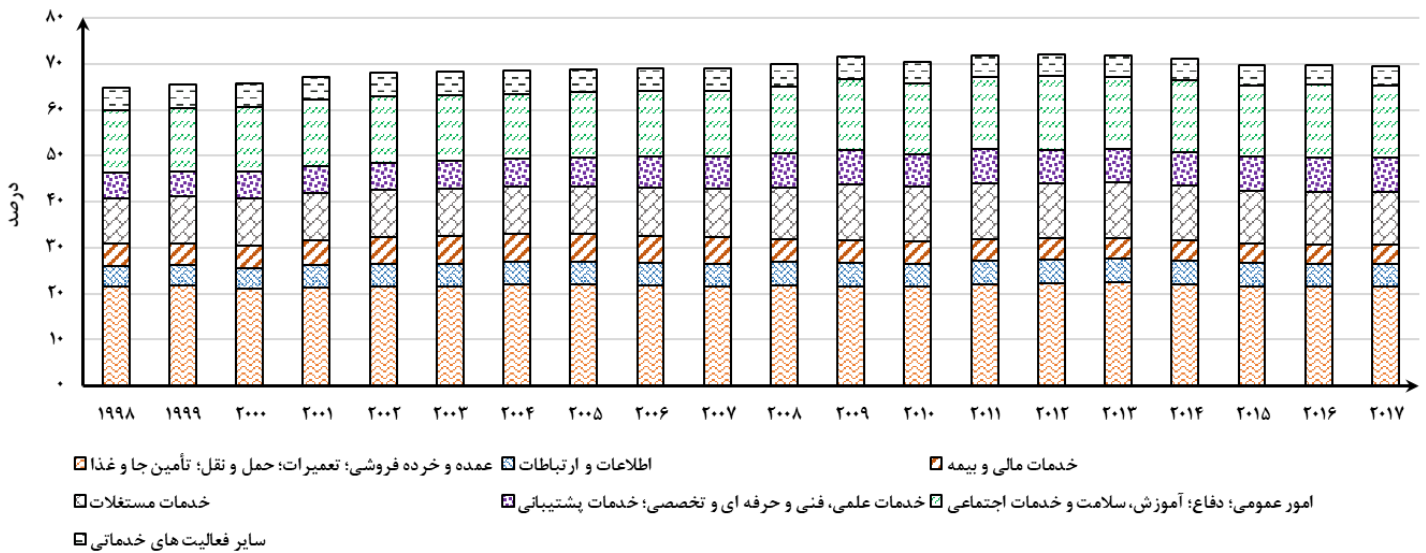
نمودار ۳- رابطه سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در ژاپن طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



جدول ۴- روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ژاپن طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)

نوع روند	تغییرات	۲۰۱۷	۱۹۹۸	
ثابت	۰	۲۱.۶	۲۱.۶	عمده و خرده‌فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین‌جا و غذا
افزایشی	۰.۷	۵.۰	۴.۳	اطلاعات و ارتباطات
کاهشی	-۰.۹	۴.۱	۵.۰	خدمات مالی و بیمه
افزایشی	۱.۴	۱۱.۴	۱۰.۰	خدمات مستغلات
افزایشی	۲.۱	۷.۵	۵.۴	خدمات علمی، فنی و حرفه‌ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی
افزایشی	۲.۰	۱۵.۶	۱۳.۶	امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش، سلامت و خدمات اجتماعی
کاهشی	-۰.۸	۴.۳	۵.۱	سایر فعالیت‌های خدماتی

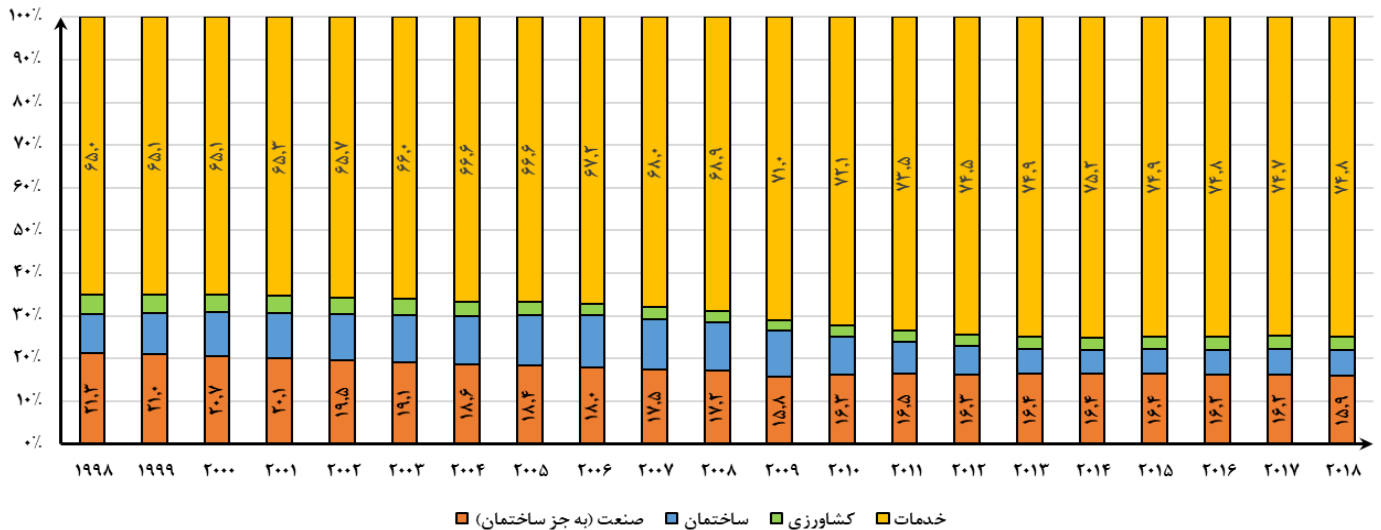
نمودار ۴- سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات از کل ارزش افزوده اقتصاد در ژاپن طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



همانطور که مشاهده می‌گردد، بیشترین افزایش سهم ارزش افزوده به نسبت کل ارزش افزوده اقتصاد در ژاپن طی دوره مورد بررسی به ترتیب مربوط به "خدمات علمی، فنی و حرفه‌ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی" با ۲.۱ واحد درصد و "خدمات مستغلات" با ۱.۴ واحد درصد افزایش می‌باشد.

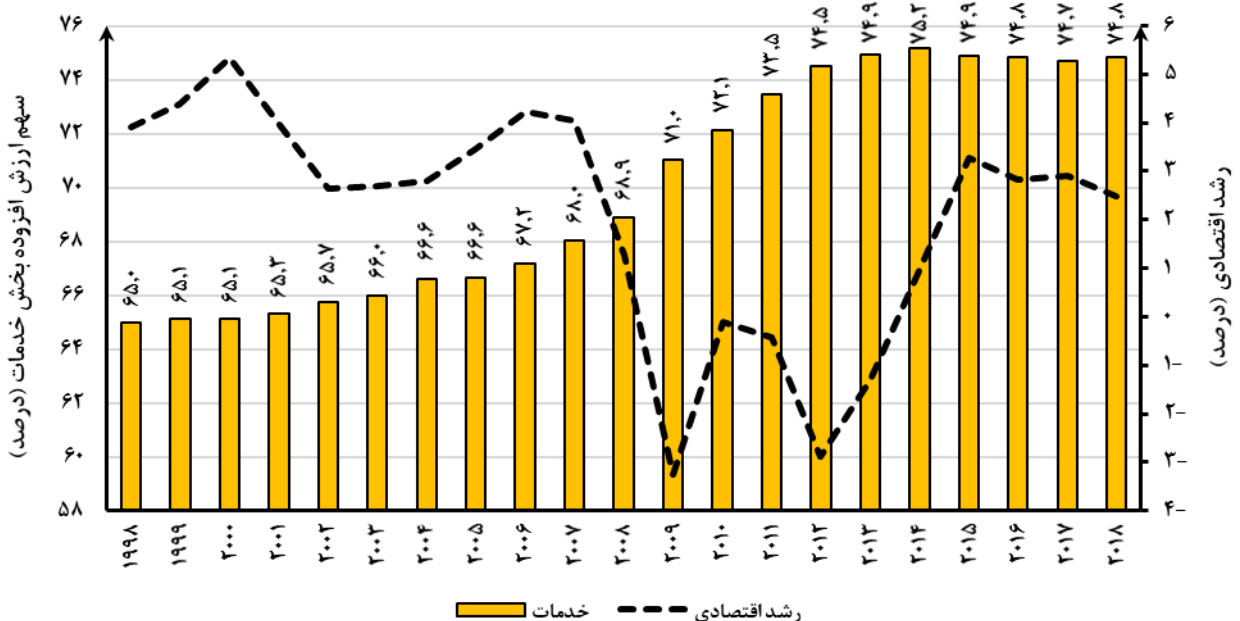
همانطور که در نمودار (۵) مشخص است طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۸، سهم ارزش افزوده بخش خدمات در اسپانیا از حدود ۶۵ درصد به مقدار تقریبی ۷۵ درصد افزایش پیدا کرده و از طرف دیگر سهم بخش‌های دیگر در اقتصاد کاهش را نشان می‌دهد.

نمودار ۵- سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در اسپانیا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)

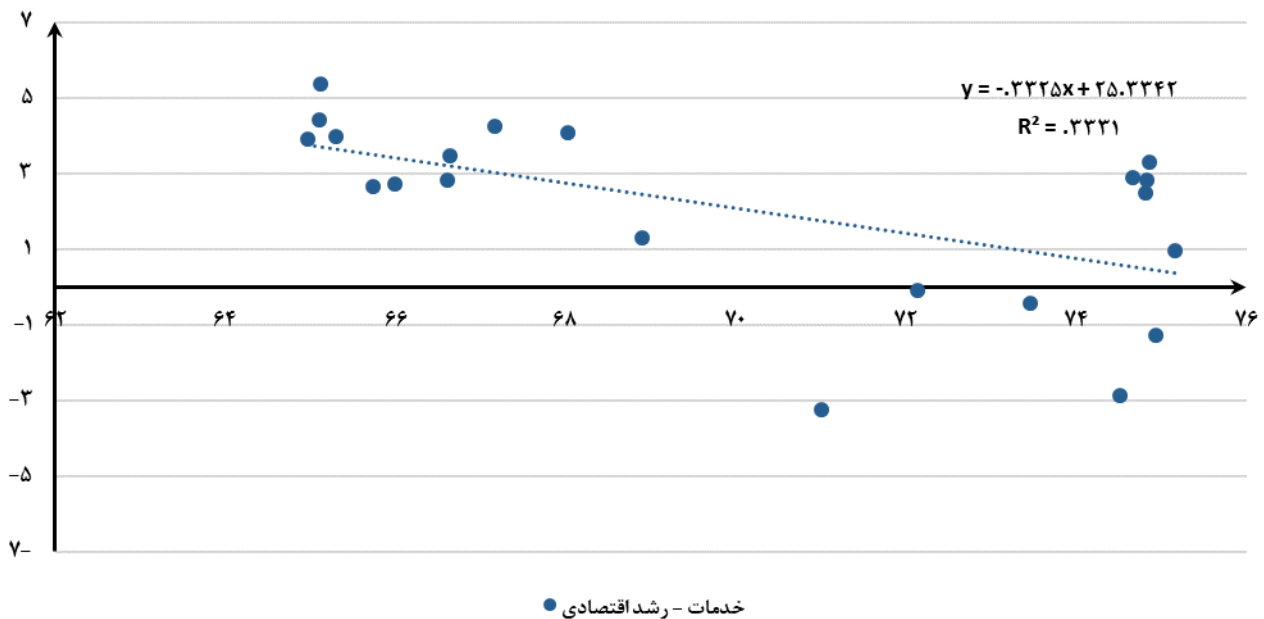


نمودار (۶) و (۷) رابطه سهم بخش خدمات و نرخ رشد اقتصادی را بیان می‌کنند. همانطور که مشخص است در بازه مورد بررسی ضریب زاویه منفی بوده و مؤید رابطه معکوس میان سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی می‌باشد. اما با توجه به مقدار R^2 نمی‌توان نتیجه را قابل اتکا دانست.

نمودار ۶- سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در اسپانیا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



نمودار ۷- رابطه سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در اسپانیا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)

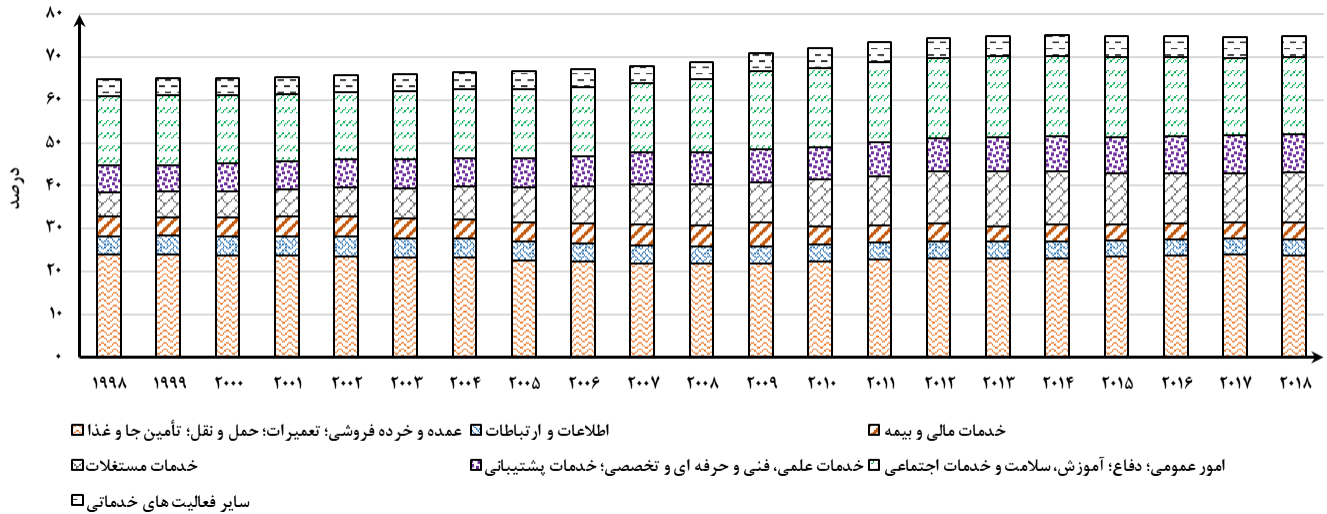


با بررسی زیربخش‌های خدمات در اقتصاد اسپانیا طی دوره مذکور در نمودار (۵) مشاهده می‌شود که بیشترین سهم ارزش افزوده به ترتیب به زیربخش‌های "عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا" و "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی" تعلق دارد. اما در خصوص روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد اسپانیا می‌توان نتایج را در جدول (۵) مشاهده نمود:

جدول ۵- روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد اسپانیا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)

نوع روند	تغییرات	۲۰۱۸	۱۹۹۸	
کاهشی	-۰.۱	۲۳.۸	۲۳.۹	عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا
کاهشی	-۰.۳	۴.۰	۴.۳	اطلاعات و ارتباطات
کاهشی	-۰.۶	۴.۰	۴.۶	خدمات مالی و بیمه
افزایشی	۵.۸	۱۱.۶	۵.۸	خدمات مستغلات
افزایشی	۲.۹	۹.۰	۶.۱	خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی
افزایشی	۱.۸	۱۸.۰	۱۶.۲	امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش، سلامت و خدمات اجتماعی
افزایشی	۰.۷	۴.۸	۴.۱	سایر فعالیت‌های خدماتی

نمودار ۸- سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات از کل ارزش افزوده اقتصاد در اسپانیا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)

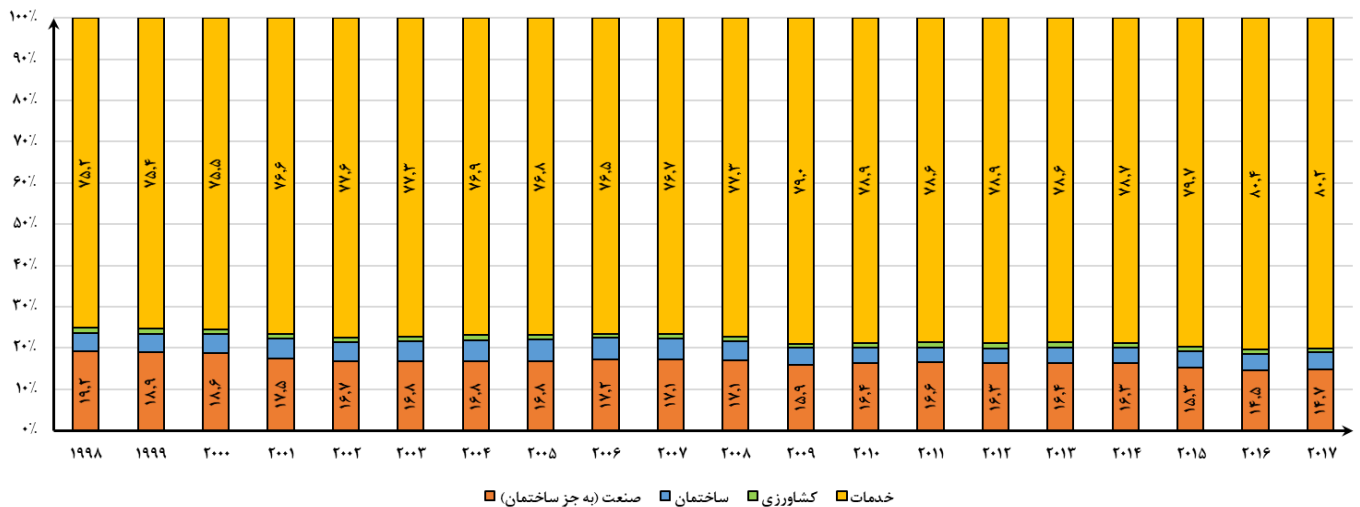


همانطور که مشاهده می‌گردد، بیشترین افزایش سهم ارزش افزوده به نسبت کل ارزش افزوده اقتصاد در اسپانیا طی دوره مورد بررسی به ترتیب مربوط به "خدمات مستغلات" با ۵.۸ واحد درصد و "خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی" با ۲.۹ واحد درصد افزایش می‌باشد.

۳-۴-۳- ایالات متحده آمریکا

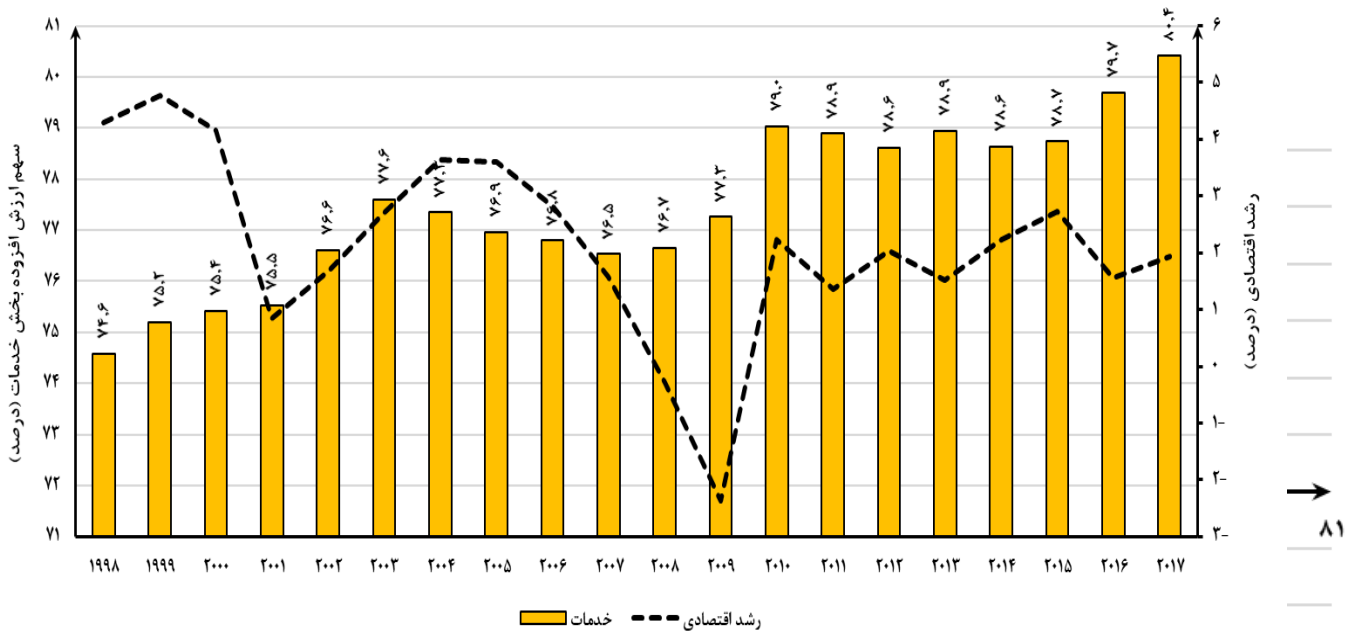
همانطور که در نمودار (۹) مشخص است طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷، سهم ارزش افزوده بخش خدمات در آمریکا از حدود ۷۵ درصد به مقدار تقریبی ۸۰ درصد افزایش پیدا کرده و از طرف دیگر سهم بخش‌های دیگر در اقتصاد کاهش را نشان می‌دهد.

نمودار ۹- سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در آمریکا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



نمودار (۱۰) و (۱۱) رابطه سهم بخش خدمات و نرخ رشد اقتصادی را بیان می‌کنند. همانطور که مشخص است در بازه مورد بررسی ضریب زاویه منفی بوده و مؤید رابطه معکوس میان سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی می‌باشد. اما با توجه به مقدار R^2 نمی‌توان نتیجه را قابل اتکا دانست.

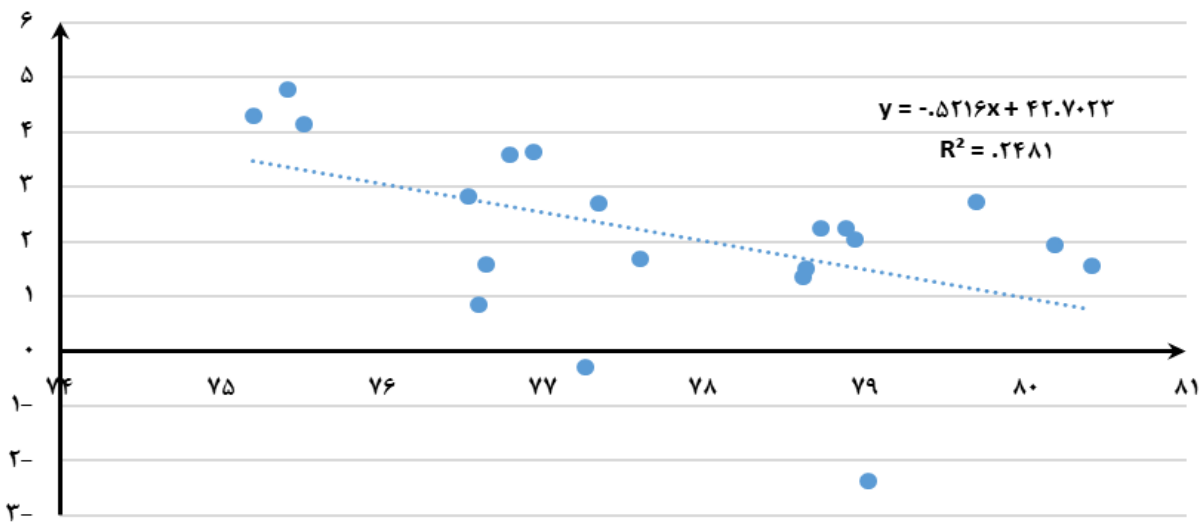
نمودار ۱۰- سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در آمریکا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



۳- ۱

● خدمات - رشد اقتصادی

نمودار ۱۱- رابطه سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در آمریکا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



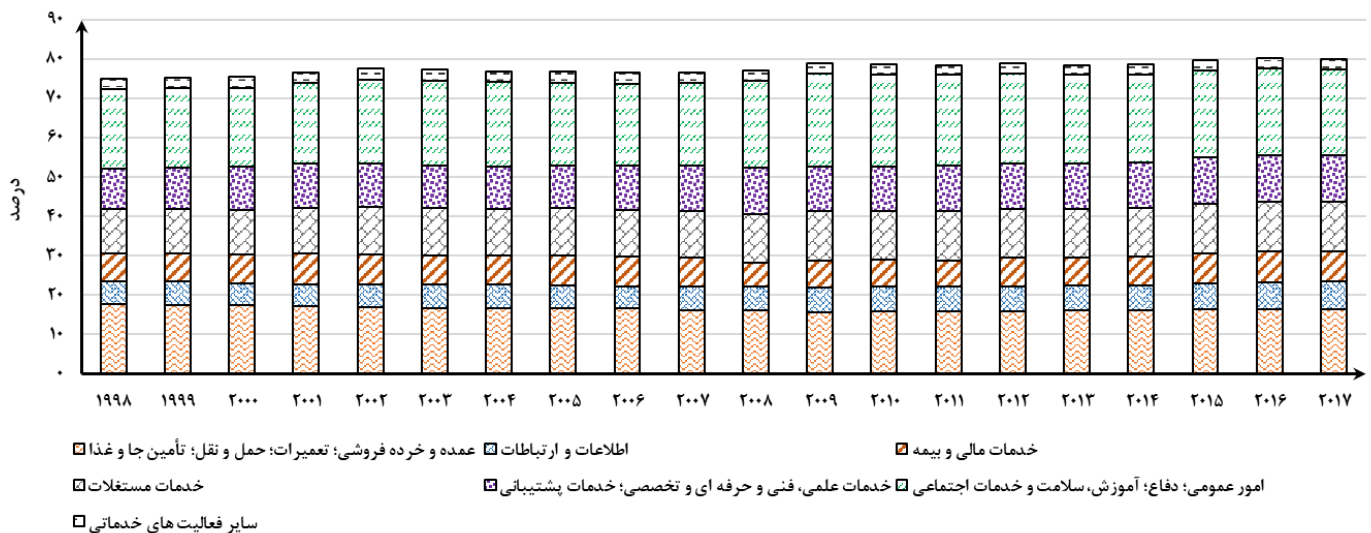
● خدمات - رشد اقتصادی

با بررسی زیربخش‌های خدمات در اقتصاد آمریکا طی دوره مذکور در نمودار (۹) مشاهده می‌شود که بیشترین سهم ارزش افزوده به ترتیب به زیربخش‌های "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی"، "عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا"، "خدمات مستغلات" و "خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی" تعلق دارد. اما در خصوص روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد آمریکا می‌توان نتایج را در جدول (۶) مشاهده نمود:

جدول ۶- روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد آمریکا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)

نوع روند	تغییرات	۲۰۱۷	۱۹۹۸	
کاهشی	-۱.۵	۱۶.۳	۱۷.۸	عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا
افزایشی	۱.۴	۷.۱	۵.۷	اطلاعات و ارتباطات
افزایشی	۰.۴	۷.۶	۷.۲	خدمات مالی و بیمه
افزایشی	۱.۶	۱۲.۷	۱۱.۱	خدمات مستغلات
افزایشی	۱.۵	۱۱.۸	۱۰.۳	خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی
افزایشی	۱.۷	۲۲.۰	۲۰.۳	امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش، سلامت و خدمات اجتماعی
کاهشی	-۰.۲	۲.۶	۲.۸	سایر فعالیت‌های خدماتی

نمودار ۱۲- سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات از کل ارزش افزوده اقتصاد در آمریکا طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)



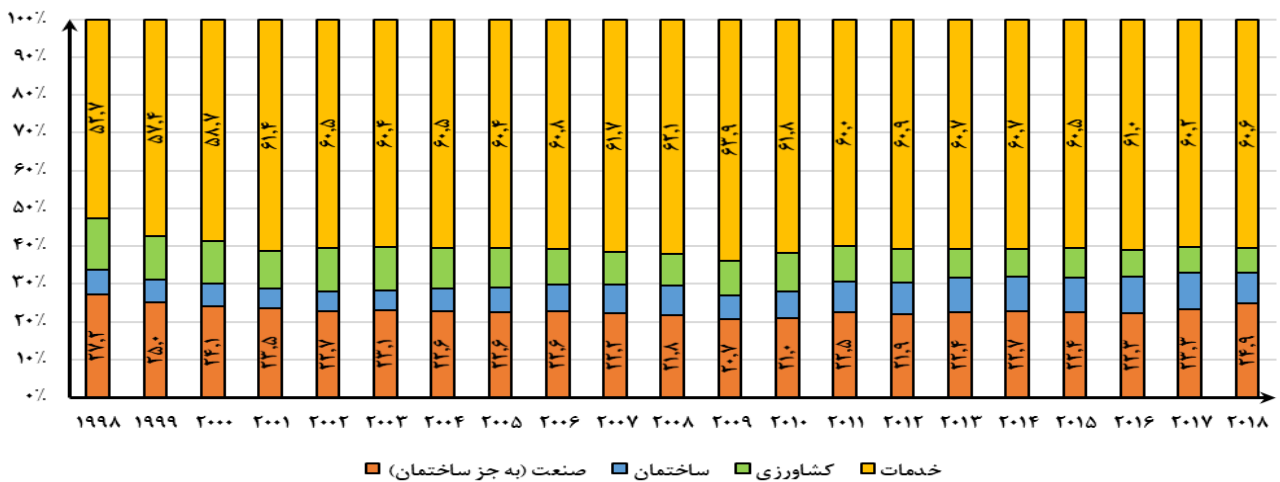
همانطور که مشاهده می‌گردد، بیشترین افزایش سهم ارزش افزوده به نسبت کل ارزش افزوده اقتصاد در آمریکا طی دوره مورد بررسی به ترتیب مربوط به "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی"

با ۱.۷ واحد درصد، "خدمات مستغلات" با ۱.۶ واحد درصد، "خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی" با ۱.۵ واحد درصد و "اطلاعات و ارتباطات" با ۱.۴ واحد درصد افزایش می‌باشد.

۳-۴-۴- ترکیه

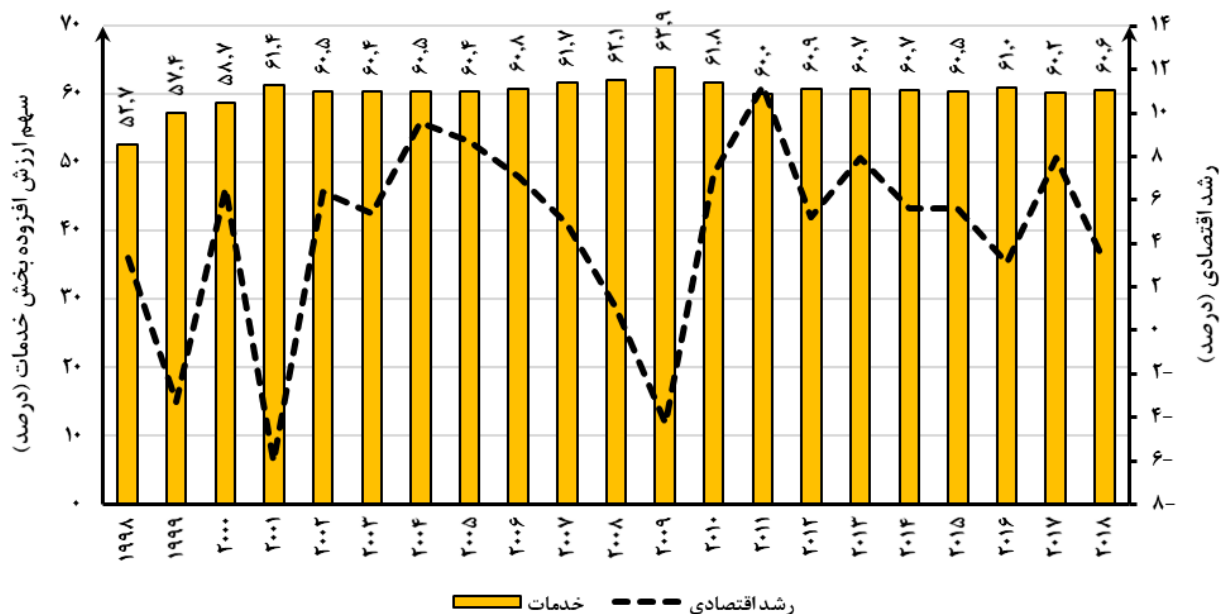
همانطور که در نمودار (۱۳) مشخص است طی سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۸، سهم ارزش افزوده بخش خدمات در ترکیه از حدود ۵۳ درصد به مقدار تقریبی ۶۱ درصد افزایش پیدا کرده و از سویی دیگر سهم بخش های دیگر در اقتصاد کاهش را نشان می‌دهد.

نمودار ۱۳- سهم ارزش افزوده بخش های اقتصادی در ترکیه طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)

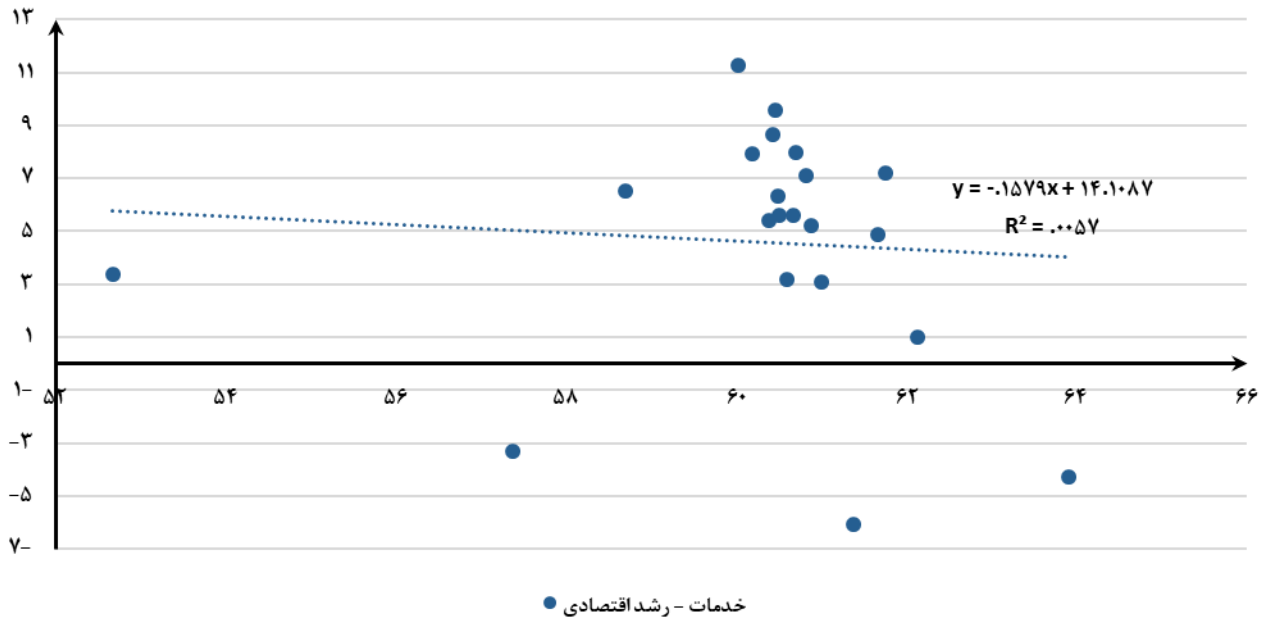


نمودار (۱۴) و (۱۵) رابطه سهم بخش خدمات و نرخ رشد اقتصادی را بیان می‌کنند. همانطور که مشخص است در بازه مورد بررسی ضریب زاویه منفی بوده و مؤید رابطه معکوس میان سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی می‌باشد. اما با توجه به مقدار R^2 نمی‌توان نتیجه را قابل اتکا دانست.

نمودار ۱۴- سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در ترکیه طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)



نمودار ۱۵- رابطه سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در ترکیه طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)

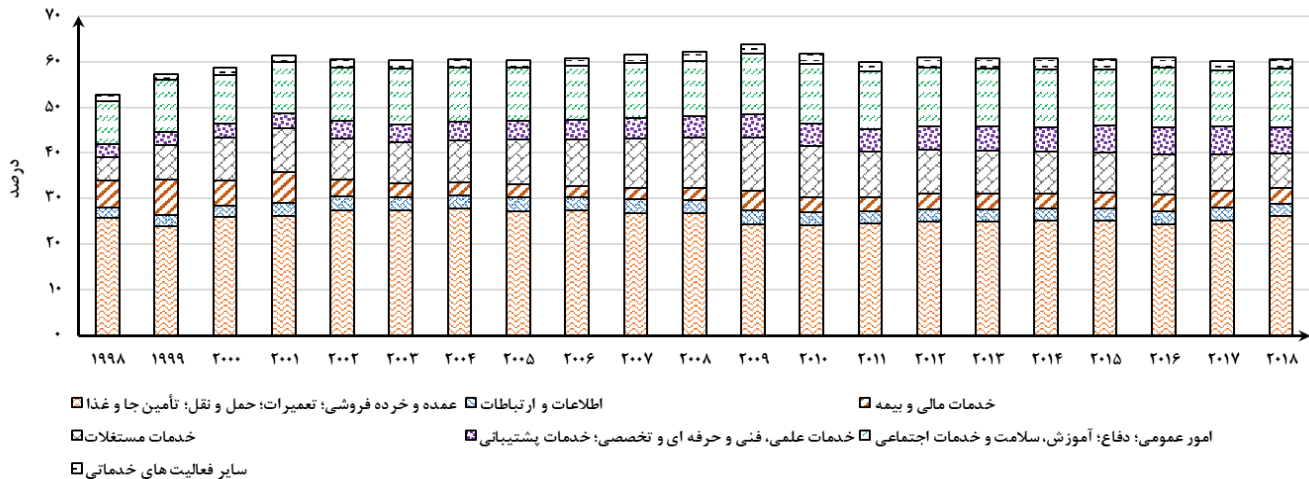


با بررسی زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ترکیه طی دوره مذکور در نمودار (۱۳) مشاهده می‌شود که بیشترین سهم ارزش افزوده به ترتیب به زیربخش‌های "عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا" و "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی" تعلق دارد. اما در خصوص روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ترکیه می‌توان نتایج را در جدول (۷) مشاهده نمود:

جدول ۷- روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ترکیه طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)

نوع روند	تغییرات	۲۰۱۸	۱۹۹۸	
افزایشی	۰.۲	۲۶.۱	۲۵.۹	عمده و خرده فروشی؛ تعمیرات؛ حمل و نقل؛ تأمین جا و غذا
افزایشی	۱.۴	۲.۸	۲.۱	اطلاعات و ارتباطات
کاهشی	-۲.۵	۳.۴	۵.۹	خدمات مالی و بیمه
افزایشی	۲.۴	۷.۶	۵.۲	خدمات مستغلات
افزایشی	۳.۰	۵.۸	۲.۸	خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی
افزایشی	۳.۵	۱۲.۹	۹.۴	امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش، سلامت و خدمات اجتماعی
افزایشی	۰.۷	۲.۱	۱.۴	سایر فعالیت‌های خدماتی

نمودار ۱۶- سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات از کل ارزش افزوده اقتصاد در ترکیه طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۸ (درصد)



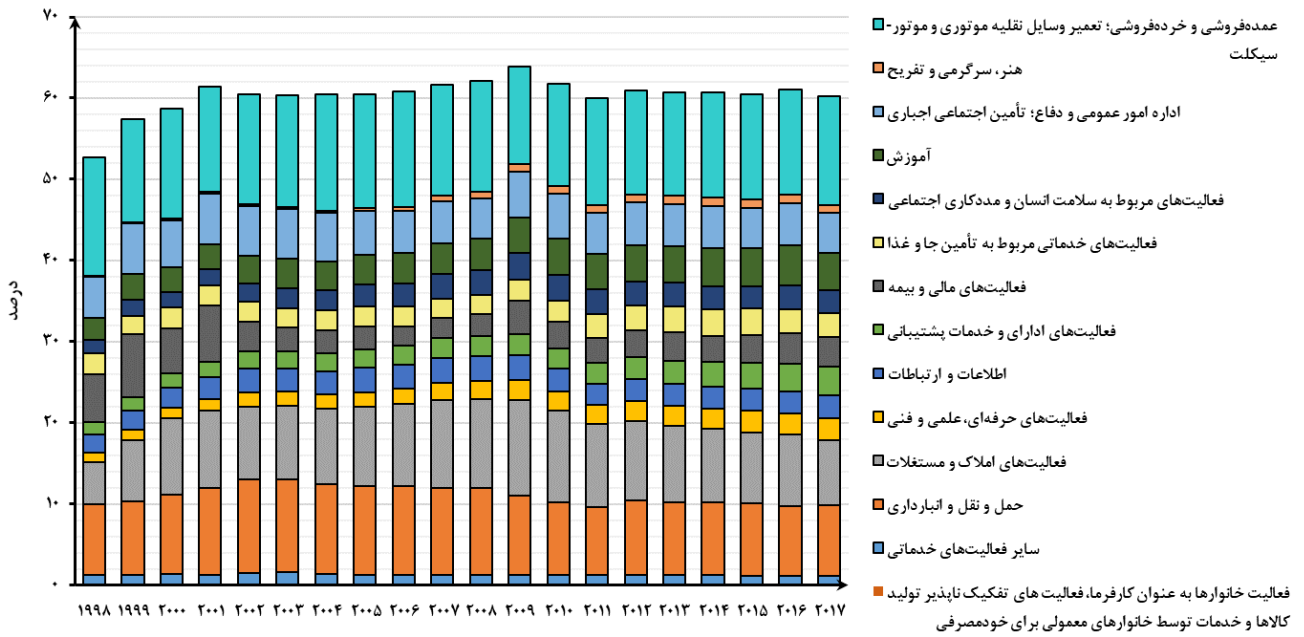
همانطور که مشاهده می‌گردد، بیشترین افزایش سهم ارزش افزوده به نسبت کل ارزش افزوده اقتصاد در ترکیه طی دوره مورد بررسی به ترتیب مربوط به "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی" با ۳.۵ واحد درصد، "خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی" با ۳.۰ واحد درصد، "خدمات مستغلات" با ۲.۴ واحد درصد و "اطلاعات و ارتباطات" با ۱.۴ واحد درصد افزایش می‌باشد.

همانطور که نتایج بررسی سهم زیربخش‌های خدمات در کشورهای فوق نشان می‌دهد اهم توجه کشورها در طی ۲۰ سال مورد بررسی، معطوف به "خدمات علمی، فنی و حرفه ای و تخصصی؛ خدمات پشتیبانی" و "خدمات مستغلات" می‌باشد. البته بخش‌های مربوط به "امور عمومی؛ دفاع؛ آموزش سلامت و خدمات اجتماعی" و "اطلاعات و ارتباطات" را نیز نمی‌توان نادیده گرفت ولی این دو مورد در رتبه‌های بعدی قرار خواهند گرفت.

اما برای بررسی دقیق‌تر و همچنین قابلیت قیاس بهتر با اقتصاد ایران، زیربخش‌های خدمات یک کشور که تطابق ساختاری بهتری با اقتصاد ایران داشته باشد را در سطح کد دو رقمی ISIC بررسی خواهیم نمود. بین کشورهای منتخب بررسی شده می‌توان گفت بهترین گزینه برای مقایسه با ایران، کشور ترکیه است. شایان ذکر است آمار و اطلاعات کشور ترکیه در سطح بیان شده تا سال ۲۰۱۷ موجود می‌باشد.

در نمودار (۱۷) می‌توان سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ترکیه از کل ارزش افزوده را به تفکیک کدهای دو رقمی ISIC را مشاهده نمود.

نمودار ۱۷- سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات از کل ارزش افزوده اقتصاد در ترکیه به تفکیک کدهای دو رقمی ISIC طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)



جدول ۸- روند تغییرات زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ترکیه به تفکیک کدهای دو رقمی ISIC طی دوره ۱۹۹۸-۲۰۱۷ (درصد)

نوع روند	تغییرات	۲۰۱۷	۱۹۹۸	
کاهشی	-۱.۱	۱۳.۴	۱۴.۵	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
ثبات	۰	۸.۷	۸.۷	حمل و نقل و انبارداری
افزایشی	۰.۴	۳.۰	۲.۶	فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
افزایشی	۰.۷	۲.۸	۲.۱	اطلاعات و ارتباطات
کاهشی	-۲.۲	۳.۷	۵.۹	فعالیت‌های مالی و بیمه
افزایشی	۲.۹	۸.۱	۵.۲	فعالیت‌های املاک و مستغلات
افزایشی	۱.۵	۲.۷	۱.۲	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
افزایشی	۱.۹	۳.۵	۱.۶	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
کاهشی	-۰.۲	۴.۹	۵.۱	اداره امور عمومی و دفاع؛ تأمین اجتماعی اجباری
افزایشی	۲.۱	۴.۷	۲.۶	آموزش
افزایشی	۱.۰	۲.۷	۱.۷	فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی
افزایشی	۰.۸	۱.۰	۰.۲	هنر، سرگرمی و تفریح
کاهشی	-۱.۱	۱.۱	۱.۲	سایر فعالیت‌های خدماتی
افزایشی	۰.۰۲	۰.۰۵	۰.۰۳	فعالیت خانوارها به عنوان کارفرما، فعالیت‌های تفکیک‌ناپذیر تولید کالاها و خدمات توسط خانوارهای معمولی برای خودمصرفی

همانطور که در جدول (۸) مشخص است، طی دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۱۷ تمرکز اقتصاد ترکیه، به ترتیب، بیشتر بر روی خدمات زیر بوده است:

- فعالیت‌های املاک و مستغلات
- آموزش
- فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
- فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
- فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی

- نکته مهمی که بایستی بدان اشاره نمود این است که، همانطور که پیش‌تر بیان شد روابط معکوس به دست آمده میان سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی - حتی بدون در نظر گرفتن معیار R^2 - هرگز مؤید این موضوع نخواهد بود که هر چقدر سهم بخش خدمات در اقتصاد کاهش یابد احتمال دستیابی به رشد اقتصادی بالاتر، افزایش می‌یابد؛ چرا که این امر اولاً بدون لحاظ عوامل دیگر در اقتصاد بوده، ثانیاً توجیه‌کننده روند افزایشی سهم بخش خدمات در جهان نخواهد بود و در نهایت بنابر مواردی که در خصوص خدمات در این مطالعه ذکر شده است، این بخش پیوندهای بسیاری با بخش‌های دیگر داشته به گونه‌ای که در سایر بخش‌ها نیز اثرگذار بوده و بدون خدمات، تار و پود دیگر فعالیت‌های اقتصادی غیر خدماتی نیز از یکدیگر خواهد گسیخت.
- همچنین شایان ذکر است، در فعالیت‌های خدماتی که از بررسی اقتصاد ترکیه به دست آمده، به غیر از فعالیت‌های مرتبط با املاک و مستغلات و فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی، باقی موارد ذکر شده همانند آموزش، فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی و فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی، هر یک به نوعی "سرمایه انسانی" را هدف قرار داده‌اند که همانطور که در تاریخچه خدمات و نقش آن در اقتصاد بیان شد یک جنبه انباشت سرمایه و ایجاد ثروت در جامعه به خصوص با دید بلندمدت، سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است.

۳-۵- بررسی رابطه رشد اقتصادی با سهم ارزش افزوده بخش خدمات در ایران

اکنون فرصت آن فرا رسیده تا ضمن مشاهده وضعیت سهم ارزش افزوده بخش خدمات و زیربخش‌های بخش مذکور در ایران، رابطه رشد اقتصادی و ارزش افزوده سهم بخش خدمات را مورد بررسی قرار دهیم. به این منظور داده‌های مربوط به سهم ارزش افزوده بخش خدمات و زیربخش‌های آن از کل ارزش افزوده اقتصاد ایران را در قالب جدول زیر ارائه خواهیم نمود و سپس نموداری همانند آنچه پیش‌تر برای کشورهای منتخب در جهان ارائه شده بود، به تصویر خواهیم کشید. البته سهم مذکور از جهت قابلیت قیاس با اطلاعات سایر کشورهای ارائه شده در این گزارش مطرح و از بیان اعداد مطلق خودداری شده است. با این وجود، شایان ذکر است که متوسط رشد ارزش افزوده گروه کشاورزی، صنعت و خدمات طی دوره ۱۳۴۰ تا ۱۳۹۷ به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰، به ترتیب حدود ۳.۸، ۲.۴ و ۵.۵ درصد بوده که نشان‌دهنده آن است که بیشترین متوسط رشد متعلق به گروه خدمات بوده و در بخش مذکور نیز، زیربخش‌های "مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار" و "واسطه‌گری‌های مالی" به ترتیب با ۸.۳ و ۸.۱ درصد بیشترین متوسط رشد ارزش افزوده را طی دوره مورد بررسی تجربه کرده‌اند.

جدول ۹- سهم ارزش افزوده زیربخش‌های خدمات در اقتصاد ایران طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۹۷ (درصد = ۱۰۰ = ۱۳۹۰)

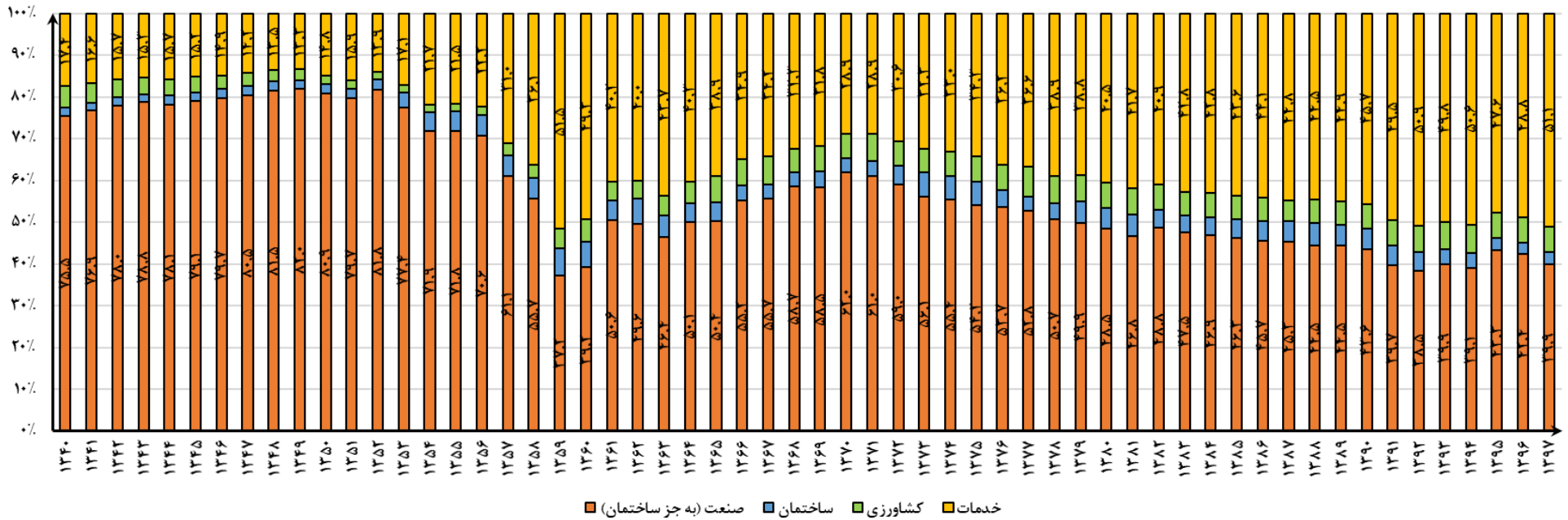
شرح فعالیت‌ها	گروه خدمات	عمده و خرده فروشی، هتل و رستوران	حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات	واسطه‌گری‌های مالی	مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار	امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری	سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی
۱۳۴۰	۱۷.۴	۷.۸	۱.۴	۰.۲	۱.۱	۶.۷	۰.۲
۱۳۴۱	۱۶.۶	۷.۳	۱.۴	۰.۲	۱.۱	۶.۵	۰.۲
۱۳۴۲	۱۵.۷	۶.۵	۱.۳	۰.۲	۱.۰	۶.۵	۰.۱
۱۳۴۳	۱۵.۳	۶.۰	۱.۲	۰.۲	۱.۰	۶.۸	۰.۱
۱۳۴۴	۱۵.۷	۵.۶	۱.۳	۰.۲	۱.۰	۷.۵	۰.۱
۱۳۴۵	۱۵.۲	۵.۵	۱.۲	۰.۲	۱.۰	۷.۲	۰.۱
۱۳۴۶	۱۴.۹	۵.۰	۱.۲	۰.۲	۱.۰	۷.۵	۰.۱
۱۳۴۷	۱۴.۲	۴.۵	۰.۹	۰.۲	۰.۹	۷.۶	۰.۱
۱۳۴۸	۱۳.۵	۳.۹	۰.۸	۰.۲	۰.۸	۷.۷	۰.۱
۱۳۴۹	۱۳.۳	۳.۷	۰.۹	۰.۲	۰.۹	۷.۶	۰.۱
۱۳۵۰	۱۴.۸	۳.۷	۰.۸	۰.۲	۰.۸	۹.۲	۰.۱
۱۳۵۱	۱۵.۹	۴.۳	۱.۰	۰.۲	۰.۸	۹.۵	۰.۱
۱۳۵۲	۱۳.۹	۳.۴	۱.۱	۰.۲	۰.۸	۸.۳	۰.۱
۱۳۵۳	۱۷.۱	۳.۹	۱.۴	۰.۲	۱.۰	۱۰.۶	۰.۱
۱۳۵۴	۲۱.۷	۵.۱	۱.۷	۰.۲	۱.۶	۱۲.۹	۰.۲
۱۳۵۵	۲۱.۵	۵.۱	۱.۶	۰.۲	۱.۷	۱۲.۷	۰.۲
۱۳۵۶	۲۲.۲	۵.۳	۱.۷	۰.۳	۲.۰	۱۲.۸	۰.۲
۱۳۵۷	۳۱.۰	۷.۳	۲.۳	۰.۴	۲.۴	۱۸.۶	۰.۳
۱۳۵۸	۳۶.۱	۷.۳	۲.۷	۰.۴	۲.۶	۲۳.۰	۰.۳
۱۳۵۹	۵۱.۵	۸.۷	۳.۹	۰.۶	۴.۱	۳۳.۸	۰.۴
۱۳۶۰	۴۹.۳	۸.۶	۳.۳	۰.۵	۵.۲	۳۱.۲	۰.۴
۱۳۶۱	۴۰.۲	۶.۷	۲.۶	۰.۴	۴.۴	۲۵.۷	۰.۳
۱۳۶۲	۴۰.۰	۹.۱	۲.۹	۰.۵	۴.۸	۲۲.۴	۰.۳
۱۳۶۳	۴۳.۷	۱۰.۹	۳.۲	۰.۵	۵.۷	۲۳.۰	۰.۴
۱۳۶۴	۴۰.۳	۱۰.۷	۳.۳	۰.۵	۶.۱	۱۹.۴	۰.۴
۱۳۶۵	۳۸.۹	۱۰.۸	۳.۲	۰.۵	۶.۱	۱۸.۰	۰.۳
۱۳۶۶	۳۴.۹	۱۰.۵	۲.۶	۰.۴	۵.۸	۱۵.۱	۰.۳
۱۳۶۷	۳۴.۲	۱۰.۹	۲.۷	۰.۴	۶.۱	۱۳.۷	۰.۳
۱۳۶۸	۳۲.۳	۱۰.۱	۲.۴	۰.۴	۵.۷	۱۳.۵	۰.۳
۱۳۶۹	۳۱.۸	۹.۶	۲.۴	۰.۴	۶.۳	۱۲.۸	۰.۳

۰.۳	۱۱.۰	۵.۹	۰.۳	۲.۱	۹.۳	۲۸.۹	۱۳۷۰
۰.۳	۱۱.۳	۵.۷	۰.۳	۲.۲	۹.۱	۲۸.۹	۱۳۷۱
۰.۳	۱۲.۴	۶.۰	۰.۴	۲.۲	۹.۴	۳۰.۶	۱۳۷۲
۰.۳	۱۲.۹	۶.۹	۰.۶	۲.۷	۸.۹	۳۲.۳	۱۳۷۳
۰.۴	۱۲.۹	۹.۰	۰.۷	۳.۰	۸.۰	۳۳.۰	۱۳۷۴
۰.۳	۱۲.۴	۹.۰	۰.۸	۳.۳	۸.۴	۳۴.۳	۱۳۷۵
۰.۳	۱۳.۴	۸.۷	۱.۰	۳.۷	۹.۱	۳۶.۲	۱۳۷۶
۰.۴	۱۲.۷	۸.۸	۱.۱	۳.۵	۱۰.۱	۳۶.۶	۱۳۷۷
۰.۴	۱۳.۴	۹.۳	۱.۵	۴.۰	۱۰.۳	۳۸.۹	۱۳۷۸
۰.۴	۱۳.۳	۸.۹	۱.۴	۴.۲	۱۰.۶	۳۸.۸	۱۳۷۹
۰.۵	۱۳.۷	۸.۹	۱.۴	۴.۴	۱۱.۵	۴۰.۵	۱۳۸۰
۰.۵	۱۳.۹	۹.۵	۱.۴	۴.۹	۱۱.۶	۴۱.۷	۱۳۸۱
۰.۴	۱۲.۸	۹.۴	۱.۵	۵.۳	۱۱.۵	۴۰.۹	۱۳۸۲
۰.۵	۱۲.۵	۹.۸	۱.۷	۵.۸	۱۲.۴	۴۲.۸	۱۳۸۳
۰.۶	۱۲.۶	۹.۶	۱.۸	۵.۶	۱۲.۷	۴۲.۸	۱۳۸۴
۰.۷	۱۲.۵	۱۰.۱	۱.۸	۵.۸	۱۲.۷	۴۳.۶	۱۳۸۵
۰.۷	۱۲.۱	۱۰.۲	۲.۱	۶.۱	۱۲.۸	۴۴.۱	۱۳۸۶
۰.۸	۱۱.۸	۱۰.۸	۲.۶	۶.۶	۱۲.۲	۴۴.۸	۱۳۸۷
۰.۹	۱۱.۴	۱۰.۴	۲.۸	۷.۰	۱۱.۹	۴۴.۵	۱۳۸۸
۰.۹	۱۰.۸	۱۱.۳	۲.۹	۶.۹	۱۲.۱	۴۴.۹	۱۳۸۹
۰.۸	۱۰.۹	۱۱.۵	۲.۶	۷.۰	۱۲.۷	۴۵.۷	۱۳۹۰
۰.۹	۱۱.۷	۱۳.۶	۲.۶	۷.۴	۱۳.۲	۴۹.۵	۱۳۹۱
۰.۹	۱۱.۹	۱۵.۰	۲.۶	۷.۷	۱۲.۸	۵۰.۹	۱۳۹۲
۰.۹	۱۱.۷	۱۳.۸	۲.۵	۸.۰	۱۳.۰	۴۹.۸	۱۳۹۳
۰.۹	۱۱.۶	۱۴.۱	۲.۶	۸.۱	۱۳.۲	۵۰.۶	۱۳۹۴
۰.۸	۱۰.۶	۱۳.۲	۲.۶	۸.۰	۱۲.۴	۴۷.۶	۱۳۹۵
۰.۹	۱۰.۹	۱۳.۵	۲.۷	۸.۳	۱۲.۴	۴۸.۸	۱۳۹۶
۰.۹	۱۲.۰	۱۴.۳	۲.۷	۸.۹	۱۲.۲	۵۱.۱	۱۳۹۷

منبع: مرکز آمار ایران

سال پایه آمارها توسط محقق یکسان سازی شده و تمامی اعداد بر پایه سال ۱۳۹۰ محاسبه شده اند

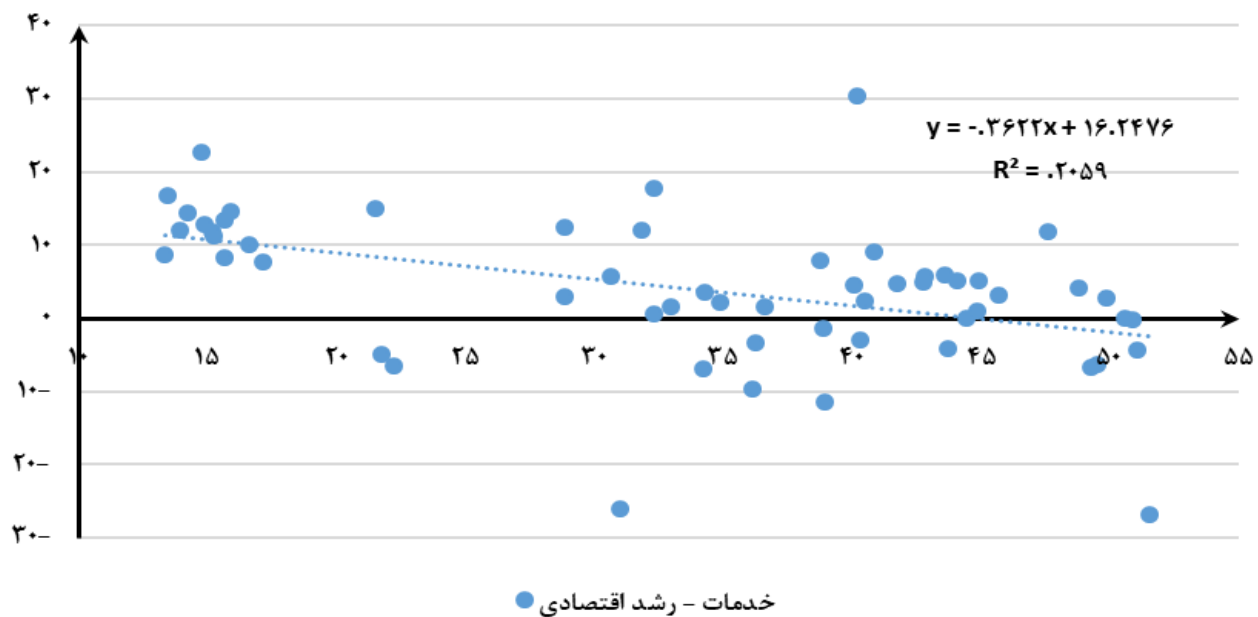
نمودار ۱۸- سهم ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۹۷ (درصد - ۱۰۰=۱۳۹۵)



همانطور که در نمودار (۱۸) مشاهده می‌شود، از سال ۱۳۴۰ تا سال ۱۳۹۷ سهم ارزش افزوده بخش خدمات در اقتصاد ایران افزایش قابل ملاحظه‌ای را تجربه کرده است؛ به گونه‌ای که سهم ارزش افزوده بخش خدمات از کل ارزش افزوده ایجاد شده در اقتصاد در سال ۱۳۴۰ برابر با ۱۷ درصد بوده، اما در سال ۱۳۹۷ این رقم به حدود ۵۱ درصد رسیده است. سایر بخش‌ها نیز در این بازه زمانی روندی کاهشی را به نسبت خدمات تجربه کرده‌اند.

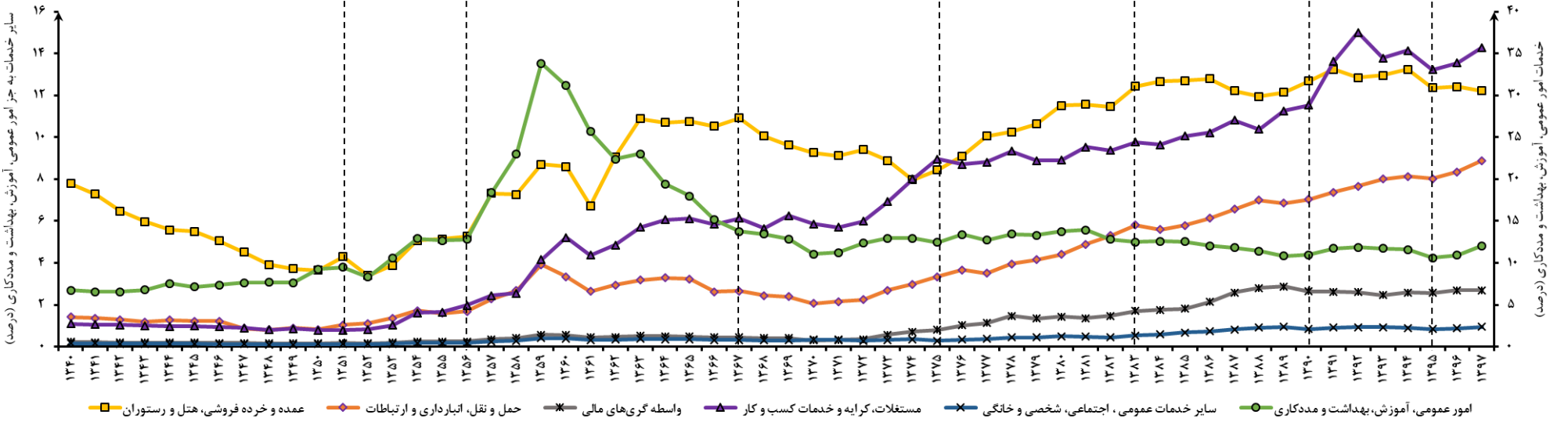
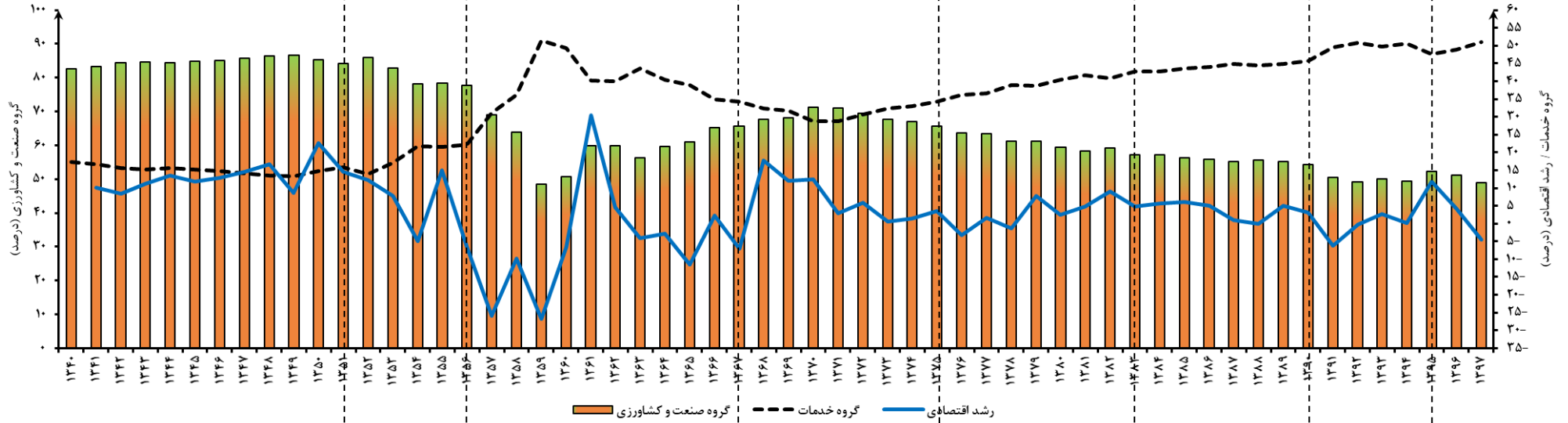
بر اساس نمودار (۱۹)، نتیجه‌ای همانند سایر کشورها برای اقتصاد ایران به دست می‌آید و آن هم رابطه معکوس رشد اقتصادی با سهم ارزش افزوده بخش خدمات در اقتصاد است. البته مجدداً بیان می‌گردد که تفسیر این چنین از خدمات با فرض ثبات شرایط برای سایر بخش‌های اقتصادی بوده و از آنجایی که خدمات نقش پررنگی را در سایر بخش‌ها ایفا می‌کند برای تأیید یا رد علمی چنین رابطه‌ای نیاز به مطالعات دقیق‌تر و بیشتر وجود دارد. این دقت بالاخص برای اقتصادی همانند اقتصاد ایران که دائماً با شوک‌های مختلفی دست و پنجه نرم کرده، می‌بایست بالاتر هم باشد. لذا در نگاه اول تنها می‌توان اینگونه بیان کرد که در اقتصاد ایران نیز چنین نتیجه‌ای مشهود است.

نمودار ۱۹- رابطه سهم ارزش افزوده بخش خدمات و رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۹۷ (درصد)



در ادامه به بررسی روند تغییرات بخش خدمات و زیربخش‌های آن به تفکیک دوران‌های مختلف و با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی یا بر اساس نقاط عطف در روند حرکتی بخش خدمات، خواهیم پرداخت. نمودار (۲۰) شمایی کلی از روند حرکت سه بخش عمده اقتصادی (کشاورزی، صنعت و خدمات) و همچنین زیربخش‌های آن در اقتصاد ایران را ارائه می‌دهد. لازم به ذکر است برای بهتر دیده شدن روند حرکت بخش خدمات، ارزش افزوده بخش‌های کشاورزی و صنعت با یکدیگر ادغام شده و در کنار بخش خدمات رسم شده است.

نمودار ۲۰- سهم ارزش افزوده بخش خدمات، زیربخش‌های آن و رشد اقتصادی در ایران طی دوره ۱۳۴۰-۱۳۹۷ (درصد)



۳-۵-۱- دوره اول (۱۳۴۰-۱۳۵۱)

دوره ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۱ در برگیرنده دو برنامه پنج ساله قبل از انقلاب اسلامی بود، که برنامه های سوم و چهارم توسعه عمرانی بودند. به نوعی از این دوره تحت عنوان دوران بازسازی و رشد نهادهای اقتصادی یاد می شود (بانوئی و دیگران، ۱۳۸۶). از اهم تحولات این دوره می توان به انقلاب سفید و اصلاحات ارضی اشاره نمود. در دوره مذکور سرمایه گذاری های زیربنایی بسیار در خصوص احداث سد، نیروگاه، ذوب آهن و ... صورت گرفت که همانطور که در نمودار (۲۰) مشخص هست، سهم دو بخش کشاورزی و صنعت از کل ارزش افزوده اقتصاد در طی این دوره حدود ۸۰ درصد بوده که بسیار بیشتر از خدمات که کمتر از ۲۵ درصد ارزش افزوده را شامل می شد، بوده است. از دیگر تحولات این بازه زمانی می توان به همراه شدن با جریان جهانی رشد و انباشت سرمایه فیزیکی و گذار از تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جنگ جهانی دوم، اشاره نمود.

در این دوره به صورت کلی سهم بخش خدمات در کل اقتصاد کاهش یافت و در خصوص تحولات مرتبط با زیربخش های فعالیت های خدماتی در طی این دوره می توان به کاهش ۴ واحد درصدی خدمات مربوط به عمده و خرده فروشی، رستوران و هتلداری تا سال ۱۳۴۹ و افزایش ۱ واحد درصدی خدمات امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری اشاره کرد. البته بعد از سال ۱۳۴۹ تا سال ۱۳۵۱ هر دو مورد مذکور شاهد افزایش اندکی بودند که افزایش خدمات عمومی معلول گسترش نقش دولت در حوزه خدمات بوده است. همچنین شایان ذکر است، بین سال های ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱، شاهد افزایش سهم خدمات مرتبط با حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات نیز هستیم.

۳-۵-۲- دوره دوم (۱۳۵۲-۱۳۵۶)

تقریباً از مهرماه ۱۳۵۲ شمسی (۱۹۷۳ میلادی) درآمدهای نفتی ایران با افزایش بی سابقه ای مواجه شد به طوری که قیمت هر بشکه نفت خام به حدود ۱۲ دلار رسیده بود. این درآمد عظیم نفتی جامعه را به سمت مصرف انبوه سوق داد و به دلیل تفاوت ساختار اقتصاد ایران با کشورهای توسعه یافته آمادگی لازم برای این حجم و ابعاد از مصرف در جامعه وجود نداشت و لذا ظرفیت جذب اقتصاد ایران برای دلارهای نفتی سرازیر شده به اقتصاد بسیار پایین بود و از این رو این امر سبب افزایش بی رویه واردات، افزایش نقدینگی و تورم در جامعه بود که نارضایتی های اجتماعی را در پی داشت که می توان آن ها را به عنوان بخشی از عوامل شکل دهی انقلاب سال ۱۳۵۷ تلقی نمود.

در این دوره سهم خدمات در اقتصاد از ۱۳.۹ درصد در سال ۱۳۵۲ به حدود ۲۲.۲ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت. افزایش ناگهانی عایدی‌های نفتی در اقتصاد ایران، افزایش سهم تمامی زیربخش‌های خدمات را در پی داشت؛ به گونه‌ای که واسطه‌گری‌های مالی که از سال ۱۳۴۰ حدود ۰.۲ درصد از ارزش افزوده کل اقتصاد را شامل می‌شدند با افزایش ۰.۱ واحد درصدی روبرو شدند و این سهم در سال ۱۳۵۶ به ۰.۳ درصد رسید. افزایش قابل ملاحظه ذخایر ارزی در این دوره به همراه واردات بی سابقه کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، تأثیر مثبتی بر ارزش افزوده زیربخش‌های عمده و خرده‌فروشی، رستوران و هتلداری، حمل و نقل و انبارداری که هر دو جزء خدمات توزیعی به حساب می‌آیند و مستغلات و خدمات کسب و کار داشته است. شایان ذکر است در بازه زمانی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶، بخش کشاورزی و صنعت در مجموع به نسبت بخش خدمات با کاهش مواجه شدند. (سهم گروه صنعت در این دوره از حدود ۸۴ درصد به نزدیک ۷۶ درصد کاهش پیدا کرده است)

۳-۵-۳ دوره سوم (۱۳۵۷-۱۳۶۷)

دو رویداد حائز اهمیت در این بازه زمانی را می‌توان منسوب به انقلاب اسلامی و جنگ ۸ ساله ایران و عراق دانست. به فاصله کمتر از دو سال از وقوع انقلاب اسلامی، در شهریور ماه ۱۳۵۹، جنگ ایران و عراق به صورت رسمی آغاز شد و در طی این دوره، یعنی از ۱۳۵۷ تا ۱۳۵۹ شاهد رشد قابل توجه زیربخش‌های خدمات به ویژه امور عمومی و دفاع هستیم. البته در کل دوره مذکور سهم این بخش، هم به دلیل هزینه‌های بالای جنگ هم به علت حضور پر رنگ دولت در حوزه تأمین اجتماعی و بحث گسترش آموزش و بهداشت عمومی و توسعه روستایی، بالا و قابل ملاحظه بوده است. (بانوئی و دیگران، ۱۳۸۶)

لازم به ذکر است که در بازه زمانی ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۷، سهم بخش‌های کشاورزی و صنعت در مجموع پایین‌تر از سهم بخش خدمات در اقتصاد ایران بوده است.

۳-۵-۴ دوره چهارم (۱۳۶۸-۱۳۷۵)

دوره چهارم در حقیقت تحت عنوان "عصر سازندگی" یا به عبارت بهتر "دوره بازسازی" پس از جنگ لقب دارد. در این دوره علاوه بر نیاز کشور به بازسازی زیرساخت‌های آسیب دیده، تفکری همانند سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۱، در میان سیاستگذاران و سیاستمداران مبنی بر نیل توسعه اقتصادی بر پایه اقداماتی همچون راه‌سازی، احداث کارخانجات و ... شکل گرفت. متأسفانه عدم توجه به نهادسازی سبب تضعیف شدید ارزش پول ملی و عواقب ناشی از آن گردید (عظیمی، ۱۳۸۳). با وجود کاهش بخش خدمات طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۲، این بخش در کل دوره از مجموع بخش‌های کشاورزی و خدمات سهم بیشتری در

ارزش افزوده اقتصاد کشور را به خود اختصاص داده بود. در این دوره نیز علاوه بر خدمات عمومی (امور عمومی، دفاع، آموزش و ...)، همانند دوره های قبل خدمات توزیعی مثل عمده و خرده فروشی، رستوران و هتلداری و حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات از بیشترین سهم در میان زیربخش های خدمات برخوردار بودند.

یکی از مسائل قابل توجه در خصوص زیربخش های خدمات در این دوره که از نمودار (۲۰) قابل مشاهده هست، این است که، برای اولین بار سهم خدمات مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار که جزء خدمات تولیدی هستند از خدمات عمومی بیشتر شده است و از حدود ۵.۷ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۹.۰ درصد در سال ۱۳۷۵ افزایش یافته است.

۳-۵-۵- دوره پنجم (۱۳۷۶-۱۳۸۳)

یکی از مسائل قابل توجه در بازه زمانی ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۳، کاهش قابل ملاحظه قیمت نفت در سال ۱۳۷۷-۱۳۷۸ است که نمود این کاهش قیمت و به تبع آن کاهش درآمدهای نفتی دولت، سهم خدمات عمومی را در این دوره به نسبت سایر خدمات کاهش داده به طوریکه در ابتدای دوره سهم ارزش افزوده خدمات عمومی ۱۳.۴ درصد بوده و در پایان دوره مذکور این رقم به ۱۲.۵ درصد رسیده است. اما در نگاه کلی، در دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۳، سهم کل بخش خدمات از حدود ۳۶.۲ درصد به ۴۲.۸ درصد افزایش یافته است.

۳-۵-۶- دوره ششم (۱۳۸۴-۱۳۹۰)

از رویدادهای اقتصادی حائز اهمیت در این دوره می توان به طرح بنگاه های زودبازده و اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها اشاره نمود که هر دو با اجرای نادرست سبب افزایش نقدینگی و به تبع آن تورم در جامعه شدند و این امر بر شاخص قیمت خوراکی ها اثر گذاشته و باعث افزایش شاخص مذکور شده که در زیربخش های خدمات در این دوره، شاهد کاهش سهم گروه عمده و خرده فروشی، رستوران و هتلداری هستیم؛ به گونه ای که سهم این بخش از ۱۲.۷ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۱۲.۱ درصد در سال ۱۳۸۹ تنزل یافته است.

همچنین در این دوران مجوزهای بی رویه بانک مرکزی جهت تأسیس بانک های جدید را می توان محرکی برای افزایش سهم ارزش افزوده گروه واسطه گری های مالی در این دوره از ۱.۸ درصد در سال ۱۳۸۴ به ۲.۶ درصد در سال ۱۳۹۰ در نظر گرفت.

در این دوره، خدمات روندی نزولی را تجربه می کرد به طوری که سهم آن از ۴۹.۵ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۴۷.۶ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافت. البته رکود بوجود آمده در این دوره نه صرفاً برای بخش خدمات بلکه برای سایر بخش ها نیز صادق بوده است. از دلایل ایجاد رکود در این دوره می توان به این موارد اشاره نمود: اول، نااطمینانی هایی که در چند سال گذشته به مناسبت های گوناگون و در سطوح مختلف سیاستگذاری ایجاد و تشدید گردیده و موجب خروج بخشی از سرمایه های بخش خصوصی از فعالیت های مولد شد. دوم، آثار قابل انتظار اجرای طرح هدفمندسازی یارانه ها و افزایش قیمت حامل های انرژی از زمستان سال ۱۳۸۹ که قیمت تمام شده بسیاری از محصولات انرژی بر و هزینه های حمل و نقل را افزایش داده که اگر به خدمات مرتبط با حمل و نقل در این دوره دقت کنیم از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ کاهش یافته و در سال ۱۳۹۵ مجدداً به رقم سال ۱۳۹۱ رسیده است و در کل شرایط مطلوبی را تجربه نکرده است و همچنین کاهش توان مالی تولیدکنندگان و قدرت خرید مصرف کنندگان را به دنبال داشته است که نمود آن در خدمات عمده و خرده فروشی، رستوران و هتلداری طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ کاملاً مشهود بوده به گونه ای که سهم این بخش از کل ارزش افزوده اقتصاد از ۱۳.۲ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۱۲.۴ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش پیدا کرده است. سوم، تشدید تحریم های تجاری و مالی که مبادلات مالی و تجاری کشور با دنیای خارج را بسیار سخت و پرهزینه کرده است. این تحریم ها با کاهش میزان فروش نفت خام و به تبع آن کاهش درآمدهای ارزی کشور، بودجه دولت را با محدودیت منابع مواجه نموده و آثار خود را بر کاهش فعالیت ها و نرخ رشد اقتصادی بر جای گذاشته است که یکی از تبعات آن را می توان در کاهش سهم ارزش افزوده خدمات مربوط به امور عمومی، آموزش، بهداشت و مددکاری جست و جو نمود که از ۱۱.۷ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۱۰.۶ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

در خصوص زیربخش خدمات مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار دو مسئله وجود دارد؛ اول فضای کسب و کار نامناسب که خدمات کسب و کار را تحت تأثیر قرار داد و دوم رکود بخش مسکن که ناشی از دو عامل عمده بود که یکی مربوط به کاهش وام های مسکن و دیگری در خصوص افزایش تا ۱۰۰ درصدی برخی نهاده های لازم برای ساخت مسکن از جمله میلگرد که سهم بالایی در ساخت مسکن دارد، می باشد که در نتیجه کاهش تقاضا و کاهش انگیزه برای سازندگان و عرضه کنندگان را در پی داشته و لذا سبب کاهش سهم ارزش افزوده این بخش از ۱۳.۶ درصد در سال ۱۳۹۱ به ۱۳.۲ درصد در سال ۱۳۹۵ می گردد.

پس از امضای توافق برجام در تیر ماه ۱۳۹۴ و لغو تدریجی تحریم های مالی، تجاری و ... فضای کسب و کار به تدریج بهبود یافت و این موضوع در خصوص سهم بخش خدمات در اقتصاد نیز تأثیر مثبت خود را نشان داد به گونه ای که شاهد روندی صعودی در این بخش بودیم. شایان ذکر است که اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۶ شاهد رشد ارزش افزوده به میزان ۴.۲ درصد به قیمت های ثابت ۱۳۹۰ بوده است که بیشتر آن از طریق رشد ۴.۸ درصدی ارزش افزوده بخش خدمات تأمین شده است. اما در پاییز سال ۱۳۹۷ آغاز روند صعودی نرخ ارز (پرش نرخ ارز) را در تحولات اقتصادی آن سال داشتیم که با توجه به کاهش سهم ارزش افزوده خدمات عمده و خرده فروشی، رستوران و هتلداری شاید بتوان این کاهش را ناشی از همان تغییرات ناگهانی نرخ ارز دانست. البته برای مشاهده بهتر و دقیق تر اثر پرش نرخ ارز، می بایست حداقل داده ها و اطلاعات مربوط به سال ۱۳۹۸ نیز موجود باشد چرا که برای بسیاری از بخش ها، تأثیرگذاری تغییرات ارزی لزوماً آنی نبوده و با وقفه اثرگذار است. شایان ذکر است در سال ۱۳۹۷ رشد ارزش افزوده کل اقتصاد حدود ۴.۴- است که همانطور که بیان شد یک بخش مهم از این کاهش از منظر بخش خدمات در بخش خدمات عمده و خرده فروشی، رستوران و هتلداری رخ داده است، اما بخش دیگر آن ناشی از رشد منفی خدمات واسطه گری های مالی است که از دلایل آن می توان به ترجیح افراد به سرمایه گذاری در بازارهای ارز و طلا در زمان بروز شوک ها در اقتصاد ایران اشاره نمود. در سال ۱۳۹۷ نیز به خصوص با خروج یک جانبه ایالات متحده آمریکا از توافق برجام و اعمال تحریم های اقتصادی آن کشور علیه ایران، مجدداً فضای عدم اطمینان بر اقتصاد ایران حاکم گشت که ترجیح افراد به تبدیل پول خود به دارایی های ثابت همانند طلا و ارز در راستای حفظ ارزش به تشدید این شرایط دامن زد و بنابراین نگهداری پول به صورت سپرده در بانک ها جذابیت کمتری داشت.

۴- جمع بندی، نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

۴-۱- جمع بندی و نتیجه گیری

در خصوص رابطه سطح توسعه یافتگی و همچنین رشد اقتصادی با سهم بخش خدمات در ایران با تأکید صرف بر این مطالعه نمی توان به صورت قاطع نظر داد؛ که این عدم قطعیت ناشی از موارد زیر خواهد بود:

- توسعه به مفهوم دقیق و کامل، در برگیرنده ابعاد متفاوتی بوده و نبایست صرفاً آن را معادل با ارتقاء بخش اقتصادی در نظر گرفت. لذا بررسی اثرات افزایش یا کاهش سهم بخش خدمات در کشور بر سطح توسعه یافتگی آن نیازمند مطالعه ای جدا و دقیق با تمرکز کامل بر موضوع یاد شده می باشد.

- در خصوص رابطه رشد اقتصادی و سهم بخش خدمات و زیربخش های آن در ایران همانطور که پیش تر نیز بیان شد، رابطه معکوس مشاهده شده بایستی از روش های اقتصادسنجی و با دقت بالا مورد بررسی قرار بگیرد که خود می تواند موضوع مطالعه ای دیگر باشد؛ و از طرف دیگر عواملی چون تأثیر بخش خدمات بر سایر بخش ها و اثرپذیری بخش خدمات از دیگر بخش های اقتصادی نیز بایستی در کانون توجه قرار گیرد.

اما در زمینه مقایسه تطبیقی زیربخش های خدمات در ایران با کشور ترکیه که به عنوان بنچمارک در این بررسی انتخاب شده بود می توان اینگونه بیان کرد که چه در کشور ترکیه و چه در سایر کشورهایی که ملاحظه شد، اینگونه به نظر می رسد که سهم فعالیت های مرتبط با "دانش، مهارت و تخصص" در حال افزایش بود و "اقتصاد دانش بنیان" در کانون توجهات آن ها قرار دارد. همچنین توجه به "سرمایه انسانی" و خدماتی نظیر "آموزش و بهداشت" که می تواند به افزایش این سرمایه و ارتقاء کیفیت آن کمک کند، گزینه دیگری است که در جهان مد نظر قرار گرفته است. از دیگر مواردی که در بخش خدمات سایر کشورها به وفور مشاهده می گردد توجه آن ها به حوزه "فناوری اطلاعات و ارتباطات" است که در جهان مدرن امروز نقش سازنده ای ایفا می کند، به ویژه آنکه در زمینه کسب و کار، هم نقش تسهیل گری داشته و هم به عنوان بستری برای شکل گیری بسیاری از فعالیت های اقتصادی ایفای نقش می کند. متأسفانه آمار و اطلاعات زیربخش های خدمات در ایران نشانه ای از توجه درخور به این موارد را منعکس نمی کند. بنابراین توصیه می شود توجه به خدماتی که چنین ویژگی هایی را در خود دارند بیش از پیش افزایش یابد.

۴-۲- پیشنهادات برای مطالعات آتی

در راستای پیشبرد مطالعه حاضر می توان پیشنهادات زیر را جهت پژوهش های آتی ارائه نمود:

- ۱- توجه به ابعاد دیگر خدمات در ایران و مقایسه آن با جهان؛ از جمله اشتغال، بهره وری و کیفیت (مباحث مربوط به دستمزد) در بخش خدمات و زیربخش های آن
- ۲- یکی از عناصری که در بررسی حاضر مجال پرداختن به آن نبود، توجه به رابطه رشد اقتصادی با سهم خالص هر یک از بخش های اقتصادی است. در واقع همانطور که در جداول داده و ستانده مشخص است و پیش تر نیز مطرح شد، رابطه بخش های اقتصادی با یکدیگر دو طرفه است. لذا جداسازی اثرات هر بخش از بخش های دیگر می تواند اثر خالص آن بخش در اقتصاد را برای ما نمایان سازد.

منابع

۱. اسفندیاری، هنگامه؛ نجفی، بهالدین و موسوی، سید نعمت الله (۱۳۹۵)، "نقش بخش های اقتصادی در رشد اقتصادی ایران با تأکید بر بخش کشاورزی"، فصلنامه تحقیقات اقتصاد کشاورزی، دوره ۸، شماره ۲۹، ص. ۸۵-۹۹
۲. بانوئی، علی اصغر؛ مؤمنی، فرشاد و آزاد، سید ایمان (۱۳۸۷)، "بررسی کمی جایگاه بخش خدمات و زیربخش های آن در اقتصاد ایران"، فصلنامه اقتصاد و جامعه، شماره ۱۵ و ۱۶، ص. ۶۳-۸۸
۳. حکیمیان، محمدحسین (۱۳۷۸)، "بررسی نقش بخش خدمات در اقتصاد ایران"، مجله مدیرساز، شماره ۶، ص. ۳۳-۶۱
۴. رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۵)، گزیده اقتصاد ایران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول
۵. صباغ کرمانی، مجید؛ یوری، کاظم و باسحا، مهدی (۱۳۸۷)، "اثر باز بودن بخش خدمات بر رشد اقتصادی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی"، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، شماره ۱۲، ص. ۱-۲۶
۶. علی اصغر پورمیرجی، حسین؛ مؤمنی، فرشاد و بانوئی، علی اصغر (۱۳۹۳)، "تحول بخش خدمات در مسیر توسعه یافتگی: مقایسه خدمات توزیعی و خدمات تولیدی"، مجله سیاست گذاری اقتصادی، شماره ۱۱، ص. ۹۱-۱۲۲
۷. کورکی نژاد، ژاله و نجفی، بهالدین (۱۳۸۷)، "تعیین سهم بخش های اقتصادی در رشد اقتصادی ایران: کاربرد مدل شبیه سازی، مجله اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، شماره ۲، ص. ۶۹-۹۲
۸. مرکز آمار ایران، حساب های ملی
9. Attiah, E. (2019), "The Role of Manufacturing and Service Sectors in Economic Growth: An Empirical Study of Developing Countries", *European Research Studies Journal*, Vol. XXII, Issue 1, pp. 112-127
10. Bryson, J. R. & Daniels. P. W. (2007), "The Handbook of Services Industries", Edward Elgar Publishing Limited
11. Dazhong, C. (2013), "The development of the service industry in the modern economy: mechanisms and implications for China", *China Finance and Economic Review*, <https://doi.org/10.1186/2196-5633-1-3>
12. Delaunay, J. C. & Gadrey, J. (1992), "Services in Economic Thought", Springer Science+Business Media, LLC
13. Eichengreen, B. & Gupta, P. (2009), "The Two Waves of Service Sector Growth", NBER Working Paper 14968, May 2009
14. Francois, J. & Hoekman, B. (2010), "Services Trade and Policy," *Journal of Economic Literature*, American Economic Association, vol. 48(3), pages 642-692, September
15. Fuchs, V. R. (1965), "The Growing Importance of the Service Industries", *The Journal of Business*, Vol. 38, No. 4, pp. 344-373
16. Gershuny, J.I. & Miles, I.D. (1983), "The New Service Economy", London, Frances Printer Publishers
17. International Centre for Trade and Sustainable Development (ICTSD), Geneva, Switzerland. (2016), "Services and Sustainable Development: A Conceptual Approach"

18. Katouzian, M. A. (1970), "The Development of the Service Sector: A New Approach", Oxford Economic Papers, Vol. 22, No. 3, pp. 362-382
19. Katuria, V. and Raj, S.N. (2009), "Is manufacturing an engine of growth in India? Analysis in the post nineties", The UNU-WIDER/UNU-MERIT/UNIDO Workshop, Pathways to Industrialization in the 21st Century.
20. Linden, M. & Mahmood, T. (2007), "Long run relationships between sector shares and economic growth: A panel data analysis of Schengen region", *Keskustelualoitteita no.50*, pp. 1-36
21. Singelmann, J. (1978), "From Agriculture to Services: The Transformation of Industrial Employment", Beverly Hills, CA Sage Publication
22. Singh, K. (2015), "The Significance of Service Sector in Indian Economy", International Research Journal of Management and Commerce, Vol. 2, Issue 4 (April 2015)
23. Soubbotina, T.P. (2004), "Beyond economic growth: an introduction to sustainable development", The World Bank
24. Spiegel, H. W. (1983) *The Growth of Economic Thought*, Revised and Expanded Edition, Duke University Press
25. Szirmai, A. & Verspagen, B. (2015), "Manufacturing and economic growth in developing countries, 1950–2005", *Structural Change and Economic Dynamics*, Vol. 34, September 2015, pp. 46-59
26. Thomas, T. (2009). "Why is Manufacturing Not the Engine of India's Economic Growth, Examining Trends, 1959-60-2008/9
27. Tregenna, F. (2007), "Which Sectors Can Be Engines of Growth and Employment in South Africa? An Analysis of Manufacturing and Services", Paper presented at the UNUWIDER CIBS Conference on Southern Engines of Global Growth, Helsinki, 7-9 September
28. Wilber, S. (2002), "Are Services Bad for Growth? Evidence from a panel of OECD economies", PhD Thesis, Georgetown University, Washington DC.
29. Yang, X. & NG, Y.K. (1993), "Specialization and Economic Organization: A New Classical Microeconomic Framework", North Holland, Amsterdam